

در سال ۱۴۰۰ به لحاظ شرایط خاص آن خصوصا در شش ماه اول، پیش بینی می شود هیچ گونه اصلاح و یا تغییر عمده ای در فرآیندهای منتهی به بهبود اقتصاد برق از قبیل منطقی کردن تعرفه ها، سرمایه گذاری خارجی، رونق بیشتر کسب و کار بخش خصوصی و بالاخص گردش نقدینگی ایجاد نشود...

• در یادداشتی از سعید مهذب ترابی
رئیس انجمن شرکت های خدمات انرژی ایران



س

مهم ترین دلیل کمبود منابع مالی به ویژه در صنعت برق، بالا بودن نرخ ارز است که توان خرید تجهیزات را پایین می آورد و به تبع آن تولید برق و فروش آن کاهش می یابد و تامین منابع مالی با مشکل مواجه می شود. همچنین احتمال کاهش یارانه سوخت نیروگاه ها و بالا رفتن قیمت آن سبب نگرانی اهالی این صنعت شده است.

• در گفت و گو با آلبرت بغزیان
اقتصاددان و استادیار دانشگاه تهران



اصلاح ساختار اقتصادی صنعت برق مستلزم بازنگری در فرایند منابع و مصارف خواهد بود در حالی که وضعیت کنونی حاکی از پیشی گرفتن روزافزون هزینه ها نسبت به درآمد است و این ناموازنه آثار و تبعات نامطلوبی را برای این صنعت به دنبال داشته است. حرکت برمدار واقعی سازی قیمت ها در بستر نظام عرضه و تقاضا، نسخه رهایی از گرداب اقتصاد ناتراز برق قلمداد می شود...

• در یادداشتی از پیام باقری
نایب رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران



س

شواهد موجود شرایطی پارادوکسیکال (متناقض نما) را در سیاست های حوزه برق نشان می دهد؛ به این معنا که دولت ایران بیشترین حجم یارانه را در جهان و در بین سایر بخش ها به حوزه برق می دهد، اما میزان رضایت مردم در سطح مورد انتظار افزایش پیدا نکرده است...

• در یادداشتی از علیرضا اسدی
معاون پژوهش و برنامه ریزی سندیکای صنعت برق ایران

بخش



گروه صنعتی پادرعد
PAUD RAAD
Industrial Group



۰۲۲ ۲۵۶۹۴۹-۵۱



۰۹۹۳ ۱۷۷ ۲۹۵۰



fandg_iran



www.paudraad.com

POWER WITH
EATON
TECHNOLOGY



پست برق منطقه ای اصفهان



تاسیسات تولید همزمان برق و آب شیرین قشم

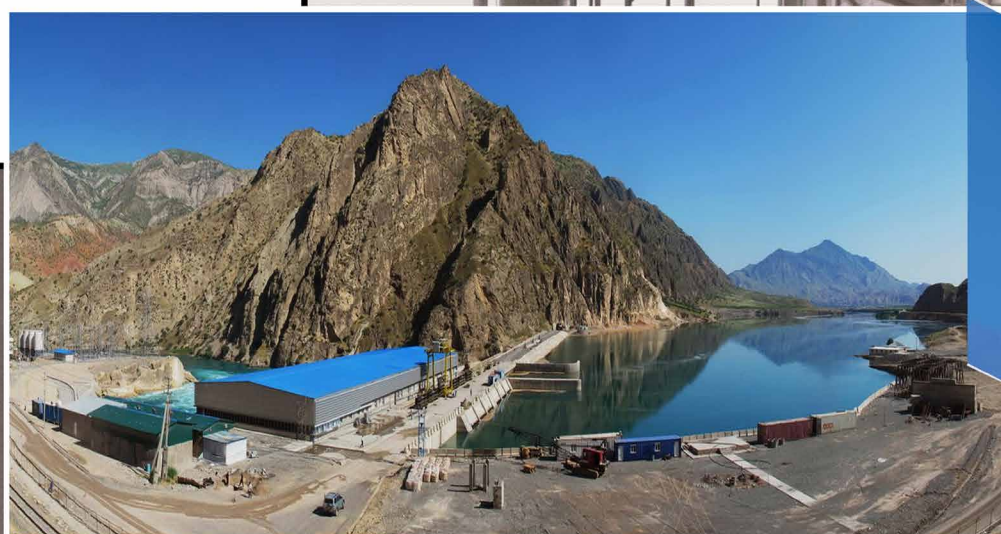


نیروگاه سیکل ترکیبی دالاهو



مزرعه بادی کهک

سرمایه گذاری صنایع برق و آب صبا
(سهامی عام)



سد سنگ توده تاجیکستان



نیروگاه پرند



- Relay modules and solid-state relays
- Power supplies
- Timer
- Tools

Weidmüller 
Let's connect.



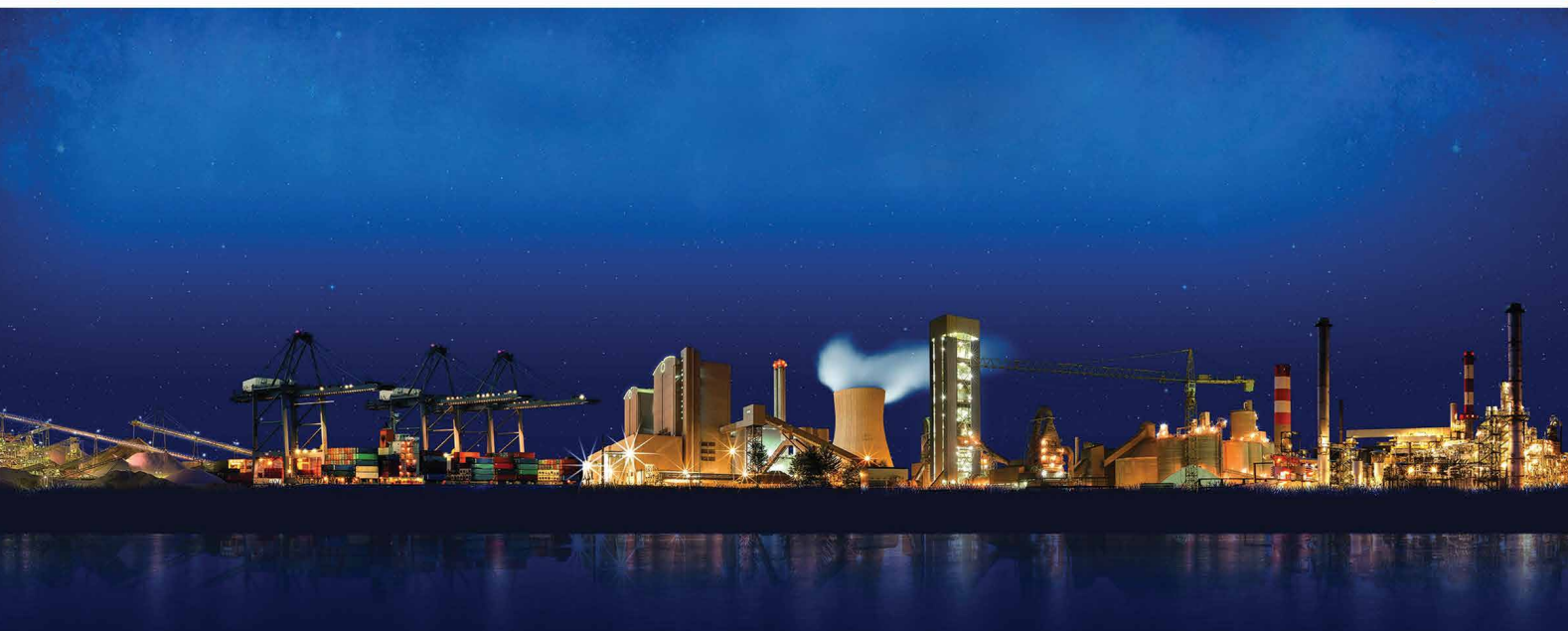
info@vistatkb.com

ویستا تجهیز کیش بنیان

تلفن: (۱۰) خط ۹۱۰۷۰۰۵۸ - ۰۲۱



شرکت اندیشه‌های فرانگر برسام



ABB

Alcatel-Lucent

SEL SCHWEITZER
ENGINEERING
LABORATORIES

Loop
Telecom

BGS

Barsam Global Systems Co.

Tel: +98(21)44 82 26 14-15

Fax: +98(21) 44 83 76 61

ZIP Code: 147 87 86 317

NO.324 Unit 5 North Jannat

Abad Blvd. Tehran IRAN

Web: www.bgsco.net

TeleSCADA

- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابرات فیبر نوری و سیستمهای اپتیک (AccessMux & SDH)
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابراتی PLC
- آنالوگ و دیجیتال
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای اسکادا (RTU) و مراکز دیسپاچینگ
- تامین و تولید تجهیزات پسیو فیبر نوری و تابلوهای مخابراتی و تابلوهای LV
- ارائه خدمات تعمیر و نگهداری سیستمهای مخابراتی و دیسپاچینگ

جهت ورود به

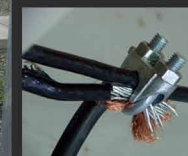
وندور توانیر

خدمات تست و بازرسی
بطور همزمان
برای سازندگان تجهیزات ذیل
(حتی آزمون اتصال کوتاه)

- تابلو و پست کمپکت
- کابل
- یراق آلات و کابل خودنگهدار
- انواع کلید مینیاتوری، دژنکتور، سکسیونر
- انواع ترانس قدرت، ترانس جریان، ولتاژ
- انواع کنتور
- سایر تجهیزات برقی

E.P.I.L.

شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی



تاریخ: ۱۳۹۲/۱/۲۲
شماره: ۹۳۲۷۵۰۰۱۱۵۵۵
پوست: ندارد

شرکت مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران
پستی: تهران
پست: تهران

بسمه تعالی

محل: ۴۲ سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی،
(تاسیس شهری)

مدیرعامل محترم شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی (E.P.I.L.)

موضوع: لیست بازرسان مورد تأیید شرکت توانیر

با سلام و احترام،
حفظ به نامه شماره ۹۴۰۲/۴۲۸۸۵ مورخ ۹۴/۱/۱۷ به اطلاع می‌رساند که با توجه به پروانه بازرسی آن شرکت به شماره ۱۹۷-۲ مورخ ۹۴/۱/۱۶ از سازمان ملی استاندارد ایران، نام آن شرکت در لیست بازرسان مورد تأیید توانیر قرار گرفته است. ۷۳۲-۵۵۷۷

مدیرعامل شرکت توانیر
مدیرکل دفتر امور مهندسی و بازرسی

تلفن: ۲۲۳۳۶۱۰۰

تاییدیه بازرسی توانیر

www.eepil.com

تهران - میدان وکیل - خیابان شهید بهشتی - ساختمان برق ایران - شرکت توانیر - صندوق پستی: ۴۳۲۷۵۰۰۱۱۵۵۵ - تلفن: ۲۲۳۳۶۱۰۰۰ - فکس: ۲۲۳۳۶۱۰۰۱
پست الکترونیکی: info@eepil.com - وبسایت: www.eepil.com



RTU

AZARTU®

Remote Terminal Unit

Up to 90 Digital and Analoge I/O
MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
Powerful ARM Microcontrollers
Softwares: Config - Test - Monitor

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان احمد قصیر، کوچه ششم، پلاک ۲۲
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۷۵۷۶۹۱ - ۸۸۵۴۰۲۰۸
فکس: ۰۲۱ - ۸۸۷۳۲۱۵۸

Head Office: No. 22, 6th St., Ahmad Qasir Ave.,
Beheshti Ave., TEHRAN - 1514644711 - IRAN.
Tel: +98 21 88540208
Fax: +98 21 88732158
www.azarkelid.com | contact@azarkelid.com

Azar Kelid
Engineering of
Electrical Inds.



FTU

Feader Terminal Unit

Up to 24 Digital and Analoge I/O
MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
User Friendly HMI
Embedded Power Meter
Softwares: Config - Test - Monitor

تسهیلات مالی

نمونه سازی / فعالیت های قبل از تولید و تولید صنعتی / سرمایه در گردش / لیزینگ و استصناع / تست و آزمون

ضمانت نامه

شرکت در مناقصه و مزایده / حسن انجام کار / پیش پرداخت / حسن انجام تعهدات

سرمایه گذاری

سرمایه گذاری جسورانه در استارتاپ ها / مشارکت در طرح های فناورانه / هم سرمایه گذاری (سه جانبه با سایر نهادهای مالی)

۰۲۱ ۸۸۵۷۵۹۷۳ | ۸۸۳۶۶۵۸۱ | ۸۸۵۷۴۸۳۷

۰۲۱ ۸۸۳۶۶۵۷۴

info@energyfund.ir

energy-power-fund

powerandenergy.fund

ویژه‌ی شرکت های فناور
ودانش بنیان
صنعت برق و انرژی کشور

www.energyfund.ir

تهران، شهرک قدس (غرب)
انتهای بلوار شهید دادمان، پژوهشگاه نیرو
ساختمان فناوری، طبقه ۳



صندوق پژوهش و فناوری صنعت برق و انرژی



اپلیکیشن کابل کمان، به صورت اختصاصی طراحی شده است
برای دوستانی که با سیم و کابل سر و کار دارند.



توان مصرفی وسایل برقی

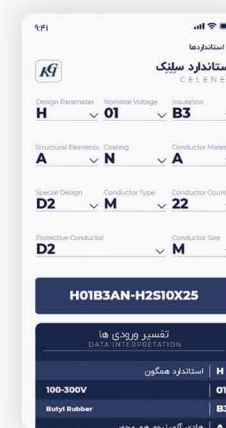
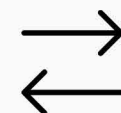
توان مصرفی وسایل برقی در لایه ها و طبقه بندی های
مختلف و میزان سیم و کابل مصرفی برای ساختمان.

2

تبدیل واحد اندازه گیری سیم

تبدیل واحد اندازه گیری سیم در سیستم امریکایی به
میلیمتر AWG TO MM با تمامی مشخصات مورد نیاز.

1



ترجمه کدهای مشخصه

جهت شناسایی کدهای درج شده روی کابل های
مخابراتی و برق و ایجاد کدهای مورد نظر به آسانی.

4

انتخاب کابل

انتخاب کابل مورد نیاز بر اساس جریان ، توان ، طول مسیر
نوع کابل و میزان افت ولتاژ مورد نظر.

3



خبر نامه

در این بخش خبرهای شرکت کابل سازی کمان به همراه
اطلاعات و مقالات جدید مورد استفاده در این حوزه به
استحضار میرسد.

6

محصولات

در این بخش محصولات به صورت کاملا سهل الوصول و
با اطلاعات کامل و جامع قابل دسترسی خواهد بود.

5

صنایع کابل کمان

تولید کننده انواع سیم و کابل فشار ضعیف، متوسط و فشار قوی (10-63kV)



گروه کارخانجات سیم و کابل مشهد
مشهد سیم و کابل
(تاسیس ۱۳۷۰)
(ثبت ۷۰۳۵)
Mashad Wire & Cable Co.

ساخت ایران - تاسیس ۱۳۷۰

بیش از یک ربع قرن تجربه برنده در صنعت سیم و کابل

تولید برتر ← گارانتی معتبر ← همکاری مستمر

- برگزیده آزمایشگاه همکاری نمونه استاندارد در سال ۹۲
- صادر کننده نمونه سیم و کابل در سال ۹۲ الی ۹۹ هر ساله
- دارنده تاییدیه حضور در لیست سازندگان انواع سیم و کابل های برق، قدرت، ابزار دقیق، شرکت های ملی نفت و گاز و پتروشیمی ایران
- کسب رتبه نخست کیفی در تولید محصولات سیم و کابل از سازمان ملی استاندارد ایران از سال ۱۳۷۸ تا کنون
- کسب گواهینامه و تندیس حمایت از حقوق مصرف کنندگان در سال ۹۶، ۹۷ و ۱۳۹۸
- کسب تندیس طلایی برنسدر ترم ملی سال ۱۳۹۷
- کسب عنوان مدیر کنترل کیفیت برتر از سازمان ملی استاندارد ایران از سال ۱۳۸۲ تا کنون

دارای تاییدیه سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری جهت کابل های اعلام حریق (مقاوم در برابر آتش)

تنها واحد نمونه کیفی کشوری (ملی) در سال ۱۳۹۸ منتخب سازمان ملی استاندارد ایران در صنعت سیم و کابل

www.mashadcable.ir
info@mashadcable.ir
telegram.me/mashadcable
فکس: ۴۸۴۴ ۳۵۴۱ (۰۵۱)

(۳) تلفن: ۳۷۲۷۰۰ ۸۸ (۰۵۱) / فکس: ۴۳ ۴۶۳ ۳۷۲ (۰۵۱)
(۴) تلفن: ۴۰۰ ۸۹۲ ۳۷۲ (۰۵۱) / فکس: ۷۱ ۶۷۱ ۳۷۲ (۰۵۱)

(۲) تلفن: ۶۶۷۳۵۸۸۸ (۰۲۱) / فکس: ۶۶۷۳۶۱۹۰ (۰۲۱)

نشانی کارخانه: مشهد مقدس، شهرک صنعتی توس، فاز یک
تلفن: ۳۱۵۶ (۰۵۱) و تلفن: ۱۴۰۰-۱ ۳۵۴۱ (۰۵۱)

نمایندگی های مشهد
(۱) تلفن: ۲۵۸ ۵۵ ۳۲۲ (۰۵۱) / فکس: ۹۵ ۱۳۳ ۳۲۲ (۰۵۱)
(۲) تلفن: ۲۹۶ ۰۸ ۳۲۲ (۰۵۱) / فکس: ۳۰ ۵۳۸ ۳۲۲ (۰۵۱)

نمایندگی های تهران
(۱) تلفن: ۶۶۳۴۱۸۰۶-۸ (۰۲۱) / فکس: ۸۰۹ ۳۴۱ ۶۶ (۰۲۱)



PARS SWITCH CO.

Manufacturer of Medium & High Voltage
Circuit Breakers and Disconnecting Switches

سازنده کلید و سکسیونر فشار متوسط و قوی



LTB 72.5 kV



VP4E 36kV

PDS 245 kV



سکسیونر گازی تابلویی مدل LBS-P
دستی / موتوری 24 kV



VP4E 24kV

تلفن فروش: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۲-۱۶
فکس: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۱

sales@parsswitch.com
www.parsswitch.com



صنایع برق و مکانیک پارس

سازنده تابلوهای فشار متوسطا کشویی و فیکس

و تابلوهای حفاظت و کنترل

تلفن: ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۵۴-۵
فکس: ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۹۰
www.zanganpars.com
info@zanganpars.com



Peyma Bargh Co.

EPC Contractor
in power & energy sector

www.peymabargh.com
info@peymabargh.com



پیمابرک (سهامی خاص)

طراحی، مهندسی، تأمین کالا و امداد، نیروگاهها
خطوط انتقال، پست ها، شبکه های فیبر نوری و توزیع نیرو

قریب ربع قرن فعالیت مستمر شرکت پیمابرک (از سال ۱۳۷۰) گواهی است بر توانایی و ظرفیت های عظیم این مجموعه در اجرای طرح های EPC عمرانی در صنایع برق، مخابرات و ساختمان که با یاری پروردگار و اتکاء به نیروی انسانی مجرب و گنجینه ای از سوابق و تجربیات ارزشمند فنی و اجرایی حاصل گردیده است.

مأموریت ما، در پیمابرک تحویل به موقع و با کیفیت پروژه های عمرانی در صنایع مادر و جلب رضایت کارفرمایان و مدیران طرح ها می باشد و در این راستا با تجدید نظر در نظام حاکمیتی شرکتی و معماری داخلی سازمان توانسته ایم ضمن بروزرسانی بانک دانش و تجربه نسبت به خلق ایده های جدید و نوآورانه و کسب بالاترین استاندارد اجرایی اقدام نماییم.



سندیکای صنعت برق ایران

Iran Electrical Industry Syndicate



انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران

Peyma Bargh provides integrated electrical power services for customers. Our broad range of energy infrastructure service solutions allows us to engineer, commission, test and manage a variety of electrical projects.

The full spectrum of electrical services also include installation, wiring, maintenance, repairs, Peyma Bargh values the opportunity to safety and efficiently bring electrical services to our clients. We will work to find the right service to meet our clients' project's needs. Our diverse team of engineers, technologist electricians, project managers, industry experts and their 28 years of combined experience allow our clients and us to stand by the work we create together. Operating honestly and ethically is quite simply how we do business. We maintain open communication with all clients and pride ourselves on our customer-oriented approach to our work.



نشانی: تهران- خیابان شریعتی- پایین تر از پل صدر- شماره ۱۶۵۷- طبقه سوم
تلفن: ۵۲ - ۹۳۵۰ ۲۲۶۱ (۰۲۱)
نمابر: ۹۳۵۳ ۲۲۶۱ (۰۲۱)

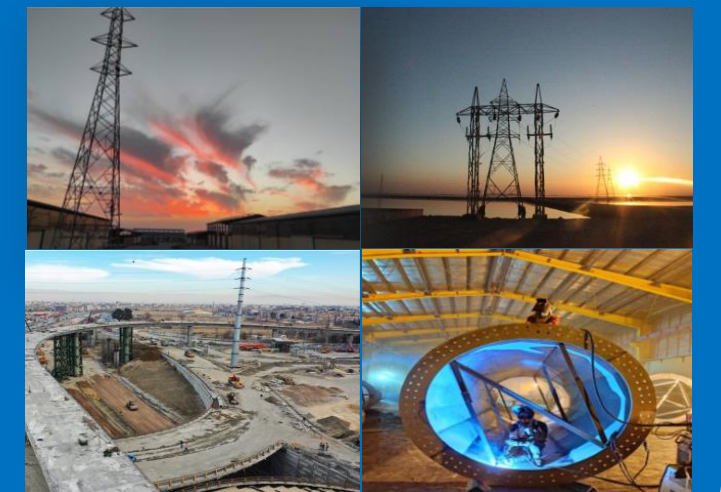


SEM NAN TRANSMISSION STRUCTURES AND EQUIPMENTS
تجهیزات و سازه های انتقال سمنان



SEM NAN

TRANSMISSION STRUCTURES AND EQUIPMENTS



تولید کننده:

- دکل های انتقال نیرو (مشبک، تلسکوپی)
- دکل های فولادی مخابراتی
- اسکلت فلزی تجهیزات صنایع نفت و گاز
- اسکلت فلزی ساختمان های فولادی
- سینی و نردبان فلزی کابل



مهرراج

طرح یاران

شرکت مهندسی مهرراج طرح یاران
MAERAJ Eng. Co. Ltd.



Maeraj Eng.Co.ltd

www.hvdc-tester.com www.maeraj.ir info@mearaj.ir

Designed by Amin E
09122367966



۰۲۱-۲۲۰۱۶۱۰۷

۰۲۳-۳۳۶۵۳۷۳۸



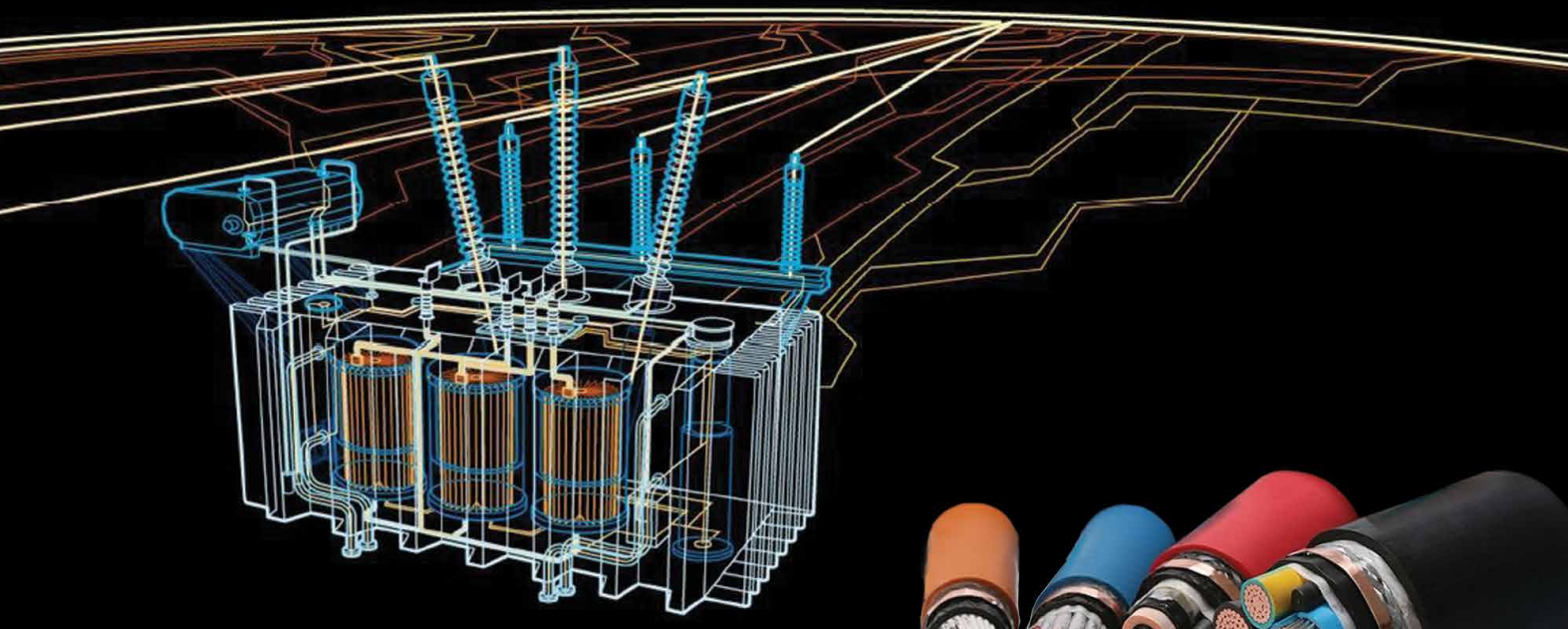
۰۲۱-۲۲۶۵۵۰۵۷

۰۲۳-۳۳۶۵۳۷۳۹

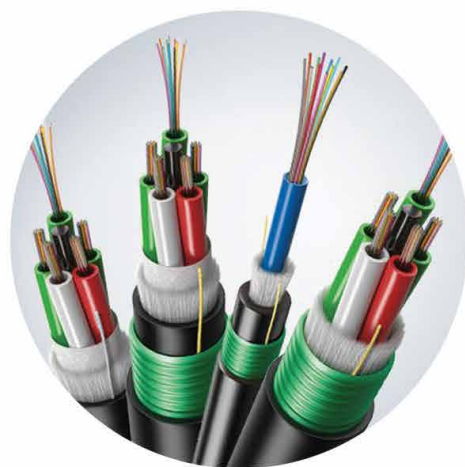


INFO@SEM NANTSE.IR

WWW.SEM NANTSE.IR



کارخانجات کابلسازی ایران اولین و بزرگترین تولیدکننده انواع سیم و کابل در ایران



کابل فیبرنوری و مخابرات



کابل برق، کنترل و ابزار دقیق



کابل فشار قوی

سهامدار عمده مدیریتی و نماینده فروش کارخانجات کابلسازی ایران
تهران، میرداماد غربی، ساختمان باران پلاک ۴۰۸ طبقه سوم
تلفن: ۰۲۱۸۸۸۸۱۸۳۰ : ۰۲۱۸۸۸۷۹۸۴۲۱ : نمابر:



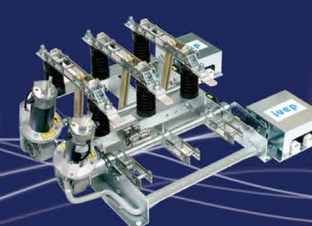
پارس دلتا

Pars Delta Co.

www.pars-delta.com



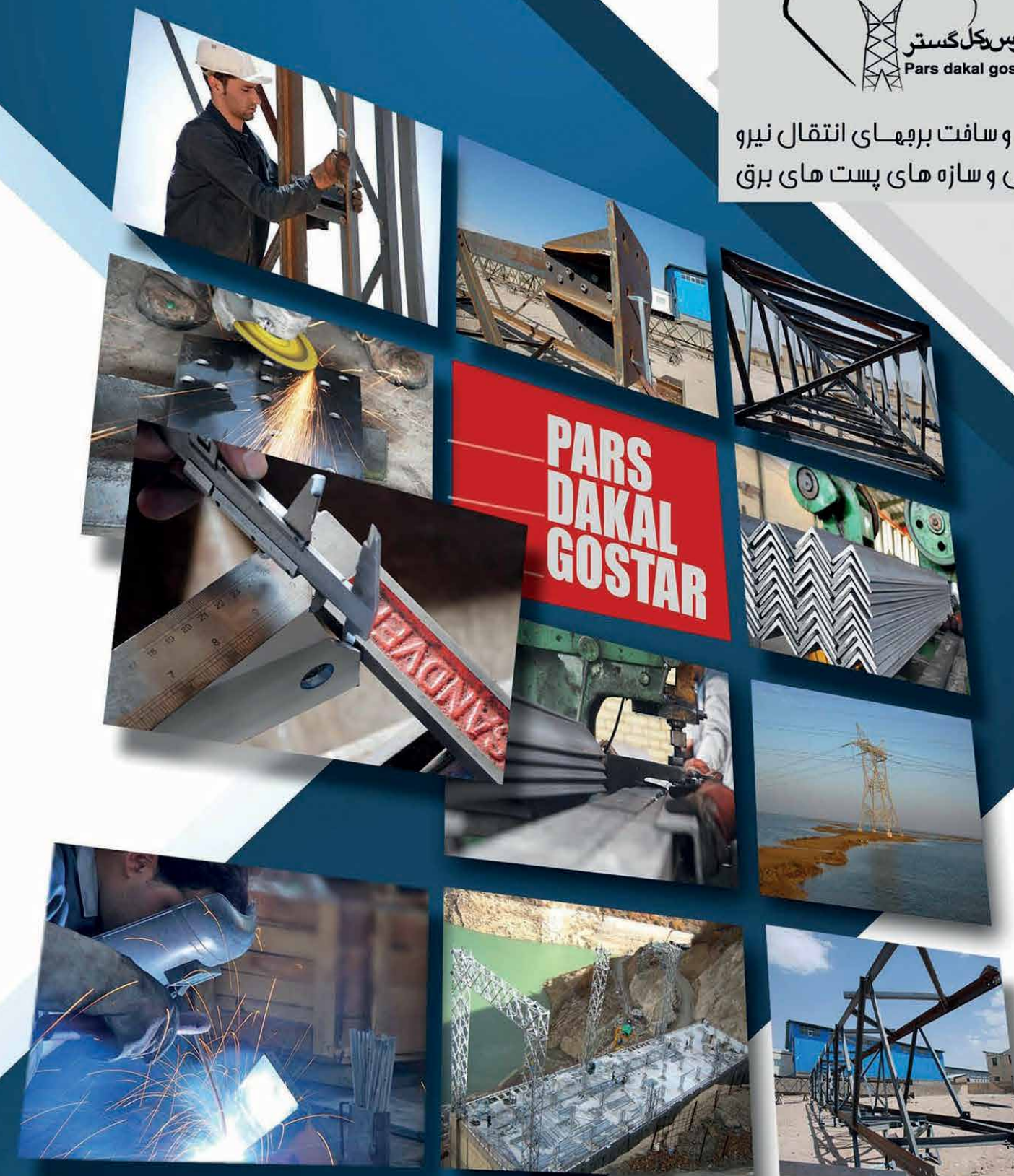
- تولید انواع تابلوهای برق و پست های کمپکت تحت دانش فنی ABB
- تامین تجهیزات فشار ضعیف، فشار متوسط، فشار قوی و اتوماسیون ABB
- نماینده رسمی ترانس های قدرت GBE ایتالیا در انواع روغنی و خشک
- نماینده رسمی سکسیونرهای سخت کار هوایی و تابلویی Ivep چک



آدرس: تهران، بلوار مرداماد، خیابان آقازاده فرد (اطلسی)، پلاک ۲، طبقه ۳
تلفکس: ۰۲۱-۸۳۶۰۷۳۶۰۶۴۰ (۰۲۱)

ستبران ۴

چهارمین شماره نشریه ستبران، ارگان رسمی سندیکای صنعت برق ایران، به سه موضوع مهم و کلیدی پرداخته است. بخش اول این شماره از نشریه به بررسی کارنامه صنعت برق در طول سالی که گذشته اختصاص یافته است. در این پرونده عمده چالش ها و مشکلات فعالان صنعت برق در طول سال ۹۹ بررسی شده که افت سرمایه گذاری ها، عدم تغییر در ساختار اقتصاد برق، کمبود منابع مالی و استمرار انباشت مطالبات بخش خصوصی و همچنین اصلی ترین دستاوردها و رخداد های این صنعت مورد بررسی قرار گرفته است. در دومین بخش شماره چهارم نشریه ستبران، تدوین بخشنامه تلخیص و تنقیح حق بیمه مقطعه کاران به عنوان یکی از دستاوردهای سندیکای صنعت برق ایران بررسی شده است. این اقدام که با مشارکت اتاق های بازرگانی تهران و ایران و برخی از تشکل های کارفرمایی صورت گرفته، بخش قابل توجهی از ابهامات ناشی از تعدد و قابل تفسیر بودن بخشنامه های تامین اجتماعی در حوزه پیمان ها را حل کرده است. بررسی تجربه موفق سندیکا و بخش خصوصی در این حوزه، موضوعی است که در نگاه ویژه این شماره مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع چالش های فعالان صنعت توزیع هم یکی دیگر از محورهای نشریه است که در قالب گفتگوهایی با مدیران شرکت های عضو و نیز تحلیل چالش های صنعت توزیع بررسی و منتشر شده است. ستبران ۴ بازخوانی این چالش ها و دستاوردها بوده و تصویری از یک سال گذشته صنعت برق را نشان می دهد.



Various Communication Towers and Monopole

Design & Manufacturing of:
Power Transmission Towers

نشانی: اراک، شهرک صنعتی شماره ۳ (خیرآباد)، فاز ۱
خیابان تلاش، خیابان تلاشگران شرقی
م صندوق پستی: ۳۸۱۹۵-۱۶۹۱، کد پستی: ۳۸۳۷۱۴۱۵۱۸
تلفن: ۰۸۶۳۳۵۵۳۵۸۸-۹ ۳۵۵۳۳۳۴

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویرروشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است.

صاحب امتیاز:

سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول:

غلامرضا ناصح

سردبیر:

سپهربرزی مهر

شورای سیاست گذاری:

علی بخشی، محمد بهزاد، ولی الله بیات، محمدصادق جنان صفت

عباس خالدنژاد، منصور سعیدی، سید علیرضا سیاسی راد، حمیدرضا صالحی

علیرضا کلاهی، حامد گرشاسبی، سعید مهذب ترابی، غلامرضا ناصح

دبیر تحریریه:

سمیه کاظم زاده دهکردی

تحریریه:

طیبه سادات میرحسینی، زینب حدادی، لیلا مرگن، مریم خادم حسینی

سایت:

طیبه سادات میرحسینی

توزیع:

سپیده گرجی

امور آگهی ها:

بهارک باقرپور

امور اداری:

نهیضت زعفرانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

آیین چاپ تابان (شیرپاستوریزه، خیابان فتح پانزده، پلاک ۱۷، تلفن: ۶۶۸۰۸۸۲۰)

نشانی:

تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

تلفکس:

۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

فکس:

۶۶۹۴۴۹۶۷

سازمان آگهی ها:

۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

سایت:

www.ieis.ir

ایمیل:

setabran@ieis.ir

در این شماره می خوانید:

-
-
-
-
-
-
-
-
-
-

سرمقاله در باب سالی که گذشت ۴

یادداشت تحلیلی از بهارش پیدا امیدهای کم رنگ ۸ ۱۲

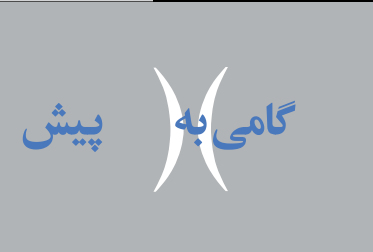
یادداشت گرفتاری های برق در تلاطمات ارز رایگان پنداری برق گران پارادوکس یارانه برق برشاخ گاو فلزی راهکارهای دوازده گانه توسعه صادرات ۱۶ ۱۸ ۲۰ ۲۸ ۳۲

گفت وگویی اختصاصی دولت نهاتر کند پرداخت ناچیز مطالبات دردی را دوا نمی کند ۲۴ ۲۸

کارنامه ۹۹



چالش های کسب و کار



چالش های حقوقی - قراردادی

یادداشت تحلیلی توزیع المصائب ۵۸

اعضا روی خط فرصت سوخته مذاکره ۶۲





در باب سالی که گذشت

سال ۹۹ هم با همه افت و خیزهایش به پایان رسید. شاید کمتر کسی در روزهای ابتدایی این سال عجیب فکرمی کرد که بیماری کرونا قرار است تا پایان سال مهمان ناخوانده مردم ایران و جهان باشد. امسال بدون تردید سال رخدادهای عجیب و غیرقابل پیش بینی در بطن اقتصاد ایران و جهان بود. با این تفاوت که کشورهای توسعه یافته ابزارها، قوانین و اهرم های حقوقی مناسب و منعطفی برای مدیریت بخشی از هزینه ها و فشارهای ناشی از پاندمی کرونا را در اختیار داشتند اما کشورهای در حال توسعه ای مانند ایران نه تنها آمادگی مواجهه با موج آسیب زا و پرخطر بیماری و هزینه های ناشی از آن را نداشت بلکه عملادر کنترل هزینه ها، تحمیل بخشی از آنها به فعالان اقتصادی را به عنوان ساده ترین راهکار در پیش گرفت.

به این ترتیب در روزهای ابتدایی سال و پس از پایان دوره قرنطینه و محدودیت های شدید، شرکت ها و بنگاه های اقتصادی کار خود را با تنظیم دورکاری ها، پذیرش هزینه های مربوط به رعایت پروتکل های بهداشتی و نیز ریسک های جدی که جان و سلامتی کارکنانشان را تهدید می کرد، آغاز کردند. البته شاید اگر مشکلات محدود به شیوع کرونا و لزوم هماهنگ شدن با شرایط جدید بود، شرکت ها می توانستند پیامدهای آن را تا اندازه ای تحمل کنند، اما مساله جایی بغرنج می شد که فعالان صنعت برق به دلیل عدم دریافت مطالبات معوقشان و نیز نبود قراردادهای منصفانه برای کنترل نوسانات اقتصادی، به شدت تضعیف شده و با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می کردند.

سال ۹۹ بی تردید یکی از سخت ترین سال های صنعت برق بود. استمرار کمبود منابع مالی و رکود شدید در صنعت برق عملا شرکت های سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین کننده را در شرایط سکون و گاه سقوط قرار داد. در حقیقت وزارت نیرو که در طول همین سال جاری پیاده سازی طرح برق امید را به عنوان یکی از دستاوردهایش معرفی کرد، به دلیل کمبود شدید منابع مالی قادر به تعریف پروژه های جدید نبود و البته کاهش میزان مصرف برق به دلیل افت ظرفیت های تولیدی سایر صنایع هم نیاز به سرمایه گذاری در صنعت برق را بسیار کمتر از آنچه که باید، نشان داد.

در طول سال جاری البته جهش دوباره نرخ ارز نشان داد که قرار نیست صنعت برق از رخدادهای گذشته عبرتی بگیرد. عدم چاره اندیشی برای پیاده سازی قرارداد تیپ، پیش بینی راهکار و شیوه ای قانونی برای جبران خسارات ناشی از افزایش قیمت نهاده های تولید به ویژه ارز و همچنین بلا تکلیفی قراردادهای در کوران شیوع بیماری کرونا و تلاطمات ارزی به درستی نشان داد که صنعت برق همچنان از نبود تصمیمات و اقدامات جسورانه و نجات بخش برای قراردادهای رنج می برد.

در طول ماه های گذشته و با وجود جهش های ارزی، شیوع کرونا و افزایش بی سابقه تعداد قراردادهای متوقف، وزارت نیرو چندین بار با اعلام تنفس از اقدامات حقوقی سختگیرانه دستگاه های اجرایی تحت پوشش خود، جلوگیری کرد اما هنوز هم به درستی مشخص نیست که گام بعدی پس از پایان دوره این تنفس چیست و شرکت ها

پس از آن باید منتظر چه اتفاقات جدیدی باشند.

واقعیت این است که عدم کارایی نظام حقوقی و قراردادی صنعت برق در شرایط بحران، ریشه همه این مشکلات است که به ایجاد موج مخربی از قراردادهای متوقف منجر شده و برکناری و فسخ قراردادهای و ضبط ضمانت نامه شرکت ها، خسارات غیرقابل جبران ناشی از آن را برای شرکت ها به دنبال داشته، با این وجود اما هنوز هم اراده ای جدی برای ابلاغ و لازم الاجرا کردن قرارداد تیپ در وزارت نیرو، توانیرو شرکت های تابعه آن دیده نمی شود.

به نظرمی رسد که سیاستگذاران و تصمیم سازان هنوز هم نپذیرفته اند که بحران ناشی از اپیدمی کووید ۱۹، نوسانات روزانه و ایجاد یک سونامی بی سابقه ارزی، چالش هایی نیستند که حل آنها با اقدامات معمول و تصمیم گیری های رایج امکان پذیر باشد. چرا که این ترکیب ویرانگر در همه بخش های اقتصاد زیان هایی گسترده ایجاد کرده اما در صنایع زیرساختی که عمدتا با کارفرمایان دولتی کار می کنند، ابعاد بحران بسیار گسترده تر است. به ویژه آنکه دولت در شرایط سخت تحریم ها، کاهش چشمگیر قیمت نفت و صادرات و زیان های اقتصادی ناشی از شیوع کرونا، با بی پولی و کسری بودجه شدید نیز دست به گریبان بوده است. درست به همین دلیل مجموعه این عوامل شرایط کنونی را برای صنایع زیرساختی به ویژه صنعت برق بسیار دشوار کرده است.

فراموش نکنیم که بدون هیچ تردیدی کارآفرینان و فعالان بخش خصوصی واقعی به عنوان راهگشای توسعه پایدار و همه جانبه کشور، بیشترین آسیب را از محل برهم ریختن معادلات کلان اقتصادی متحمل می شوند. سهم بخش خصوصی صنعت برق که از ارکان زیرساختی و پیشرو اقتصاد کشور با خوشه های عظیم تولیدی و خدماتی، محسوب شده و از خدمات ده ها هزار کارشناس و متخصص و هزاران کارخانه، برخوردار است و نقشی برجسته در تولید ناخالص ملی ایفا می کند، از بحران مخرب کنونی بیش از سایر بخش هاست. چرا که نه تنها به دلیل کسری بودجه دولت مطالباتش را به موقع دریافت نمی کند، بلکه در ساختار حقوقی و قراردادی کنونی قادر به مدیریت ریسک های موجود نبوده و عملا اعتبار کاری و مالی اش در صورت توقف و فسخ قراردادهای جاری کاملادر مخاطره قرار می گیرد.

حالا اما در روزهای پایانی سال سخت ۱۳۹۹، عاجل ترین و کلیدی ترین اقدام پرداخت مطالبات بخش خصوصی است. فعالان این بخش باید توانی برای آغاز سال آینده داشته باشند و اگر در روزهای باقیمانده سال نتوانند حداقل بخشی از منابع مالی مورد نیازشان را از طریق تسویه مطالبات معوق خود تامین کنند، بدون تردید سال آینده با چالش های جدی ترو گسترده تری برای آنها آغاز خواهد شد.

امید که سال پیش رو سالی سرشار از برکت، تندرستی و امید باشد و سال ۱۴۰۰، روزهای بهتری را برای صنعت برق کشور رقم بزند. ●

سال {
سال ۱۳۹۹، بی تردید یکی از دشوارترین مقاطع زمانی برای فعالان صنعت برق کشور بود. سالی که با شیوع بیماری کرونا آغاز شد و با جهش بی سابقه نرخ ارز، عملاً بحرانی ترین روزها در صنعت برق کشور را رقم زد. در طول سالی که گذشت صنعت برق ایران همچنان با مساله مطالبات معوقی که در ساختار حقوقی و قراردادی وزارت نیرو هیچ خسارت دیرکردی برای آنها تعریف نمی شود، دست به گریبان بود. افت سرمایه گذاری ها در صنعت برق طی سال جاری همچنان ادامه یافت تا برنامه ریزی های ناکارآمد، قیمت گذاری غیراقتصادی برق، قراردادهای یکسویه و استمرار کمبود منابع ملی، عملاً انگیزه های بخش خصوصی برای سرمایه گذاری و مشارکت در توسعه صنعت برق کشور را از میان ببرد.

به علاوه صنعت برق در حوزه صادرات هم به دستاورد چشمگیری دست نیافت، چرا که تحریم ها و شیوع بیماری کرونا روند افت صادرات در حوزه تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی را شتاب بخشید و البته نبود قوانین تسهیل گر هم به این مساله دامن زد. متأسفانه علیرغم الزامات و ضرورت های موجود برای تاسیس نهاد تنظیم گر بخش برق، پرونده این موضوع هم در سال ۹۹ همچنان باز ماند تا به جز تصویب کمیسیون ویژه جهش تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی، گام مثبت دیگری در این حوزه برداشته نشود. کارنامه صنعت برق در سال ۹۹ بسته شد اما به نظر نمی رسد که بتوان نمره خوبی برای آنچه که طی یک سال اخیر در این صنعت گذشته، در نظر گرفت.

سخت سال

آرزای بجا رزش پیدا

نگاهی به مشکلات سازندگان و پیمانکاران صنعت برق در سال ۹۹

برگرفته از گزارش‌های معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکای صنعت برق ایران

صفحه

۱۰

ستبران ۴

زمستان ۹۹، دوره جدید

سال ۱۳۹۹ بدون تردید یکی از دشوارترین سال‌ها برای اقتصاد ایران بود. پیش از آن هم به دلیل سیاست‌های یکسویه ایالات متحده آمریکا و تشدید بی‌سابقه تحریم‌ها، عملاً ایران وارد یک جنگ اقتصادی شده و همه بخش‌هایش با گرفتاری‌های گسترده‌ای مواجه شده بودند. آغاز سال ۹۹ و شیوع بیماری کرونا اما همه معادلات موجود برای نجات بنگاه‌های اقتصادی را برهم زد.

در این میان سهم فعالان بخش خصوصی صنعت برق از هجمه مخرب چالش‌های سال ۹۹ بیشتر از حد تصور بود. از ابتدای سال، شیوع کرونا که کمی پیش از پایان سال ۹۸ آغاز شده بود و به محدودیت‌های جدی و قرنطینه در ایران و جهان رسیده بود، عملاً همه معادلات اقتصادی شرکت‌ها برهم خورد.

براساس تحلیلی که در همان ماه‌های ابتدایی سال توسط «معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکای صنعت برق ایران» انجام شده بود، زیان‌ورده به صنعت برق از محل پروژه‌های صنعت احداث حدود ۳ هزار میلیارد تومان و خسارات تحمیل شده به شرکت‌های تولیدی زنجیره تامین حدود هزار میلیارد تومان برآورد شده بود. همچنین پیش‌بینی شده بود که این صنعت در طول سال ۹۹ از محل توقف واردات تجهیزات و مواد اولیه ۲۰ میلیون دلار زیان از دست رفته و به‌دلیل توقف صادرات حدود ۱۰ میلیون دلار سود از رفته داشته باشد.

در کنار این مشکلات خسارات ناپایداری شبکه در کنار تشدید مشکلات نقدینگی و شدت زنجیره بدهی‌ها هم جزو موارد قابل پیش‌بینی در ایام کرونا بود که البته در طول سالی که گذشت پیامدهای ناشی از آن در بین شرکت‌های فعال صنعت برق قابل مشاهده بود. مساله دیگری که فعالان صنعت برق در سال ۹۹ با آن مواجه شده و ناگزیر به پرداخت هزینه‌های آشکار و پنهان بسیاری برای مدیریت آن شدند، شرایط ناشی از اتخاذ سیاست‌های فاصله‌گذاری اجتماعی، دورکاری و قرنطینه‌های داوطلبانه، کاهش حجم فعالیت‌های اجرایی و انجام پروژه‌های در دست اجرا با تاخیر بود. برآوردهای اولیه نشانگر آن بود که زنجیره تامین و احداث طرح‌های زیرساختی صنعت برق دست کم با یک زیان مالی ۳۰۰۰ میلیارد تومانی از این محل مواجه می‌شود.

به علاوه پاندمی کووید ۱۹ شرکت‌های زنجیره تامین را هم متحمل زیان‌های قابل توجهی کرده و آنها را با کاهش حجم تولیدات و توقف کار واحدهای تولیدی، پیمانکاری و مشاوره‌ای مواجه کرد. برآوردهای اولیه سندیکای صنعت برق ایران که عمدتاً براساس نظرسنجی از خبرگان این صنعت صورت گرفته بود زیان هزار میلیارد تومانی را برای واحدهای تولیدی پیش‌بینی کرده بود که با تعطیلی موقت مواجه شدند. توقف صادرات و واردات به دلیل بسته شدن مرزهای کشورها برای کنترل شیوع بیماری کرونا و همچنین تشدید مشکلات نقدینگی و شدت زنجیره بدهی‌ها هم از دیگر پیامدهای منفی این اپیدمی بود.

سونامی ارزی و آوار قراردادهای صنعت برق

مساله دیگری که شرکت‌های فعال صنعت برق و احداث در طول سال ۹۹ با آن مواجه شدند، افزایش جهش وار مجدد نرخ ارز و فلزات است که به نظر می‌رسد همچنان عواقب و اثرات آن از سوی نهادهای سیاستگذار چندان جدی گرفته نشده است. سازندگان و پیمانکاران که قدرت نقدینگی و سرمایه در گردش آنها پیش از این به دلیل عدم پرداخت مطالبات و تسهیلات گران قیمت بانکی به شدت تضعیف شده بود، در طول سال جاری و در متن جهش‌های چندباره نرخ ارز و مواد اولیه، عملاً در شرایطی نامتعادل در حوزه «مالی» و «زمانی» قراردادهایش قرار گرفتند.

در شرایطی که کرونا به تمام مشکلات صنعت برق اعم از رکود و کسری بودجه دامن زده بود، افزایش چشمگیر قیمت ارز هم مزید بر علت شد تا پروژه‌ها دوباره در معرض خطر جدی توقف و بلا تکلیفی مجدد قرار بگیرند. به هرحال پیش از آن هم بسیاری از سازندگان و پیمانکاران به دلیل عدم امکان تامین مواد اولیه و ارز، فقدان نقدینگی مکفی به دلیل انباشت بدهی شرکت‌های کارفرما و در نهایت شیوع بیماری کرونا، با محدودیت‌های جدی برای انجام تعهدات خود مواجه شده بودند.

با افزایش جهش‌وار و تلاطمات شدید نرخ ارز، فلزات و مواد اولیه در سال ۱۳۹۹ که افزایش بی‌سابقه‌ای داشته‌اند، قراردادهای صنعت برق با شرایطی کاملاً مشابه سال ۹۷ شده و تعادل اولیه خود را به‌ویژه در حوزه «مالی» و «زمانی» از دست دادند. با وجود اعلام تنفس چند ماهه برای قراردادها از سوی وزارت نیرو، اما ماهیت چالش تا روزهای پایانی سال به قوت خود باقی مانده و حیات شرکت‌های سازنده، پیمانکار، مهندسی مشاور و تامین‌کننده را با مخاطرات جدی مواجه کرده است.

براساس اعلام سندیکای صنعت برق ایران به نمایندگی از شرکت‌های سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین‌کننده، در صورت عدم تعیین تکلیف و غربالگری قراردادها، خاتمه قراردادهای فاقد اولویت و تامین مالی پروژه‌های

صفحه

ستبران ۴

زمستان ۹۹، دوره جدید

۱۱

زیرساختی اولویت دار، باز هم تمام هزینه های این ناترازی، علیرغم شرایط عمومی پیمان و اشراف دستگاه های اجرایی دولتی به مشکلات ایجاد شده در فضای کسب و کار کشور، به شرکت های سازنده و پیمانکار تحمیل می شود.

واقعیت این است که رژیم حقوقی حاکم بر قراردادهای بین وزارت نیرو و بخش خصوصی آنقدر یک جانبه است که عملاًتمامی زیان‌های ناشی از تغییرات محیطی، مانند افزایش نرخ ارز، تحریم‌ها، تاخیر در پرداخت‌ها و … را به بخش خصوصی تحمیل می‌کند. در نتیجه با تغییر هزینه این نهاده‌ها، قیمت تمام شده محصول نهایی افزایش می‌یابد. این مساله به دلیل عدم پیش بینی فرمول های تعدیل در متن قراردادها، به ایجاد زیان مضاعف برای شرکت های سازنده و پیمانکار منجر می شود.

جهش نرخ ارز پیش از این در سال های ۹۲ و ۹۷ هم موجی از خسارات غیرقابل جبران، قراردادهای متوقف و ورشکستگی ها را در پی داشت. اما افزایش بی سابقه نرخ ارز در سال ۹۹ عملاًسرنوشت شرکت های فعال صنعت برق را نامعلوم و مبهم کرده است.

مصائب سازندگان در سال جهش تولید

در طول سالی که گذشت، تولیدکنندگان و سازندگان تجهیزات هم با چالش های پرتعدادی مواجه شدند که عمده آنها ناشی از فضای ملتهب اقتصاد کشور و همچنین عدم هماهنگی دستگاه های اجرایی و بخشی نگری های مرسوم در ساختار اداری و اقتصادی بود.

سازندگان صنعت برق ایران در سالی که گذشت بیش از هر چیز با چالش تأمین مواد اولیه، ثبت سفارش و تخصیص ارز و نقل و انتقال ارزی، نرخ تعدیل فلزات به ویژه مس و آلومینیوم، مشکلات اعتبار اسنادی ریفاینانس و یوژانس و اجرایی نشدن LC ریالی و متناسب نبودن تعرفه، واردات کالای دارای مشابه ساخت داخل و ممنوعیت واردات مواد اولیه مواجه بودند. البته می توان به این فهرست غیرواقعی بودن قیمت پایه صادراتی برخی تجهیزات صنعت برق، عدم امکان دریافت گواهی نامه‌های تست تجهیزات به علت تحریم، عدم همکاری صندوق‌ها با تهاتر مطالبات شرکت‌ها و توجیه ناپذیر بودن سقف تسهیلات سرمایه در گردش را نیز افزود.

سال جهش های بی سابقه قیمت ارز برای سازندگان تجهیزات برقی یکی از دشوارترین مقاطع زمانی را رقم زد. آنها نه تنها در نقل و انتقال ارز با مشکلات جدی مواجه شدند، بلکه حتی برای تخصیص ارز جهت واردات مواد اولیه هم گرفتاری های قابل توجهی داشتند.

نتیجه این پروسه عدم امکان پرداخت بدهی به تأمین‌کننده خارجی پس از ترخیص کالا به علت تحریم بود که علاوه بر وارد کردن خدشه به حسن شهرت شرکت های قابل وثوق داخلی، ترخیص برخی از محموله‌های وارداتی را هم به دلیل مشکل جابجایی ارز و تحریم ها و نیز تعیین ارزش با مشکل مواجه کرد. به علاوه تخصیص ارز نیمایی جهت واردات موارد اولیه با دشواری و صرف زمان بسیار بالا انجام می شد و البته در نهایت هم عمدتاً در قالب ارزهای مرسوم مانند یورو صورت نمی گرفت تا پاژل مشکلات تولیدکنندگان صنعت برق کامل شود.

تغییر ناگهانی اولویت گروه های کالایی هم مساله ای بود که منجر به تحمیل هزینه اختلاف قیمت ارز شده و در مواردی مواد اولیه را مشمول ممنوعیت وارداتی می کرد. در این میان تعیین سقف سفارش به میزان ۲۰۰ هزار یورو بدون توجه به ارزش مواد اولیه مورد نیاز خطوط تولید هم افزایش تعداد ثبت سفارشات، پروفوما و حجم پرونده‌های در حال پیگیری را به دنبال داشت. این موارد عمدتاً به افزایش زمان ثبت سفارش منجر شد در حالی که سال‌های گذشته زمان ثبت سفارش تا ترخیص کالا و تسویه کامل با فروشنده خارجی کمتر از دو هفته بوده، ولی در ماه های بحرانی ارزی سال جاری این زمان به ۱۰ ماه هم افزایش یافت و این دوره طولانی گاهاً موجب باطل شدن اعتبار زمان ثبت سفارش و پرفورم مربوطه می شد. در میانه این چالش های متعدد دریافت کارمزدهای نامتعارف از سوی بانک ها هم بیش از پیش به مشکلات شرکت ها دامن زد، چرا که برخی از بانک های عامل گاهی بدون پذیرش مسئولیت عدم انتقال ارز از شرکت‌های تولیدکننده جهت دریافت کارمزد ۱۳ درصدی برای واردات مواد اولیه تعهدنامه دریافت می کردند.

سازندگان تجهیزات برقی البته مشکلات پرتعدادی هم با گمرک دارند که واردات کالا دارای ساخت داخل، عدم ترخیص کالا با ارز دولتی، تطویل فرآیند ترخیص کالا، عدم تناسب تعرفه‌های گمرکی با انواع تجهیزات ساخت داخل و وارداتی و نیز عدم ارتباط گمرکات و تشکل‌ها تنها بخشی از این مشکلات هستند.

سندیکای صنعت برق ایران در یکی دیگر از گزارش های تحلیلی خود به تفصیل به بررسی اهم چالش ها و مشکلات واحدهای تولیدی صنعت برق و راهکارهای رفع آنها پرداخته که ایجاد بسترهای تعاملی بین دستگاه‌های اجرایی،

ایجاد هماهنگی در مؤلفه‌های موثر در کسب و کار سازندگان، تغییر در سیاست‌ها و رویه‌های بانکی، تغییر در رویه‌های گمرکی و بورس کالا، ایجاد امکان گشایش اعتبارات اسنادی و ضابطه مند کردن تعدیل های قراردادی منصفانه مهمترین راهکارهای پیشنهادی این تشکل برای حفظ ظرفیت های ساخت داخل صنعت برق محسوب می شوند.

راهکارهای نجات سازندگان صنعت برق

براساس تحلیلی که توسط «معاونت پژوهش و برنامه ریزی سندیکای صنعت برق ایران» در خصوص «چالش های کلیدی واحدهای تولیدی صنعت برق» تهیه شده، ایجاد هماهنگی در مؤلفه‌های موثر در کسب و کار سازندگان از طریق تلاش حداکثری تمامی نهادها و تشکل‌های مرتبط برای تحقق قانون حداکثر استفاده از توان تولید و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی و نیز حمایت هدفمند از محصولات ساخت داخل صنعت برق با مشخص شدن تعریف دقیق ساخت داخل امکان پذیر خواهد بود.

به علاوه ایجاد وحدت رویه در حمایت از ساخت داخل در دولت و دستگاه های اجرایی، اصلاح تعرفه‌های گمرکی با رویکرد حمایت واقعی از شرکت‌های ساخت داخل، ایجاد مشوق‌های هوشمند در ارتقاء سطح کیفی محصولات شرکت‌های سازنده داخلی و جلوگیری از واردات کالاهای دارای مشابه داخلی و عدم امکان شکل‌گیری رانت و فساد از طریق شفافیت اطلاعاتی هم می تواند در رفع بحران های موجود کارساز واقع شود.

همچنین با توجه به مفعول ماندن موضوع تعدیل در قراردادهای خرید تجهیزات و پیمانکاری صنعت برق هم بدون تردید اجرایی شدن دستور العمل ها و قوانین موجود در خصوص تعدیل قرارداد های مشمول نوسانات ارز و فلزات و ایجاد وحدت رویه در تعیین شاخص های مربوطه به منظور حسن اجرای دستورالعمل های مابه التفاوت ارز و فلزات توسط کارفرمایان دولتی، به ویژه از مسیر سازمان برنامه و بودجه هم می تواند اثرگذار واقع شود. به علاوه تغییر در سیاست ها و رویه‌های بانکی و نیز تغییر در رویه های گمرکی و بورس کالا هم از دیگر راهکارهای پیش رو برای نجات سازندگان تجهیزات صنعت برق کشور است.

راهبردهای عبور از بحران قراردادی صنعت برق

صنعت برق به ویژه در حوزه پیمانکاری با چالش های جدی و پرتعدادی مواجه است که بخش قابل توجهی از آن ناشی از نظام حقوقی حاکم بر این صنعت است که اساساً یکپارچه، شفاف و منصفانه نیست و در چند محور اصلی نیازمند اصلاح جدی است.

گام اول اصلاح ساختار حقوقی و قراردادی صنعت برق تفکیک حکمرانی از تصدی گری است. در حال حاضر وزارت نیرو برای حل مسائل تصدی‌گری و عملیاتی از اختیارات حکمرانی به نفع شرکت های تابعه استفاده می‌کند و رفع این نقصان مستلزم این است که بخش حکمرانی و مقررات گذاری از بخش عملیاتی و تصدی گری مستقل شود. به علاوه نظام حقوقی صنعت برق نیازمند نوعی شفافیت و یکپارچه سازی است تا از هرگونه تفسیر و تغییر اقتضایی مقررات جلوگیری شود. همچنین ضروری است که نظام حکمرانی شرکت‌های شبه دولتی (شرکت های توزیع) مشخص و نسبت آن با دولت و بخش خصوصی تعیین شود.

نکته بسیار کلیدی دیگری که بخش خصوصی به شکل جدی آن را پیگیری و دنبال می کند اجرای قرارداد تیپ بین دولت و بخش خصوصی است. اجرایی شدن این راهبرد در گرو این است که با کسب نظر از بخش خصوصی و اصلاح قرارداد تیپ، شرایط تعدیل و تمامی ریسک‌ها در قراردادها پیش‌بینی و به نسبت منصفانه‌ای این ریسک‌ها بین طرفین تسهیم شود. در قالب چنین قراردادی دولت مکلف خواهد بود دیون خود به بخش خصوصی صنعت برق در طرح های عمرانی و توسعه ای را از اعتبارات و منابع حاصله با تقبل خسارت تاخیر در تادیه و به صورت نقدی پرداخت کند.

نکته بسیار کلیدی دیگری که در خصوص قراردادهای صنعت برق مطرح است، وجود قریب به هزار قرارداد نیمه تمام، بلا تکلیف و متوقف است که عدم توجه به آنها می تواند به یک بحران گسترده در این صنعت بدل شود. در شرایط حاضر مهمترین اقدام بررسی و غربالگری این قراردادها و تعیین اولویت آنهاست. به این ترتیب وزارت نیرو می تواند ضمن خاتمه قراردادهای فاقد اولویت، نسبت به تعدیل قیمت و تأمین منابع مالی پروژه های مهم اقدام کند.

به علاوه مداخله مستقیم شورای عالی نظام فنی و یا تفویض اختیارات آن به وزیر نیرو برای حل معضل قراردادهای نیمه‌تمام و همچنین همراهی دستگاه های نظارتی با توجه به شرایط دشوار حاکم بر اقتصاد کشور نیز در این مسیر بسیار کارساز خواهد بود.●

امیدهای کم‌رنگ

آنچه در یک سال گذشته بر صنعت برق گذشت

نبود منابع مالی دچار مشکل شده و نیمه‌کاره به حال خود رها می‌شدند. به این ترتیب فعالان بیشتری در بخش خصوصی به دلیل نوسانات ارزی، مرور زمان و خروج قراردادهایشان از صفره اقتصادی دچار مشکل می‌شدند.

تصویب تهاتربدهی‌های صنعت برق

در سال ۹۹ هم تکانه‌های ارزی بخشی از پروژه‌های صنعت برق را از صفره اقتصادی خارج کرد. همان روزهایی که قیمت دلار از مرز ۳۰ هزار تومان هم گذشت و مطالبات ایران برای برق صادراتی به عراق قابل وصول نبود، دولت به فکر چاره افتاد. تدبیر دولت برای جلوگیری از بروز مشکل برای این صنعت استراتژیک این بود که بدهی‌های صنعت برق را تهاتر کند. به همین خاطر در جلسه مورخ ۲ مهرماه هیئت وزیران، پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی درباره تهاتر مطالبات و بدهی‌های تعدادی از شرکت‌های دولتی بخش برق وزارت نیرو با دولت، به تصویب رسید. این تهاتر بدهی‌ها می‌توانست روح تازه‌ای به صنعت برق بدمد. بر اساس مصوبه هیات دولت، مطالبات شرکت‌های دولتی بخش برق وزارت نیرو از دولت بابت مابه التفاوت قیمت تکلیفی و قیمت تمام شده فروش هر کیلووات ساعت

سال ۹۹ اگرچه با پیش‌بینی کسری بودجه هشت هزار میلیارد تومانی در صنعت برق شروع شد که خبر خوبی برای فعالان این صنعت به شمار نمی‌رفت، اما رخدادهایی که در این سال به وقوع پیوست، امیدها را برای بهبود وضعیت صنعت برق بیشتر کرد. کسری بودجه صنعت برق به مفهوم توقف تعداد بیشتری پروژه بود ولی ابلاغ مصوبه تامین برق مشترکان صنعتی از طریق بورس انرژی از یک سو و اجرای طرح امید و رایگان کردن برق بخشی از مشترکان کم مصرف، امیدهایی را دل فعالان بخش خصوصی زنده کرد تا گره کلاف سردرگم اقتصاد برق که مدتهاست گریبان این صنعت را گرفته، باز شود. اصلاح اقتصاد برق مهمترین خواسته بخش خصوصی در سال‌های اخیر بود که به نظر می‌رسد با اعمال برخی سیاست‌ها نظیر تامین برق مشترکان بزرگ از طریق بورس انرژی، تشکیل نهاد تنظیم‌گرو ...، یک گام به سمت حل این مشکل برداشته شده باشد.

سال ۹۹، سالی با پیش‌بینی کسری بودجه هشت هزار میلیارد تومانی برای صنعت برق بود. مرکز پژوهش‌های مجلس در پژوهشی بر روی بودجه پیشنهادی دولت تخمین زده بود که صنعت برق با این میزان کسری مواجه خواهد شد و این یعنی باز هم پروژه‌های بیشتری در صنعت برق به دلیل

لیلامرکن | روزنامه نگار



برق مورد تایید سازمان حسابرسی به‌عنوان بازرس قانونی در رسیدگی به صورت‌های مالی همان سال، با بدهی شرکت‌های مذکور به دولت (خزانه داری کل کشور) بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به بهره‌برداری رسیده بخش برق وزارت نیرو به صورت جمعی- خرجی به مبلغ حدود دو هزار میلیارد تومان تسویه و سرمایه شرکت‌های یاد شده معادل بدهی تسویه شده ناشی از اجرای این حکم افزایش می‌یابد.

تجهیز مالی صادرکنندگان وسرمایه‌گذاران

در سالی که گذشت باز هم صدور خدمات فنی و مهندسی در صنعت آب و برق خوش درخشید. رضا اردکانیان در آیین بهره‌برداری و شروع عملیات اجرایی سه پروژه آب و فاضلاب استان تهران در یازدهمین هفته از پویش هر هفته الف- ب ایران بیان کرد: امسال سال پنجم یا ششم است که به‌طور متوالی، صادرات خدمات فنی و مهندسی آب و برق در صدر صادرات کشور در این بخش قرار دارد.

وزیر نیرو با اشاره به جایگاه صنعت آب و برق در صادرات خدمات فنی و مهندسی گفت: بیش از ۵۷ درصد صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور مختص صنعت آب و برق است.

در سال ۹۹، وزارت نیرو در راستای حفظ جایگاه خود در صدور خدمات فنی و مهندسی و کمک به فعالان صنعت آب و برق، تفاهم‌نامه تجهیز منابع مالی برای صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران صنعت آب و برق را هم به امضا رساند. این تفاهم نامه مشترک بین شرکت ساتکاب و صندوق ضمانت صادرات ایران با هدف حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی، افزایش سرمایه‌گذاری و تامین و تجهیز منابع مالی برای صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران ایرانی در حوزه ساخت و تهیه کالای آب و برق و انرژی کشور به امضا رسید.

هدف این تفاهم‌نامه استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی، پژوهشی و بازاریابی طرفین در افزایش ضریب نفوذ خدمات بیمه اعتبار صادراتی و ارتقای شبکه توزیع خدمات و جذب و نگهداشت مشتریان جدید و فعلی و فرهنگ سازی در این زمینه بود. قرار بود با امضای این تفاهم‌نامه ریسک‌های ناشی از صدور خدمات فنی و مهندسی توسط صندوق ضمانت صادرات، پوشش داده شود.

وعده‌هایی برای ایجاد گشایش

وزارت نیرو در سال ۹۹ هم با مشکلات مالی زیادی روبرو بود. کمبود منابع مالی در وزارت نیرو ناشی از کسری سنواتی بودجه به همراه نوسانات نرخ ارز و مشکلات ناشی از آن باعث شد که مجلس چندین بار وزیر نیرو را برای حل مشکل برق فرا بخواند. وزیر نیرو در مرداد ماه امسال در کمیسیون انرژی مجلس، حجم مطالبات بخش خصوصی صنعت آب و برق از این وزارتخانه را حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود که این رقم بعدها به ۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. بعد از این جلسات نمایندگان کمیسیون انرژی وعده دادند که تا سال ۱۴۰۱، با قوانینی که تصویب خواهند کرد، مطالبات بخش خصوصی از وزارت نیرو را صفر خواهند کرد. البته در

اواخر بهار هم مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق وعده داد میزان سرمایه‌گذاری در این صنعت در سال جهش تولید دو برابر خواهد شد. او گفت: افزایش حجم سرمایه‌گذاری در مرحله نخست بیشتر برای تامین‌کنندگان پروژه‌های اصلی بخش توزیع اجرا می‌شود و گشایش اعتبارات اسنادی نیز برای آن پیش‌بینی شده است.

به گفته رجبی مشهدی حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری سالانه در شبکه برق انجام می‌شود اما میزان تحقق منابع سالانه حدود ۷ تا ۸ هزار میلیارد تومان است که این مسئله صنعت برق را ناگزیر به اولویت‌بندی پروژه‌ها کرده است.

او ادامه داد: روند اولویت‌بندی پروژه‌ها از مبداء شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع و سپس بررسی اولویت‌ها به لحاظ پایداری شبکه اصلی در شرکت مدیریت شبکه وهمچنین اولویت‌بندی بر اساس حوزه‌های تخصصی شرکت توانیر است که همگی مبتنی بر مطالعات فنی و تخصصی انجام می‌شود.

ورود نهاد تنظیم‌گر به بخش برق

اعضای دولت با هدف جلوگیری از ایجاد انحصار طبیعی در بخش برق و در اجرای قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، لایحه «تأسیس نهاد مستقل تنظیم‌گر بخش برق» را در خرداد ماه سال ۹۹ به تصویب رساندند.

این لایحه در جلسه هیات دولت به تصویب رسید. مطابق این لایحه، دبیرخانه این نهاد با استفاده از ظرفیت‌های موجود، بدون گسترش تشکیلات جدید، تشکیل و در وزارت نیرو استقرار می‌یابد. هم چنین، اساسنامه نهاد مورد اشاره، به پیشنهاد شورای رقابت به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

برق امیدونگرانی‌های بخش خصوصی

در سال ۹۹، ایده برق امید در وزارت نیرو کلید خورد. این وزارتخانه تصمیم گرفت تعرفه برق بخشی از مشترکان خانگی که در گروه کم مصرف‌ها قرار می‌گیرد را صفر کند. این ایده در تیرماه توسط وزارت نیرو مطرح و در نهایت در آبان اجرایی شد. بر اساس اعلام رئیس جمهور و وزیر نیرو، قرار بود با اجرای طرح برق امید، ۳۰ میلیون خانوار از نعمت برق مجانی برخوردار شوند. این طرح به گفته مسئولان وزارت نیرو با هدف تشویق مصرف‌کننده بخش خانگی به صرفه جویی در صنعت برق اجرا شد اما هنوز هم درباره تبعات مالی آن برای صنعت برق، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. زیرا با صفر اعلام شدن تعرفه بخشی از مشترکان خانگی، درآمدهای صنعت برق هم کاهش می‌یابد و به این ترتیب، باز هم پروژه‌های بیشتری متوقف شده و اجرای آنها به لیست اولویت‌بندی‌های وزارت نیرو خواهد پیوست. آن طور که مصطفی رجبی مشهدی اعلام کرده است، طرح برق امید در ابتدای اجرا، هزار میلیارد تومان درآمدهای وزارت نیرو را کاهش می‌دهد اما در دراز مدت از محل کاهش نیاز به سرمایه‌گذاری برای تولید برق بیشتر و پاسخگویی به نیاز مشترکان جدید، این هزینه جبران خواهد شد.

اجرای طرح برق رایگان این امیدواری را در دل فعالان بخش خصوصی ایجاد کرد که دولت یک گام به سمت واقعی‌تر کردن قیمت برق حرکت کند. زیرا با اجرای چنین طرحی تلاش دولت به حمایت و ارائه یارانه به اقشار کم درآمد جامعه معطوف می‌شود و احتمالاً واقعی شدن قیمت برق و خروج صنعت از مشکلات فعلی راحت‌تر انجام خواهد شد.

خروج خرید برق از انحصار دولت

اگرچه اجرای طرح برق امید تنها نقطه امیدواری برای بخش خصوصی در راستای واقعی کردن قیمت برق نبود اما با ابلاغ مصوبه تامین برق مشترکان صنعتی از طریق بورس انرژی، این امیدها اندکی تقویت شد.

بر اساس این ابلاغیه، تمام مشترکان صنعتی برق با قدرت بالای پنج مگاوات، موظف به تامین انرژی الکتریکی مورد نیاز خود از طریق قراردادهای دو جانبه و یا سایر روش‌های متداول در بورس انرژی شدند. به این ترتیب برق از انحصار دولت خارجی می‌شد. بر اساس مصوبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹ هیات وزیران، دولت به منظور ایجاد چرخه اقتصادی مناسب در صنعت برق، تشکیل بازار رقابتی و بالا بردن راندمان تولید، ایجاد توسعه پایدار صنعت برق کشور و امنیت عرضه برق، تمام مشترکان صنعتی برق با قدرت بالای پنج مگاوات را موظف به تأمین انرژی الکتریکی مورد نیاز خود از طریق قراردادهای دو جانبه و یا سایر روش‌های متداول در بورس انرژی کرد.

در این مصوبه دولت، وزارت نیرو و بورس انرژی موظف شدند زیرساخت‌های لازم را برای تأمین برق سایر مشترکان (از جمله مشترکان تجاری بالای ۵ مگاوات) از طریق قراردادهای دو جانبه یا روش‌های متداول بورس انرژی فراهم کرده به گونه‌ای که بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده، طی دو سال آینده تمام مشترکان بالای یک مگاوات مشمول این موضوع شوند.

همچنین در مواردی که تامین برق مصارف مازاد بر الگوی مصرف (به تشخیص وزارت نیرو) از مصارف کمتر از الگو قابل تفکیک باشد، مصرف مازاد بر الگو از طریق ساز و کار مصوب تامین خواهد شد. این اقدام گامی در راستای واقعی سازی قیمت برق به شمار می‌آید و سبب خواهد شد که مشکل اقتصاد صنعت برق که سال‌هاست گریبان این بخش را گرفته است، حل شود.

اصلاح آیین‌نامه مناقصات

بخش خصوصی که در قالب مناقصه و مزایده پروژه‌های خود را از تنها پیمانکار این صنعت یعنی وزارت نیرو دریافت می‌کند، فعالان این بخش همواره ایراداتی را به نحوه برگزاری مناقصه‌ها و مزایده‌های برگزار شده از سوی وزارت نیرو وارد می‌دانستند و تلاش می‌کردند که مشکلات مربوط به مناقصات را حل کنند. سرانجام در سال ۹۹ آیین‌نامه اجرایی قانون برگزاری مناقصات اصلاح شد. وزارت نیرو به منظور حفظ و امکان استفاده بهینه از توان و ظرفیت پیمانکاری کشور، پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات، موضوع ضوابط، موازین و معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه‌گران را جهت سیر مراحل تصمیم‌گیری به کمیسیون اقتصاد هیات دولت در سالی که پشت سر گذاشتیم، ارائه کرده است.

دلیل اقدام وزارت نیرو برای اصلاح آیین‌نامه مناقصات این بود که در بند (الف) ماده (۱۷)، بند (پ) ماده (۱۸)، بند (الف) ماده (۱۹) و بند (پ) ماده (۲۱) این آیین‌نامه به ترتیب معیارهای ارزیابی تجربه پیمانکاران بر اساس اطلاعات مربوط به تعداد و نوع کارهای مشابه اجرایی برگزارى مناقصات انجام‌شده در رشته و زمینه کار در پنج سال گذشته، ارزیابی حسن سابقه در کارهای قبلی بر اساس میانگین امتیاز ارزیابی کارفرمایان کارهای قبلی در پنج سال گذشته، ارزیابی توان مالی پیمانکاران بر اساس اطلاعات حداکثر پنج سال گذشته و ارزیابی توان فنی و برنامه‌ریزی بر اساس سوابق پنج سال گذشته پیمانکار، تعیین می‌شود. این مسئله سبب می‌شد با توجه به وضعیت حاکم بر کشور، حتی پیمانکاران بزرگ هم نتوانند فعالیت مناسبی در طی پنج سال داشته باشند و وزارت نیرو مجبور می‌شد طبق قانون مناقصات آنها را از جریان شرکت در مناقصه کنار بگذارد. به همین دلیل این وزارتخانه پیشنهاد کرد، ملاک عمل قانون مناقصات، فعالیت ۱۰ سال اخیر شرکت‌های فعال در بخش خصوصی باشد.

صنعت برق و کرونا

شاید بتوان گفت کرونا مهمترین پدیده‌ای بود که در سال ۹۹، صنعت برق با آن مواجه بود. صنعت برق هم مانند دیگر بخش‌های اقتصادی از شیوع این ویروس در سراسر جهان دچار خسارت و آسیب شد به همین دلیل سندیکای برق به بررسی اثرات شیوع این بیماری بر صنعت برق پرداخت. بر اساس این مطالعه، با شیوع کرونا شرایط اقتصادی بنگاه‌های زنجیره تامین صنعت برق شامل پیمانکاران، مشاوران و سازندگان و تامین‌کنندگان تجهیزات، به دلیل عدم پرداخت به موقع مطالبات به شدت بحرانی بوده و شیوع بیماری کرونا که محدودیت و توقف فعالیت‌های متعارف جامعه را در پی داشته، بیش از پیش این صنعت را آسیب‌پذیر کرده است.

بر اساس ارزیابی‌های انجام شده، زیان وارده به صنعت برق از محل پروژه‌های صنعت احداث حدود ۳ هزار میلیارد تومان و خسارات تحمیل شده به شرکت‌های تولیدی زنجیره تامین حدود هزار میلیارد تومان برآورد شده است. همچنین پیش‌بینی شده که این صنعت از محل توقف واردات تجهیزات و مواد اولیه ۲۰ میلیون دلار زیان از دست رفته و به دلیل توقف صادرات حدود ۱۰ میلیون دلار سود از رفته خواهد داشت.

علاوه بر این خسارات ناپایداری شبکه و افزایش احتمال بروز خاموشی در کنار تشدید مشکلات نقدینگی و شدت زنجیره بدهی‌ها هم از دیگر پیامدهای منفی شیوع بیماری کرونا است.

به همین منظور سندیکا علاوه بر دو راهبرد کلیدی شامل تسریع در پرداخت مطالبات شرکت‌های زنجیره تامین صنعت برق که رقمی بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد تومان برآورده شده و نیز ابلاغ شرایط فوق‌العاده و برقراری تنفس در قراردادهای جاری، راهکارهای دیگری نظیر ارائه تسهیلات ویژه در پرداخت دیون بانکی، وجوه مالیاتی و بیمه تامین اجتماعی، پرداخت کمک هزینه صیانت از اشتغال در صنعت برق و … را نیز به منظور جلوگیری از ایجاد آسیب‌های جبران‌ناپذیر برای فعالان این صنعت، مطرح کرد.●

صفحه



علی بخشی | رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

گرفتن گام‌های برق در قطعات انرژی

تلاطمات ارزی، به عنوان یکی از مهمترین و موثرترین رخدادهای سال‌های اخیر، تأثیراتی غیرقابل چشم پوشی بر اقتصاد کشور داشته است. در این میان اما سهم صنایع زیرساختی با قراردادهایی که عمدتاً در قالب B2G (Business-to-government) از پیامدها و عوارض این جهش ارزی بسیار بیشتر از حد تصور بود. چرا که از یک سو عمده قراردادهای فیما بین دولت و بخش خصوصی فاقد ابزارهای لازم برای پوشش خسارات ناشی از نوسانات شدید اقتصادی است و از سوی دیگر عدم موازنه میان طرفین معامله و قرار گرفتن فعالان بخش خصوصی در موضعی ضعیف تراز کارفرمایان دولتی، معمولاً زمینه را برای تحمیل خسارات و هزینه های ناشی از این نوسانات به پیمانکار و یا سازنده فراهم می کند. به این ترتیب در غالب موارد، با وجود اینکه بخش خصوصی کنترلی بر رخدادهای اقتصاد کلان کشور ندارد اما ناگزیر است هزینه های ناشی از آن را متحمل شود.

درست به همین دلیل صنعت برق در طول سال های پس از اولین جهش ارزی چشمگیری، با صدها قرارداد متوقف مواجه شد که بخشی از آنها تا همین امروز هم بلا تکلیف و حل نشده باقی مانده و پرونده گروهی نیز با فسخ و ضبط ضمانت نامه بسته شد. پس از آن وقوع دومین شوک ارزی بزرگ در سال ۹۷، اندک توان باقیمانده در شرکت های سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین کننده را که بیش از ۸۰ درصد آنها بخش خصوصی واقعی بوده و بدون اتکا به هیچ نهاد عمومی یا نیمه دولتی فعالیت می کنند، از میان برد.

مساله اینجاست که میزان تأثیر پذیری صنعت برق از نوسانات ارزی، سال ها در سایه تعبیر نادرست مرسوم از خود کفایی و همچنین تثبیت تکلیفی نرخ ارز، به دست فراموشی سپرده شده بود. در حقیقت تا سال ها خود کفایی صنعت برق به معنای بی نیازی اش به ارز تفسیر و تعبیر شده بود، به همین دلیل در طول یک دهه اخیر تمرکز بخش خصوصی بیش از هر چیز بر تعیین میزان دقیق ارزبری صنعت برق به ویژه در حوزه مواد اولیه، قطعات واسطه ای و تجهیزاتی بود که ساخت آنها در داخل صرفه اقتصادی ندارد.

از طرفی نرخ فلزات اساسی مورد نیاز این صنعت نظیر مس، آلومینیوم، روی، فولاد و حتی آهن آلات بر اساس نرخ اعلامی بورس های خارجی و نرخ دلار در بورس ایران تعیین قیمت می شوند که این خود اثری مضاعف بر قیمت تمام شده کالاهای مرتبط با آنها را دارد. لذا به جرات می توان گفت که میزان ارزبری قراردادهای صنعت برق بین ۵۰ تا ۸۰ درصد و میزان متوسط تأثیر قیمت فلزات اساسی در هزینه قراردادها ۴۳ درصد است.

به هر حال نگرش نادرست حاکم در خصوص خود کفایی، سبب شد تا وقوع اولین جهش ارزی چشمگیر در سال های ۹۱ تا ۹۲ رخ دهد، قراردادهای صنعت برق را در شوک فرو برده و اولین موج مخرب پروژه های نیمه تمام این صنعت زیرساختی را ایجاد کند. به فاصله چند سال دومین جهش ارزی در سال ۹۷، علیرغم بلا تکلیف ماندن قراردادهای متوقف سال های گذشته، بر تعداد پروژه های نیمه تمام صنعت برق افزود. سال ۹۹ اما با افزایش ۴ تا ۵ برابری قیمت ارز و همزمانی آن با شیوع گسترده بیماری کرونا و محدودیت ها و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن، تیر خلاصی بر پیکره

قراردادهای صنعت برق بود.

این سطح از تأثیر گذاری نوسانات بر شرایط صنعت برق بیش از هر چیز ناشی از این است که قراردادهای صنعت برق عمدتاً زمان برو طولانی مدت هستند. لذا پیش بینی قیمتی که در یک دوره زمانی مشخص و با پیش بینی ریسک های معمول اقتصادی در یک مناقصه صورت گرفته، قاعدتاً پاسخگوی یک نوسان چند برابری یا رخدادهایی نظیر شیوع بیماری کرونا و هزینه های ناشی از آن نیست. در چنین شرایطی قاعدتاً یا باید قراردادها هوشمندی لازم را برای جبران و توزیع عادلانه ریسک ها و هزینه های ناشی از آن بین طرفین قرارداد داشته باشند و یا کارفرما با اتکا به ابزارهای قانونی موجود و یا با خلق راهکارهای حقوقی و قانونی جدید، تا اندازه ای ریسک های ناشی از نوسانات غیر قابل کنترل ارز را مدیریت و کنترل کند.

در صنعت برق اما هیچ یک از این دو اقدام، انجام نشده است. در حقیقت این صنعت از یک سو با قراردادهای یکطرفه ای مواجه است که به صورت خودکار و آگاهانه عمده ریسک های قراردادی را به سمت بخش خصوصی سوق می دهد و وزارت نیرو، توانیر و شرکت های تابعه اش تا امروز برای تغییر ساختار کلی آن و حاکم کردن یک قرارداد تیپ منصفانه و عادلانه در این صنعت همراهی چندانی با بخش خصوصی نداشته اند. از سوی دیگر هم این وزارتخانه و عمده شرکت های کارفرمایی صنعت برق، یا اراده ای برای تعیین تکلیف قراردادهای متوقف ناشی از جهش ارزی ندارند و یا اساساً جسارت تصمیم گیری، استفاده از بسترهای قانونی موجود و یا ارائه راهکارهای حقوقی برای برون رفت از این شرایط را ندارند. نبود جسارت و شجاعت حل مساله و تصمیم گیری صریح و شفاف برای قراردادهای متوقف صنعت برق و چاره اندیشی برای جبران خسارات ناشی از تلاطمات ارزی در کنار قراردادهای یکسویه ای که هیچ اراده ای برای تغییر ساختاری آنها وجود ندارد، ریشه های اصلی افت ظرفیت های گسترده این صنعت است.

بی گمان فراهم آوردن شرایط گذار از رکود تورمی به جهش تولید، ایجاد اشتغال، گسترش فن آوری های روزآمد و تحقق رونق اقتصادی، نیازمند اقداماتی در سطح کلان اقتصاد کشور است. در این میان **دسته بندی پروژه های جاری صنعت برق، تعیین اولویت خاتمه در سال ۹۹ و یا پروژه های با اهمیت ملی تا سال ۱۴۰۰ و نیز تأمین نقدینگی و تمهید شرایط مورد نیاز با رویکرد استفاده حداکثری از توان داخلی کشور یکی از کلیدی ترین و اثر بخش ترین امکانات ممکن است.** همچنین صدور مجوز لازم برای دستگاه های اجرایی به منظور اخذ تصمیمات مدیریتی در خصوص کلیه عوامل موثر بر پروژه های جاری از قبیل نوسان ارزی، تحریم، تکنولوژی و تجهیزات خارجی و همچنین «محدودیت و سختی» ناشی از کرونا هم از اهمیت بسزایی در حل بحران های کنونی این صنعت برخوردار است.

البته اجرایی شدن این پیشنهادات و عدم تکرار بحران کنونی همان دو راه حلی را دارد که پیشتر هم در این نگاشت به آنها اشاره شد، قرارداد تیپ هوشمند و منصفانه و همچنین مدیران جسور و شجاعی که قادر به تصمیم گیری در شرایط بحرانی باشند. ●



پیام‌باقری | نایب‌رئیس هیات‌مدیره سندیکای صنعت برق ایران

رایگان‌پنداریِ برقِ گران

وقتی سخن از اقتصاد به میان می‌آید در تعریف آن، به علم تخصیص بهینه منابع محدود به خواسته‌های نامحدود اشاره می‌شود که با تکیه بر آن، دامنه وسیعی از فعالیت‌های بهم پیوسته تولیدی و مصرفی به تعیین چگونگی این منابع محدود و کمیاب کمک می‌رسانند لذا تخصیص بهینه و همچنین محدود بودن منابع، دو شاخص کلیدی در شکل‌گیری علم اقتصاد هستند. منابع محدود در هر کشوری در مقابل خواسته‌های متعدد و تقاضای وافرقرار می‌گیرند و تفاوت کشورها در عرصه توسعه اقتصادی به مدیریت صحیح منابع و هدایت هوشمندانه و هدفمند آن در مسیر پوشش تقاضا برمی‌شود بنابراین در وهله اول، ارزیابی از میزان منابع موجود قابل تخصیص، امری ضروری بنظر می‌رسد اما آنچه در این ارزیابی حائز اهمیت به نظر می‌رسد، تعریف ودسته بندی منابع است.

منابع از منظر علم اقتصاد به دو بخش اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم می‌شوند. منابع اقتصادی به بخشی اطلاق می‌شود که به دلیل محدودیت و کمیاب بودن، قابل قیمت‌گذاری است حال آنکه مراد از منابع غیراقتصادی، بخش دیگری است که با توجه به فراوانی آن رایگان بوده و نیازمند تعیین قیمت نیست و به دلیل وفور و دسترسی نامحدود، متقاضی به هر میزان که تمایل داشته باشد آنها را بدون پرداخت هزینه مصرف می‌کند و به همین دلیل این دسته از منابع در معادلات اقتصادی محاسبه نمی‌شوند. از این رو تشخیص صحیح در ارزیابی و دسته بندی منابع یک کشور به اقتصادی و غیراقتصادی و تخصیص بهینه منابع اقتصادی در راستای اهداف و برنامه های کلان به مثابه برداشتن گام‌های بنیادین در مسیر رشد و توسعه تلقی می‌شود و این امر در واقع ترجیع بند اصلی علم اقتصاد است یعنی حداکثرستاده از داده معین یا بعبارتی حداکثر استفاده از منابع محدود در جهت تحقق اهداف تعریف شده است.

اگر به تعاریف اقتصادی بازگردیم علی‌القاعده برق نیز همچون هر کالای دیگری قیمت تمام شده‌ای متشکل از نهاده‌های تولید دارد و به لحاظ اینکه از قابلیت ارزش‌گذاری برخوردار است در نتیجه یک منبع اقتصادی به شمار می‌رود، کمااینکه در دنیا نیز به همین ترتیب است. لیکن به نظر می‌رسد در کشورمان ایران، سهولت دسترسی به برق پایدار حتی دراقصی نقاط شهری و روستایی، این انرژی بااهمیت را از کانون توجه خارج کرده و به همین دلیل ارزش‌گذاری درستی متناسب با مولفه‌های اقتصادی از آن به‌عمل نمی‌آید و اینطور استنباط می‌شود که در بخش منابع غیراقتصادی دسته بندی شده است.

ایران بعنوان قدرت برترتولید برق در منطقه و دارنده ذخایر فراوان گاز و نفت، در زمره کشورهای تأثیرگذار در موازنه جهانی انرژی قرار دارد منتها کثرت منابع منجر به قرائت دوگانه از اقتصاد انرژی شده به‌ویژه در بخش برق که در طرف تقاضا از آن تعبیر خدمات فراگیر نسبتاً و در پاره‌ای موارد مطلقاً رایگان پدید آمده اما در پشت صحنه یعنی در طرف عرضه با یک صنعت تمام عیار با فراز و فرودهای معمول مواجهیم که محدودیت‌های مختص خود را داشته و همچون هر فرآیند اقتصادی دیگر متاثر از جریان نقدینگی و توازن هزینه و درآمد است. به گونه‌ای که ورود هر مولفه برهم‌زننده این توازن، بالطبع ناترازی و اختلالات اقتصادی را در پی دارد.

با مروری بر تاریخ درمی‌یابیم که برق در فرآیند صنعتی شدن مسیری پریپیچ و خم را طی کرده و با گذراز موانع عدیده، امروز با عمق ساخت داخل بالا و طلایه داری صادرات خدمات فنی و مهندسی و تجهیزات با تکنولوژی برتر، جایگاه صنعتی پیشرو و قابل اتکاء در کشور را به خود اختصاص داده است. در تداوم این مسیر صعب، چه دستاوردی بالاتراز تأمین رفاه آحاد مردم جامعه به واسطه برخورداری از انرژی برق پایدار در اقصی نقاط کشور با قدرت سرانه نصب شده یک هزار وات به ازاء هرایرانی که البته محصول معاضدت بخش

خصوصی این صنعت با وزارت نیرو در سایه عزمی راسخ و تلاشی بی‌وقفه در مسیر آبادانی و سازندگی کشور است.

لیکن قدر مسلم، صیانت از این صنعت زیربنایی مستلزم اهتمام جدی همه عوامل ذیربط در جهت مرتفع کردن چالش‌ها علی‌الخصوص در سرلوحه آن، اقتصاد ناتراز برق است که صاحب نظران از آن به‌عنوان علت‌العلل مشکلات در این صنعت یاد می‌کنند و این ناموازنه منابع و مصارف، عملاً سرمایه‌گذاری در صنعتی را تحت الشعاع قرار داده که به نقدینگی معتنا بهی جهت حفظ کیفیت و پایداری شبکه به منظور تثبیت شرایط موجود ایضاً پوشش طرف تقاضا با توجه به نرخ رشد مصرف نیازمند است.

به همین دلیل قانون‌گذار در خصوص مورد اخیرالذکر احداث سالی پنج هزار مگاوات نیروگاه جدید را در برنامه ششم توسعه در نظر گرفته است که همراه با توسعه شبکه‌های انتقال و توزیع متناظر آن در کنار سایر اقدامات ضروری از جمله کاهش تلفات شبکه، افزایش راندمان نیروگاه‌های موجود، بهینه‌سازی مصرف، هوشمندسازی شبکه، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، نگهداری و نوسازی تجهیزات مستلزم تخصیص هزاران هزار میلیارد تومان نقدینگی است. ولی کمبود منابع مالی ناشی از اقتصاد ناتراز برق به مثابه پاشنه آشیل عمل کرده و بر صعوبت تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای این صنعت افزوده است.

چرا که منابع مالی حکم سوخت لازم جهت به حرکت درآمدن موتور توسعه کشور را داشته و هرگونه ابهام در تأمین و تخصیص بهنگام آن منجر به بیشتر شدن فاصله با اهداف تبیین شده بلندمدت و لاجرم روی آوردن به امورات مقطعی در مسیر رفع مشکلات روزمره می‌شود که آفت جزیی نگری در اجرای برنامه‌های کلان به عوض دوراندیشی و جامع نگری ناشی از عوارض کمبود منابع را به دنبال دارد. در سمت دیگر ماجرا اما بخش خصوصی قرار گرفته که علی‌رغم تلاش بی‌دریغ و

همراهی مستمر و لاینقطع در مسیر کسب جایگاه کنونی صنعت برق کشور، امروز با مشکلات عدیده‌ای چون افول بازار کسب و کار، انباشت مطالبات و کاهش ضرب‌آهنگ تولید و صادرات دست به گریبان بوده و علیرغم جدالی سخت با نظام بانکی، بیمه تأمین اجتماعی و اداره دارایی، با تهدید فسخ قراردادها و ضبط تضامین نیز مواجه است، دور تسلسلی که عملاً همه بازیگران این میدان با آن دست به گریبان بوده و هرچه بیشتری جویند کمتر می‌یابند.

قدر مسلم اصلاح ساختار اقتصادی صنعت برق مستلزم بازنگری در فرایند منابع و مصارف خواهد بود در حالیکه وضعیت کنونی حاکی از پیشی گرفتن روزافزون هزینه‌ها نسبت به درآمد است و این ناموازنه آثار و تبعات نامطلوبی را برای این صنعت به دنبال داشته است. **حرکت بر مدار واقعی‌سازی قیمت‌ها در بستر نظام عرضه و تقاضا، نسخه‌رهایی از گرداب اقتصاد ناتراز برق قلمداد می‌شود که پیش نیاز آن احتراز از فرایند قیمت‌گذاری تکلیفی و تغییر مسیر به سوی استقرار نهاد تنظیم بازار برق و واگذاری مستقیم مجموعه فعالیت‌ها به عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان است.**

این اقدام نه تنها گام برداشتن در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ محسوب می‌شود بلکه منجر به ایجاد توازن در معادله هزینه و درآمد خواهد شد که جهشی مهم در بهبود شرایط و اصلاح ساختار اقتصادی صنعت برق را رقم می‌زند. در غیر این صورت، اداره این صنعت زیربنایی با عمق ساخت داخل بالا و پیشرو در عرصه صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی با استمرار شرایط کنونی که نرخ تولید آن مبتنی بر سازوکار بازار است در عین حالیکه قیمت فروش آن به صورت دستوری تعیین می‌-شود تحت تأثیر غلبه هزینه بردرآمد ناشی از اقتصاد نامتوازن، در ادامه راه با معضلات بیشتری مواجه شده و به مثابه یک منبع غیراقتصادی با آن رفتار خواهد شد.●

مدل مفهومی برای
سیاست‌گذاری میزان بهینه یارانه برق

پارادوکس یارانه برق



علیرضا اسدی

معاون پژوهش و برنامه ریزی سندیکای صنعت برق ایران

صنعت برق ایران بزرگترین بخش یارانه‌ای انرژی در جهان است؛ بنابر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) ۴۶ درصد کل یارانه‌ای که در جهان برای برق پرداخت می‌شود مربوط به صنعت برق ایران است و سایر کشورها مجموعاً ۵۴ درصد کل یارانه‌ای که برای برق پرداخت می‌شود را به خود اختصاص می‌دهند. مثلاً روسیه با ۱۴۵ میلیون نفر جمعیت ۱۳ میلیارد دلار، چین با ۱,۴ میلیارد نفر جمعیت ۱۲ میلیارد دلار و ایران با ۸۰ میلیون نفر جمعیت ۵۱ میلیارد دلار یارانه برق می‌دهد. براساس این گزارش در سال ۲۰۱۹ در جهان ۳۱۷ میلیارد دلار یارانه انرژی پرداخت شده است که ایران با ۸۶ میلیارد دلار رتبه اول است و از مجموع یارانه پرداختی، حدود ۶۰ درصد بصورت یارانه برق می‌باشد که تقریباً برابر ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی است (شکل ۱).

گذشته از این که مقادیر ارائه شده در این گزارش چه میزان دقت دارد و اینکه مبنای محاسبه چه بوده است، این مساله که حوزه برق در ایران بیشترین میزان یارانه را به مردم پرداخت می‌کند، جای انکار ندارد. حال اگر مبنای سیاست‌گذاری برای پرداخت یارانه انرژی را افزایش رفاه جامعه در نظر بگیریم، باید انتظار داشت که مردم ایران بیشترین رضایت را از بخش برق داشته باشند. این در حالی است که علیرغم حجم زیاد یارانه‌ای که در بخش انرژی پرداخت می‌شود، در وقایعی مانند خاموشی‌های کلان شهرهای کشور در زمستان سال ۱۳۹۹ و خاموشی‌های داوطلبانه و اجباری تابستان سال‌های گذشته، حجم زیادی از نارضایتی از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها در جامعه منتشر می‌شود که این سوال را مطرح می‌کند آیا به‌راستی این سیاست نه از منظر صرفاً اقتصادی - که بارها مورد چالش قرار گرفته است - بلکه از منظر اجتماعی، آیا سیاست موجهی است؟

شواهد موجود شرایطی پارادوکسیکال (متناقض‌نما) را در سیاست‌های حوزه برق نشان می‌دهد؛ به این معنا که دولت ایران بیشترین حجم یارانه را در جهان و در بین سایر بخش‌ها به حوزه برق می‌دهد، اما میزان رضایت مردم در سطح مورد انتظار افزایش پیدا نکرده است و یا دست کم حجم زیادی از نارضایتی در خصوص برق رسانی در کشور در میان افشار جامعه و حوزه‌های صنعتی دیده می‌شود. بنابراین این پرسش به میان می‌آید که چرا با چنین وضع عجیبی در بخش برق مواجه هستیم؟ چگونه می‌توانیم این وضعیت را تحلیل کنیم و آیا می‌توانیم به سیاست‌گذار چهارچوبی برای تصمیم‌گیری جهت برون رفت از وضع موجود ارائه کنیم؟

«منحنی لافر» زمینه طرح ایده‌ای برای تحلیل شرایط سیاست‌گذاری یارانه انرژی فراهم کرد که در این یادداشت ارائه می‌شود. داستانی از قول یک روزنامه‌نگار مشهور نقل شده است به این مضمون که در جلسه‌ای که لافر (اقتصاددان) در سال ۱۹۷۴ با مقامات دولت آمریکا (دیک چنی و دونالد رامسفلد) در یک رستوران داشته است، لافر روی یک دستمال کاغذی رابطه بین نرخ مالیات و درآمد دولت را نشان می‌دهد. طبق این نمودار رابطه بین مالیات و درآمد دولت بصورت یک منحنی U وارونه است؛ بدین ترتیب که درآمد دولت با افزایش نرخ مالیات ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر میزان درآمد دولت از مالیات با دو نرخ بالا و پایین مالیاتی یکسان می‌باشد. بنابراین به دولت پیشنهاد می‌کند برای آنکه سرمایه‌داران را برای سرمایه‌گذاری تشویق کند، نرخ مالیات را کاهش دهد بدون آنکه نگران کاهش درآمدهای دولتی باشند. اگر چه این مدل با داده‌های تجربی انطباق کاملی ندارد و انتقادهایی به آن شده است اما می‌تواند

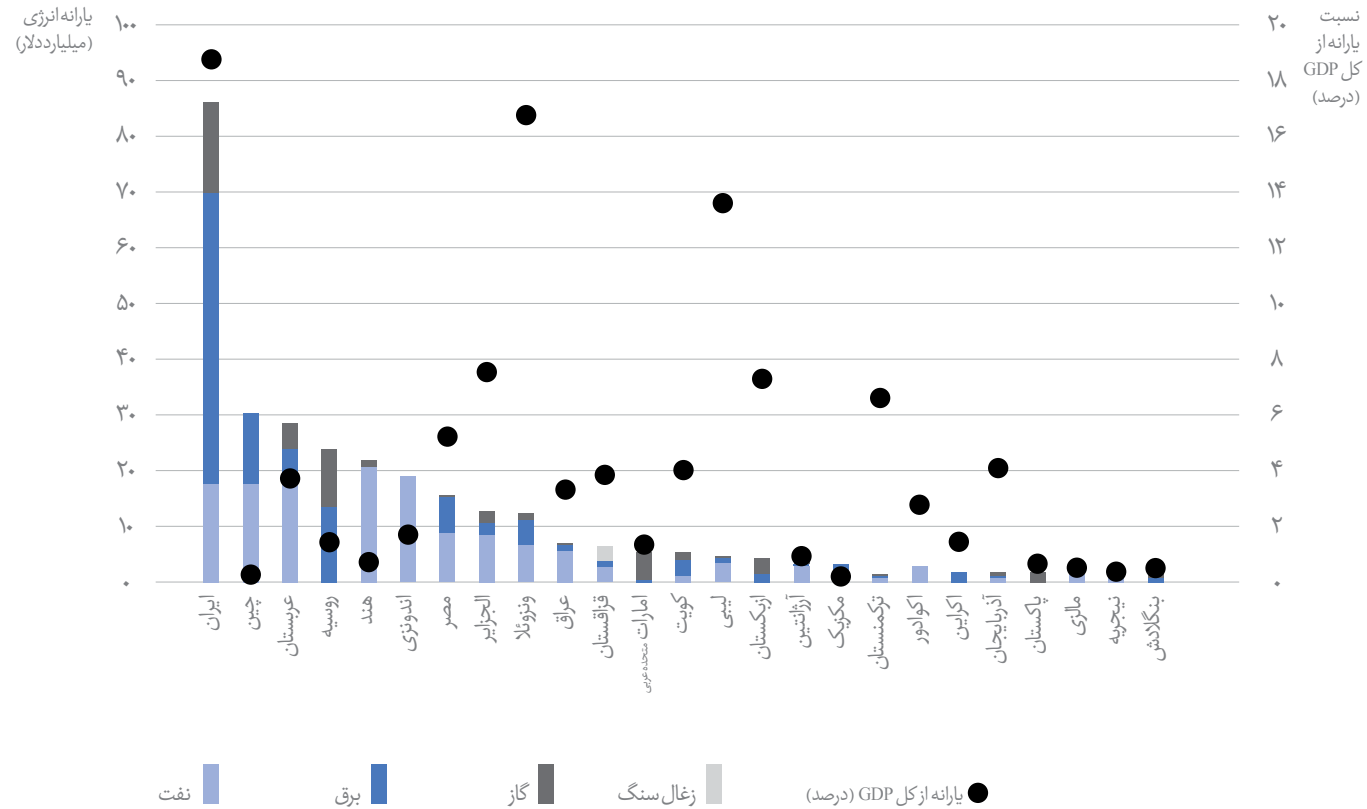
در فهمیدن و تحلیل موضوعات مشابه مانند سیاست‌گذاری یارانه (به عنوان مالیات منفی) راهگشا باشد.

براین اساس در اینجا می‌توانیم مدل مشابهی را به صورت شکل ۲ ترسیم کنیم. این نمودار نشان می‌دهد میزان رفاه دریافتی جامعه با افزایش یارانه ابتدا افزایش پیدا می‌کند و به نقطه ماکزیمم می‌رسد. مثلاً در بخش برق، مردم با پرداخت کمتری برق مورد نیاز خود را دریافت می‌کنند در نتیجه از رفاه بیشتری برخوردار می‌شوند. اما به دلیل آنکه مازاد رفاه مصرف‌کننده، از مازاد رفاه تولیدکننده می‌کاهد، در نتیجه انگیزه تولیدکنندگان برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. همچنین اعتباری که دولت می‌توانست جهت توسعه زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کند، صرف پرداخت یارانه شده است، بنابراین زیرساخت‌های صنعتی متناسب با میزان تقاضای مورد نیاز مصرف‌کننده افزایش پیدا نمی‌کند و علی‌رغم تقاضای جامعه، پدیده خاموشی رخ می‌دهد. با بروز خاموشی، رفاه جامعه کاهش می‌یابد.

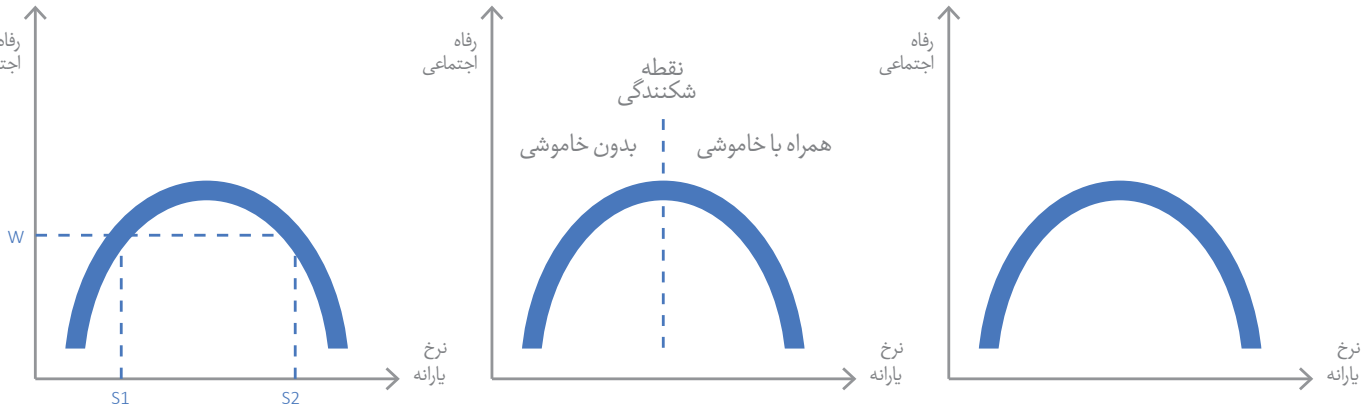
در این تحلیل می‌توانیم ناحیه رفاه را به دو بخش تقسیم کنیم که در بخش اول افزایش نرخ یارانه موجب افزایش رفاه می‌شود تا به نقطه شکنندگی صنعت می‌رسد. نقطه شکنندگی نقطه‌ای است که زیرساخت‌های صنعت برق برای عرضه برق در حداکثر ظرفیت خود قرار دارد و نمی‌تواند با افزایش تقاضای بیشتر برق مورد نیاز را تولید کند؛ در نتیجه پدیده خاموشی رخ می‌دهد. بنابراین در بخش دوم (بعد از نقطه شکنندگی) علی‌رغم آنکه یارانه بیشتری پرداخت می‌شود به دلیل آنکه صنعت برق از مرز شکنندگی عبور کرده است و توان عرضه از میزان تقاضا جا مانده است، خاموشی رخ خواهد داد و با بروز خاموشی‌ها، میزان رفاه کاهش می‌یابد (شکل ۳).

این تحلیل می‌تواند برای تعیین سطح مطلوب یارانه برق مورد استفاد قرار گیرد؛ به این معنا که میزان رفاه در منحنی بطور خطی با افزایش یارانه افزایش پیدا نمی‌کند. در واقع زمانی که خاموشی ایجاد شده باشد نشاندهنده کاهش رفاه اجتماعی است حتی اگر یارانه زیادی پرداخت شده‌باشد. به عبارت دیگر دولت برای پرداخت یارانه بخش برق، یک نقطه عطف دارد و با عبور از نقطه عطف، پرداخت یارانه بیشتر رفاه را افزایش نمی‌دهد. حال اگر دولت در وضعیت پرداخت یارانه زیاد همراه با پدیده خاموشی باشد، می‌تواند میزان یارانه را کاهش دهد (جابه جایی از S۲ به S۱) و با خارج شدن از ناحیه خاموشی به ناحیه بدون خاموشی، بدون آنکه نگران کاهش سطح رفاه جامعه باشد و منابع آزاد شده را صرف توسعه زیرساخت صنعت کند(شکل ۴).

بنابراین براساس این مدل می‌توانیم به سیاست‌گذار چهارچوبی برای تصمیم‌گیری در خصوص یارانه انرژی ارائه کنیم بدین ترتیب که با توجه به قرارگیری سیاست پرداخت یارانه برق در نیمه دوم منحنی؛ **دولت می‌تواند با کاهش یارانه بخش برق و سرمایه‌گذاری برای افزایش عرضه (از طریق افزایش ظرفیت تولید و بکارگیری فناوری‌های بهینه‌سازی)، بدون آنکه نگران کاهش رفاه اجتماعی باشد، موجب افزایش توان عرضه بخش برق شود** و علاوه بر رونق بخشی صنعت برق، رشد اقتصادی، اشتغال و افزایش ثروت ملی را فراهم کند. در اینجا لازم به یادآوری است که کاهش یارانه بدون افزایش سرمایه‌گذاری برای زیرساخت‌های صنعت برق، میزان رفاه را کاهش خواهد داد و آنچه در زمینه کاهش یارانه‌های بنزین رخ داد، ممکن است رخ دهد..



شکل ۱. یارانه انرژی در کشورها (منبع: آژانس بین المللی انرژی. www.iea.org/topics/energy-subsidies)



شکل ۳. رابطه یارانه و نقطه شکنندگی برق

شکل ۴. کاهش نرخ یارانه و حفظ رفاه اجتماعی

شکل ۲. رابطه نرخ یارانه و رفاه جامعه

پرداخت ناچیز مطالبات دردی را دو انمی کند



حمیدرضا صالحی | عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

بحران نقدینگی و انباشت مطالبات چند سالی است که سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و تامین‌کنندگان بخش خصوصی صنعت برق به خصوص شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق را با معضلات و مشکلاتی مواجه ساخته است. سندیکا در طول این سال‌ها به نمایندگی از بخش خصوصی این صنعت همواره پیگیری کرده مطالبات را به عنوان یکی از مهمترین اقدامات خود در دستور کار داشته و سعی کرده در کنار وزارت نیرو و توانیر با همفکری و مشارکت، مسیری برای پرداخت مطالبات اعضای خود باز کند. در گفتگو با «حمیدرضا صالحی» عضو هیات مدیره و نماینده سندیکا در امور مطالبات و رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، به بررسی روند پیگیری مطالبات شرکت‌ها در سال ۹۹ و اقدامات انجام شده در این زمینه پرداخته ایم. متن گفتگو به شرح زیر است:

- .
- .
- .

مطالبات معوق یکی از اصلی‌ترین و مهمترین چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی صنعت برق به شمار می‌رود. یکی از خواسته‌های جدی سندیکا نیز به عنوان نماینده فعالان صنعت برق از زمان تاسیس، پیگیری موضوع مطالبات بوده است. روند پرداخت مطالبات به شرکت‌ها در چند سالی با موفقیت همراه بود اما بعد از مصوبه مجلس هفتم درباره تثبیت قیمت‌ها و برهم خوردن توازن هزینه‌ها و درآمد‌های وزات نیرو، با تاخیر مواجه و باعث انباشت مطالبات شد. با همه این شرایط به جز پرداخت‌های بسیار محدود مطالبات برخی از شرکت‌ها، اقدام خاص دیگری صورت نگرفت و وزارت نیرو برای تسویه بدهی‌ها و پرداخت مطالبات این شرکت‌ها اقدام موثری نداشت.

با این وجود سندیکا در سال ۹۹ نیز با استعلام مطالبات شرکت‌های عضو در سه نوبت، پیگیر وصول مطالبات اعضا بود. با توجه به انباشت مطالبات شرکت‌ها از وزارت نیرو و کسری شدید بودجه در این وزارتخانه، پس از پیگیری‌های گسترده سندیکا مقرر شده که توانیر به نمایندگی از شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع نیروی برق مطالبات معوق اعضای سندیکا را به صورت مرحله‌ای پرداخت کند. شرکت توانیر پس از انجام هماهنگی‌های لازم با سندیکا و تایید استعلامات صورت گرفته از شرکت‌های عضو، بخشی از مطالبات سازندگان و پیمانکاران عضوین سندیکا را در دو مرحله پرداخت کرد تا در شرایطی که کشور با کمبود نقدینگی شدید و نوسانات شدید قیمت‌ها مواجه شده، از ایجاد زیان‌های مضاعف برای فعالان صنعت برق جلوگیری شود. اولین مرحله پرداخت‌ها، تیرماه سال جاری و به ۳۸ شرکت انجام شد و در مرحله دوم در آذر ماه ۵۸ شرکت، بخش دیگری از مطالبات خود را از توانیر دریافت کردند. در مرحله سوم نیز تنها درصد بسیار ناچیزی از کل مطالبات سازندگان و پیمانکاران پرداخت شده و برخی از شرکت‌ها هیچ گونه وصولی از کارفرمایان خود نداشته‌اند. لذا سندیکا این موضوع را از معاونت مالی و پشتیبانی شرکت توانیر پیگیری کرده است که امیدواریم در این مرحله نیز پرداخت‌هایی صورت بگیرد.

مطالبات معوق چه مشکلاتی در مسیر فعالیت شرکت‌های فعال حوزه صنعت برق ایجاد کرده است؟ وزارت نیرو به عنوان یک نهاد حاکمیتی برای حفظ و بقای صنعت برق چه وظیفه‌ای بر عهده دارد؟

آیا وصول منابع حاصل از صادرات انرژی به عراق و افغانستان در پرداخت مطالبات صنعت برق موثر بوده است؟

ریشه اصلی مشکلات صنعت برق چیست و برای حل این مشکلات چه راهکارهایی وجود دارد؟

اتاق بازرگانی ایران که شما ریاست کمیسیون انرژی آن را بر عهده دارید، تاکنون چه اقداماتی برای حل مشکلات صنعت برق کشور انجام داده است؟

مطالبات بخشی از شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق ایران قریب به هزار میلیارد تومان است، معوق ماندن مطالبات بخش خصوصی از شرکت‌های تابعه توانیر به ویژه در شرایط سخت اقتصادی امروز منجر به بروز بحران مالی و اجتماعی در بین کارگران و کارکنان شرکت‌های بخش خصوصی شده و موجبات فروپاشی بنگاه‌های فعال این صنعت را فراهم می‌آورد، به علاوه در شرایطی که شیوع بیماری کرونا عملاً بسیاری از کسب و کارهای صنعت برق را تعطیل یا نیمه تعطیل کرده و به رکود حاکم بر این صنعت به شدت دامن زده است. در این شرایط اقدام موثر وزارت نیرو به جز اعلام تنفس برای قراردادهای مهار این بیماری، پرداخت مطالبات شرکت‌هاست تا بتوانند حداقل حقوق و سایر مطالبات قانونی پرسنل خود را پرداخت کنند. مطالبات شرکت‌ها را تحت فشار سازمان‌های مالیات و بیمه قرار داده است و وزارت نیرو باید در کنار تلاش برای پرداخت حقوق پرسنل خود، به فکر پرداخت مطالبات شرکت‌های صنعت برق نیز باشد تا بتواند در این روزهای پایانی سال کمی از بار فشار آنها را کاهش دهد. میزان این مطالبات همواره در حال کاهش و افزایش بوده است اما اخیراً با متوقف شدن قراردادهای صنعت برق، مبلغ مطالبات کاهش یافته است چرا که پروژه‌ای اجرا نمی‌شود که در پی آن مطالبه‌ای شکل بگیرد. شرکت‌های عضو سندیکا روزی با دریافت تسهیلات از بانک و اجرای پروژه‌های خود، وزارت نیرو را فاینانس مالی کردند و با عدم دریافت به موقع مطالبه خود مجبور به بازپرداخت اقساط بانک با خسارت دیرکرد شدند. لذا وزارت نیرو باید ضمن عمل به وظایف حاکمیتی خود، برای بازپرداخت بدهی‌هایش به عنوان یک الزام قانونی، برنامه‌ریزی کرده و علاوه بر جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی صنعت برق و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن از جمله ایجاد موج مخربی از بیکاری و نارضایتی، دستاوردهای چهل ساله این صنعت در حوزه ساخت، پیمانکاری و مشاوره را حفظ کرده و صیانت از زیرساخت‌های این صنعت استراتژیک را در دستور کار خود قرار دهد. در غیر این صورت بدون هیچ تردیدی این وزارتخانه علیرغم همه اقدامات و خدمات خود باید پاسخگویی از میان رفتن ظرفیت‌های ساخت، پیمانکاری و مهندسی مشاوری باشد که در طول چهار دهه اخیر پرچمداران خودکفایی و صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی کشور بوده‌اند .

هر چند منابع حاصل از کشورهای چون عراق و افغانستان تا حدودی منجر به قوت گرفتن منابع وزارت نیرو شده است اما با توجه به موانعی که تحریم‌ها برای انتقال پول به کشور ایجاد کرده‌اند، این روند با مشکل مواجه است و نمی‌تواند یک جریان باثبات برای آینده صنعت برق کشور تلقی شود. در واقع امنیت اقتصادی لازم برای پرداخت مطالبات اعضا از این مسیر وجود ندارد. عدم امنیت اقتصادی باعث شده بانک‌ها پشت قراردادهای صنعت برق و قراردادهای وزارت نیرو نباشند.

مشکلات اصلی صنعت برق ناشی از ساختار اقتصادی این صنعت است، ساختاری که تا اصلاح نشود مشکلی حل نخواهد شد. حل ریشه‌ای و اساسی مشکلات صنعت برق نیازمند اصلاح ساختار اقتصاد برق است تجویزها و نسخه‌های موقتی به نوعی مُسکن هستند و درد را در لحظه دوا می‌کنند و در بلندمدت کارایی ندارند. برای اصلاح ساختار اقتصادی مداخله دولت در صنعت برق باید کاهش یافته و به سمت رگولاتوری حرکت کند تا بخش خصوصی بتواند از این وضعیت نابرابر خارج شده و نقش خود را در آینده صنعت برق بیش از پیش تقویت کند. اگر این اصلاحات اتفاق نیفتد صنعت با عظمت برق که سال‌ها با سختی و مشقت بر روی پای خود ایستاده است، آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهد دید. با توجه به سیاست‌های سوخت و مشترکاتی که بین دو وزارت‌خانه نفت و نیرو وجود دارد، می‌توان درباره ادغام این دو وزارت نیز کارهای کارشناسی انجام داد و بهترین تصمیم را اتخاذ کرد.

بعد از تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۰ از سوی دولت به مجلس، کلیه نظرات و پیشنهادها از کمیسیون‌های مختلف جمع‌آوری و پس از بررسی و جمع‌بندی، در اختیار مجلس قرار گرفت. طبق این پیشنهادات آنچه در لایحه بودجه باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع مطالبات پیمانکاران و تولیدکنندگان انواع انرژی از دولت است که از سال‌های قبل باقی مانده و هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند. از سوی دیگر نهایی کردن پروژه‌های نیمه‌تمام در بخش انرژی که باید هرچه سریع‌تر برای تکمیل آن‌ها برنامه‌ریزی کرد.●

بر شاخ گاو فلزی

صنعت برق
در سال ۱۴۰۰



سعید مهدب‌ترابی | رئیس انجمن شرکت‌های خدمات انرژی ایران، مدیرعامل شرکت مهندسی قدس نیرو

صفحه

۳۰

ستپان ۴

زمستان ۹۹، دوره جدید

صنعت برق کشور، سال ۹۹ را با پدیده فراگیر کرونا شروع کرد و با برگزاری جشن عبور از پیک حدود ۵۸۵۰۰ مگاواتی تابستان ادامه داد. در همین سال فشار و خاموشی‌های غیرمترقبه ناشی از کمبود سوخت را در زمستان تجربه و پدیده غیرقابل پیش‌بینی برق امید را مطرح کرد و در نهایت در بستر هفتگی پروژه‌های الف. ب ایران این انشا را به اتمام رساند. شاخص‌های عملکردی صنعت برق در سال ۹۹ بدین ترتیب بود که ظرفیت منصوبه به حدود ۸۵۰۰۰ مگاوات رسید، پیک بار برای اولین بار طی یک دهه اخیر با ۵۸۲۰۰ مگاوات در شب اتفاق افتاد و فروش برق تقریباً به بالغ بر ۲۹۰۰۰۰ میلیون کیلووات‌ساعت منتهی شد. به علاوه تعداد مشترکین جدید به حدود ۱۲۵۰۰۰۰ مشترک رسید. طول شبکه‌های جدید فوق توزیع و انتقال بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر مدار شد و ظرفیت اضافه شده به پست‌های فوق توزیع و انتقال به بالغ بر ۸۰۰۰ مگاوات آمپر رسیده است. طول شبکه‌های توزیع اضافه شده نیز به حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر رسیده است. به تعداد پست‌های توزیع هم حدود ۲۰۰۰۰ دستگاه اضافه شده است. در بخش توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی نیز در ب به همان پاشنه سال‌های قبل چرخید. میزان صادرات برق نیز در مرز ۸۰۰۰ میلیون کیلووات‌ساعت بوده است. شاخص‌های عملکردی فوق با اندکی تغییرات طی یک دهه اخیر به جز در بخش صادرات برق ثابت بوده و از رشد یکنواختی پیروی کرده‌اند. یکی دیگر از شاخص‌های عملکردی صنعت برق برنامه‌ریزی و تلاش برای کاهش تلفات برق است که در صورت ماندگاری و پایداری، شاخص بسیار خوب و ماندگاری برای صنعت برق خواهد بود. چنانچه اقتصاد برق در آینه شاخص‌های عملکردی فقط تحلیل آماری شود، بخش تولید با به مدار آوردن ۲۲۰۰ مگاوات ظرفیت جدید به ارزش حدود یک و نیم میلیارد دلار، بیشترین عملکرد را داشته و بخش فوق توزیع و انتقال با حدود ۵۰۰۰۰ میلیارد تومان و بخش توزیع با حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان به ترتیب عملکرد مالی کمتری داشته‌اند. در بخش جاری نیز براساس نظر مدیران صنعت برق که هزینه تمام شده هر کیلووات‌ساعت بدون سوخت را حدود ۱۳۰ تومان مطرح می‌کنند، ظاهراً هزینه‌های جاری حدود ۳۶۰۰۰۰ میلیارد تومان می‌شود. در حالیکه درآمد حاصل از فروش برق در سال ۹۹ قطعاً کمتر از ۲۵۰۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. به عبارتی دیگر صنعت برق در سال ۹۹ فقط در بخش جاری خود با حدود ۱۱۰۰۰ میلیارد تومان کسری مواجه بوده است. کسری اعتبار و نقدینگی در صنعت برق طی یک دهه اخیر تقریباً عادی شده و با وجود اینکه اکثر بازگیران این صنعت، به نحوه بازی در این شرایط عادت کرده‌اند، ولی به علت سخت‌تر شدن این نوع بازی، به تدریج بازیکنان و زمین بازی و تجهیزات و تکنولوژی دچار فرسودگی و آسیب دیدگی و حتی فروپاشی می‌شوند و با پدیده‌هایی از قبیل خاموشی‌های زمستان و تابستان مواجه خواهیم شد که به شدت صنعت برق و کشور را با چالش مواجه می‌کند. با توجه به شرایط سیاسی موجود و به‌ویژه انتخابات سال بعد، پیش‌بینی می‌شود که طبق روال معمول یک دهه اخیر صنعت برق در سال ۱۴۰۰ نیز از نظر شاخص‌های عملکردی و مالی با چالش بیشتری مواجه شود. حداکثر نیاز مصرف برق کشور در تابستان ۱۴۰۰ به حدود ۶۲۰۰۰ مگاوات می‌رسد و میزان فروش برق به حدود ۳۲۰۰۰۰ میلیون کیلووات‌ساعت بالغ خواهد شد. به علاوه با توجه به شرایط اقتصاد کشور در بخش مسکن، تعداد مشترکین برق جدید بیشتر از ۱۳۰۰۰۰۰ نخواهد شد و کماکان افزایش طول شبکه‌های توزیع برق حدود ۲۰۰۰۰ کیلومتر و افزایش طول شبکه‌های فوق توزیع و انتقال به حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مدار می‌رسد.

صفحه

۳۱

ستپان ۴

زمستان ۹۹، دوره جدید

میزان برق صادراتی کشور نیز در سال ۱۴۰۰ به حدود ۸۰۰۰ میلیون کیلووات‌ساعت می‌رسد و در شاخص‌هایی از قبیل تلفات برق و راندمان نیروگاه‌ها نیز تغییر زیادی حاصل نخواهد شد. پیش‌بینی‌ها حاکی از به مدار آمدن حداقل ۵۰۰ مگاوات ظرفیت جدید در بخش انرژی‌های نو می‌باشد و کماکان شدت مصرف انرژی افزایش می‌یابد. باتوجه به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور بعید به نظر می‌رسد که معجزه خاصی در شرایط مالی و اقتصادی صنعت برق ایجاد شود و اگر نرخ متوسط فروش برق با حداکثر ۲۰ درصد رشد مواجه شود، کماکان کسری بودجه تا ۱۵۰۰۰ میلیارد تومانی صنعت برق قابل پیش‌بینی است.

از طرفی دیگر با فرض عدم سرمایه‌گذاری مستقیم صنعت برق در بخش تولید، با توجه به ضرورت حداقل ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ میلیارد تومانی سرمایه گذاری مورد نیاز در بخش توزیع، فوق توزیع، انتقال و درآمدهای ناشی از فروش انشعاب، این بخش از صنعت برق نیز در نقدینگی طبق روال سنوات اخیر با کسری ۵۰ درصدی مواجه خواهد بود.

طی سال‌های اخیر کسری نقدینگی در صنعت برق به صورت رسمی نهاده‌ینه شده است. در حالی میزان بدهکاری صنعت برق قریب به ۴۰۰۰۰ میلیارد تومان اعلام می‌شود که سازوکارهای موجود در نظام تدوین تعرفه‌های برق و همچنین ساختار بهره‌وری در صنعت برق به هیچ عنوان فرمول و حتی کشش اجتماعی و سیاسی جبران کسری فوق را ندارد. از این رو مدیران ارشد صنعت برق برای اجرای طرح‌های حداقلی مورد نیاز، به رویکرد فاینانس و یا انجام پروژه به صورت EPCF و مدل‌های تامین مالی دیگر سوق پیدا کرده اند که در صورت وجود پیش‌بینی‌های مبتنی بر واقعیت اقتصاد برق کشور برای تامین منابع برگشت سرمایه، اقدامی بسیار پسندیده و منطقی است.

استفاده از پتانسیل‌های تعریف شده در ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید نیز یکی دیگر از ظرفیت‌های مورد توجه صنعت برق است و پیگیری‌ها و طرح‌های مختلف و متنوعی نیز تا کنون در این مورد ارائه شده که ظاهراً هنوز هیچ‌یک به نتیجه کاربردی نرسیده است.

در شرایط فعلی اقتصاد صنعت برق و شرایط اقتصادی کشور یکی از بهترین سازوکارهای برون‌رفت از تنگناهای موجود استفاده از پتانسیل‌های این ماده طلایی است که بخش خصوصی هم برای مشارکت در اجرای طرح‌های تعریف شده در این ماده قانونی، انگیزش و آمادگی لازم را دارد که برای تحقق آن نیاز است ابتدا مدل ذهنی مشترکی بین مدیران ارشد صنعت برق و مدیران بخش خصوصی در مورد چرایی و چگونگی‌ها تعریف و ایجاد شود و سپس رایزنی‌های برون‌بخشی صورت پذیرد.

یکی دیگر از ظرفیت‌های پنهان اقتصاد صنعت برق، لزوم تعریف ساختار تعرفه‌ای هوشمند مبتنی بر عملکرد و نتیجه‌گرا است که منجر به افزایش بهره‌وری نیز می‌شود. (تعریف تعرفه‌های برق شرطی) قیمت تمام شده برق آن هم از نوع بدون سوخت آن، با توجه به ساختار عوامل موثر در آن که عمدتاً نیروی انسانی است به طور طبیعی سالی حداقل ۱۰ درصد افزایش می‌یابد و با توجه به عقب افتادگی حدود ۳۰ درصدی قیمت تمام شده فعلی برق (بدون هزینه سوخت)، امکان جبران این کسری نقدینگی از طریق افزایش تعرفه‌ها در کوتاه مدت به هیچ عنوان قابل تصور نیست؛ لذا بهترین

مدل اعمال تعرفه‌های هوشمند برای اهداف و نتایج خاص است. در ساختار این مدل تعرفه، برای اهداف و نتایج مشخص و در زمان مشخص و با مدل مالی مشخص، تعرفه‌های اضافی اعمال می‌شود.

همانگونه که عنوان شد کسری نقدینگی صنعت برق به صورت بدهی به سایر بازیگران این صنعت منتقل می‌شود. به عبارتی دیگر بخش خصوصی تا ۵۰ درصد از پروژه‌های صنعت برق را تامین مالی رایگان می‌کند. در این میان بیشترین منفعت نصیب بانک‌ها می‌شود به علت اینکه در تمام مسیرها دارای عوارض قرص و محکمی هستند. ولی سایر بازیگران این صنعت، خصوصا بخش خصوصی به تدریج با انباشت بدهی‌های روزآمد در قبال مطالبات معوقی که ارزش اقتصادی به روز شده‌ای ندارند، به شدت متضرر شده و بالاجبار از گردونه اقتصاد برق خارج می‌شوند.

بدیهی است حل معادله صدمه‌جھولی اقتصاد برق که هر کدام از متغیرهای آن نیز به طور طاقت‌فرسایی به شرح فوق پیچیده است با سازوکارهای سنتی و جاری و دستوری امکان پذیر نیست و سازوکارهای مبتنی بر قوانین کسب وکار و به‌روز شده را طلب می‌کند. از حق نگذریم صنعت برق علیرغم همه شرایط فوق تاکنون توانسته در تامین برق مستمر مشترکین و خدمات‌دهی گسترده، به عنوان یکی از متغیرهای تاثیرگذار در توسعه کشور، بسیار خوب عمل کند و نمره خوبی بگیرد. ولی به قول معاون محترم وزیر نیرو امکان ادامه این روند نیست و باید طرحی نو در انداخت.

در سال ۱۴۰۰ به لحاظ شرایط خاص آن خصوصا در شش ماه اول، پیش‌بینی می‌شود هیچ‌گونه اصلاح و یا تغییر عمده‌ای در فرآیندهای منتهی به بهبود اقتصاد برق از قبیل منطقی کردن تعرفه‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی، رونق بیشتر کسب وکار بخش خصوصی و بالاخص گردش نقدینگی ایجاد نشود. ولی از شش ماهه دوم به بعد قطعاً اصلاحات و تغییرات قابل توجهی در ساختار اقتصاد برق کشور قابل پیش‌بینی است. نکته قابل توجه لزوم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای تامین نیاز مصرف سال ۱۴۰۰ است.

تعیین تکلیف منطقی و تشویقی نرخ خرید برق از تولیدکنندگان و یا متقاضیان احداث نیروگاه‌های تولید برق یکی دیگر از مباحثی است که امیدواریم در سال ۱۴۰۰ به آن پرداخته شود. در این میان ایجاد نهاد تنظیم‌گر بازار معاملات برق (رگولاتور) موضوعی است که در صورت تحقق، یک رونق مناسب و منطبق بر رقابت و بازار متعادل در خرید و فروش برق ایجاد می‌شود.

تدوین فرآیندهای تسهیل‌گرانه برای صادرات خدمات فنی و مهندسی، ایجاد بازار واقعی بهینه‌سازی مصرف، امکان صادرات برق توسط بخش خصوصی، حمایت هوشمندانه از تولید داخل، منطقی کردن نرخ برق، منطقی کردن تیپ قراردادهای جاری و توسعه مشارکت بخش خصوصی در ساختار صنعت برق برای سال ۱۴۰۰ در برون‌رفت این صنعت زیربنایی از شرایط سخت فعلی بسیار موثر است.

امیدوارم سال ۱۴۰۰ که با نماد گاو شناخته می‌شود و براساس تعالیم فنگ‌شویی، اغلب زمان رسیدن به موفقیت‌های درخشان برای کسانی است که صبر و بردباری در تحمل سختی‌ها پیشه کرده‌اند، برای صنعت زیربنایی برق نیز صدق کند و فقط شاخ گاو نصیب فعالان این صنعت نشود.●



منصور سعیدی | عضو علی‌البدل هیات مدیره سندیکا و مدیرعامل شرکت صانیر

راهکارهای دوازده‌گانه توسعه صادرات

اجرای برنامه های ۵ ساله توسعه و نوسازی زیرساخت های اقتصادی کشور از جمله زیرساخت های صنعت آب و برق طی سه دهه اخیر و به دنبال آن کاهش تدریجی نرخ رشد این بخش از صنعت، از یک طرف و از طرف دیگر محدودیت منابع مالی وزارت نیرو در سال های اخیر برای اجرای پروژه های مورد نیاز جدید و مضافاً بدهی سنگین وزارت نیرو به شرکتهای تولیدی و پیمانکاری صنعت برق و عدم تمایل آنها به حضور در پروژه های داخلی، مجموعاً نگاه سازندگان و پیمانکاران ایرانی این صنعت را از بازار داخل کشور به خارج و بازارهای صادراتی تغییر داده است.

این تغییر نگاه در حالی اتفاق افتاده که به دنبال کاهش ارزش پول ملی، تجهیزات برقی تولید ایران با داشتن کیفیت مناسب و دارای استاندارد و اینکه اغلب تجهیزات برقی ایران تحت لایسنس برندهای معتبر بین المللی بوده و هستند، از نظر قیمت میتوانند بشدت با کالاهای مشابه در عرصه بین المللی رقابت کرده و این فرصت طلایی (در عرف اقتصادی کاهش ارزش پول ملی به منزله بهشت صادرکنندگان تعبیر میشود) را برای تولید کنندگان داخلی فراهم کرده است. در چنین شرایطی آشنایی و آگاهی به برنامه های زیرساختی و شرایط و مسائل و قوانین و مقررات حاکم بر اجرای پروژه ها در کشورهای هدف صادراتی و اطلاع به روز از مناقصات جاری این کشورها از پیش نیازهای حضور فعال و رقابتی شرکت های ایرانی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی است.

در سال های اخیر، جمهوری اسلامی ایران با رویکرد توسعه گرا و افزایش صادرات غیر نفتی خصوصاً صادرات محصولات و تجهیزات و خدمات با ارزش افزوده، به بستر سازی در این زمینه پرداخته که هرچند در مراحل اولیه است، اما می تواند در تقویت صادرات غیر نفتی نقش آفرینی کند. در این رابطه با ایجاد معاونت دیپلماسی اقتصادی در وزارت امور خارجه بمنظور تسهیل فرایند توسعه و گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و بهسازی قدرت رقابتی فعالان اقتصادی بخش خصوصی و اطلاع رسانی شرایط اقتصادی این کشورها اتفاقی مبارک است. گرچه خدمات این واحد میتواند قدرت حضور و رقابت فعالان اقتصادی را در بازارهای صادراتی افزون کند، اما عدم همکاری های مورد نیاز و بستر سازی ها و روان سازی های کسب و کار صادراتی توسط واحدهای دیگری تواند فرایند رشد صادرات را متوقف سازد.

نگاه حاکم بر نهادهای صادراتی کشور طی بیش از یک قرن با نگاه و فرهنگ و قوانین و آئین نامه هایی با محوریت صادرات مواد اولیه خام و محصولات سنتی شکل گرفته و هم اکنون نیاز به تحولات بنیادین سریع اعم از سیاسی، اقتصادی و ساختاری و به روز دارد تا بتواند گام به گام همراه با ضوابط حاکم بر صادرات و تبادلات بین المللی تغییر یابد و به روز شود. ضرورت دارد تمامی این نهادها اعم از دولتی و غیردولتی و نهادهای قانون گذاری، بانکها، صندوق ضمانت صادرات، سازوکارهای دیگری را برای صادرات خدمات فنی و مهندسی تمهید کنند. متأسفانه آمار و اطلاعات نشان از آن دارد که صادرات خدمات فنی و مهندسی را جدی نگرفته ایم و این بی توجهی ها در تمامی ابعاد و زمینه هامیزان صادرات این بخش را که در آغاز دهه ۹۰ به ۴۰ کشور و با رقمی در حدود ۵ میلیارد دلار بوده، در پایان سال ۱۳۹۸ به رقمی در حدود ۵۰۰ میلیون دلار کاهش داده است.

براین اساس مزایا و مشکلات این حوزه از صادرات و نیازها و انتظارات از دولت به شرح زیر است:



صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی خصوصاً صادرات به کشورهای همسایه علاوه بر ارز آوری، به دلیل زیرساختی و زیربنایی بودن پروژه های این حوزه برای کشورهای هدف و پایش دائمی آنها میتواند به نوعی تحکیم روابط پایدار سیاسی و اقتصادی بین دو کشور و ایجاد امنیت برای ایران را رقم بزند و حضور کشورهایی را که به نوعی می توانند برای ایران عدم امنیت ایجاد کنند را در کشورهای همسایه کاهش دهد.



پایش دائمی اطلاعات کشورهای هدف در حوزه خدمات فنی و مهندسی یکی از مهمترین نیازهای فعالان صادراتی این بخش است. شرکتهای صادراتی باید از برنامه های سرمایه گذاری در زیرساختهای حوزه خدمات فنی و مهندسی در کشورها هدف بطور دائم و سیستماتیک اطلاع داشته باشند. در این رابطه شاهد تغییر نگاه وزارت امور خارجه به این مهم در سال های اخیر هستیم. ایجاد معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه با هدف تسهیل توسعه مناسبات اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور از طریق اطلاع رسانی شرایط و مسائل و ضوابط فعالیت اقتصادی در کشورهای هدف قدم مهمی است که در این راستا طی سال های اخیر برداشته شده و تجهیز سازمانی این نهاد از طریق حضور کارشناسان خبره اقتصادی و بازاریابی در سفارتخانه های مربوطه و تحلیل سیستمی ظرفیت بازار خدمات فنی و مهندسی کشور هدف و انتقال آن به نهادها و شرکت های بخش خصوصی کشور چشم انداز امید بخشی است که بوجود آمده است افزون بر این خدمات حضور کارشناسان حقوق بین الملل وزارت امور خارجه در زمان انعقاد قراردادها میتواند دامنه ریسک شرکت های ایرانی را که در حقیقت پیشانی اعتبار کشور هستند کاهش دهد. چنانکه در برخی از کشورهای هدف، خارج از عرف و تعهد قراردادی کارفرمایان ضمانتنامه ها را ضبط و یا جریمه های ظالمانه ای را به پیمانکاران ایرانی تحمیل می کنند.

کمسیون های مشترک اقتصادی و اتاق های مشترک بازرگانی محل و محمل با اهمیتی برای کسب و انتقال اطلاعات به فعالین بخش خصوصی و انعکاس مشکلات و موانع اجرای کار در کشورهای هدف از جانب بخش خصوصی به جلسات این کمیسیونها در جهت رفع آن است.

میزها و ستادهای مشترک ایران با برخی کشورها مانند ستاد مشترک ایران با کشورهای سوریه و عراق از جمله ستادهای حیاتی برای حمایت و رفع مشکلات و موانعی است که برای پروژه های جاری و خاتمه یافته در این کشورها بوجود آمده است. و اغلب این مشکلات خارج از تعهدات قراردادی پیمانکاران و ناشی از غیر عرفی بودن ضوابط در این کشورها است.

نقل و انتقال وجوه حاصل از اجرای قرارداد در کشور محل اجرای پروژه به ایران و یا سایر کشورهایی که پیمانکار در آنجا پروژه در دست اقدام دارد عمدتاً به دلیل تحریم، بصورت غیر رسمی و از طریق صرافی ها و دلال های نامعتبر انجام میشود که هزینه نقل و انتقال سنگین و احتمال حیف و میل وجوه را به دنبال دارد. در این رابطه ضرورت دارد که نهادهای ذیربط ایران برای جایگزینی این واسطه ها چاره اندیشی کنند و با وجوه دولتی بلوکه شده دولت ایران در برخی کشورها با سازکارهایی که باید تمهید شود بتواند ابعاد این مشکل را کاهش دهد.

حمایت ستادهای ذیربط دولتی از شرکت های مجری پروژه های خدمات فنی و مهندسی در کشورهای هدف در زمانی که کارفرمایان خودسرانه و خارج از تعهدات قراردادی پیمانکار، جریمه های سنگینی را به پیمانکار تحمیل و یا گاهی اوقات پیمانکار را خلع ید می کنند از مواردی است که نیاز به حضور نهادهای دولتی دارد. به جد میتوان گفت که حمایتی که نهادهای دولتی برخی از کشورهای صادرکننده خدمات فنی و مهندسی مانند ترکیه از بخش خصوصی خود می کند در توسعه خدمات فنی و مهندسی این کشورها نقشی اساسی داشته است.

نهادهای دولتی باید این واقعیت را بپذیرند که بخش خصوصی، رقیب دولت نیست و باید با هماهنگی یکدیگر در فعالیتهای اقتصادی کشورهای هدف حضور یابند. بصورت مکمل، یکدیگر را حمایت و کمک نمایند دولت میتواند قدرت رقابتی شرکت های ایرانی در مناقصات بین المللی را بطرق مختلف و مشخصا برقراری مجدد جایزه صادراتی، تسهیل صدور ضمانت نامه های مختلف به نام شرکت های صادرکننده از جمله کاهش کارمزد و سپرده اینگونه ضمانتنامه ها حمایت کند.

در سالهای اخیر اکثر مناقصات بین المللی در کشورهای عقب مانده و یا در حال توسعه بصورت EPCF (همراه با فاینانس) برگزار میشود. در شرایط سخت تحریم و عدم تمایل موسسات تامین مالی بین المللی (فاینانسر ها) به همکاری مشترک با شرکتهای ایرانی برای حضور در چنین مناقصاتی از موانع مهم و تعیین کننده در عدم امکان حضور شرکتهای ایرانی در مناقصات است. جا دارد که دولت با افزایش قدرت مالی (افزایش سرمایه) بانکهای صادراتی (بانک توسعه صادرات) و یا صندوق ضمانت صادرات باعث شود این موسسات بعنوان فاینانسر همراه شرکتهای ایرانی در مناقصات بین المللی حضور یابند.

دولت باید توجه کند که تدریجاً درآمدهای نفتی و جایگاه نفت در تامین انرژی به دلیل پیشرفت دانش فنی و جایگزینی انرژی های نو کاهش خواهد یافت. در چنین شرایطی صادرات تجهیزات، محصولات و خدمات با ارزش افزوده بالا و در قالب صادرات خدمات فنی و مهندسی با اولویت ترین جایگزین درآمدهای نفتی است که منتج به افزایش تولید و اشتغال، بهبود کیفیت و رقابتی شدن محصولات داخلی و توسعه پایدار ناشی از درآمدهای غیرنفتی حاصل این تغییرنگرش دولت خواهد بود.

بانک ها و نهادهای صادراتی میتوانند نقش تعیین کننده در رشد صادرات خدمات فنی و مهندسی داشته باشند، اولین مرحله برای حضور در مناقصات، اخذ ضمانت شرکت در مناقصه است که ضرورت دارد بانک مرکزی تمهیداتی فراهم آورد و راهکارهایی طراحی شود که شرکتهای صادراتی به دلیل چک برگشتی و یا تسهیلات استمهال نشده (علیرغم حقانیت بانک در این موارد) از اخذ ضمانت شرکت در مناقصات جا نمانند. در شرایط جاری حاکم بر بازار کسب و کار کمتر شرکت و موسسه ای را میتوان سراغ گرفت که مشکلات بانکی شبیه چک برگشتی نداشته باشد و در صورتیکه راهکاری برای رفع این مانع در صدور ضمانت ها اندیشیده نشود، حضور شرکتها در مناقصات بین المللی کمزنگ و رکود حاکم تشدید خواهد شد.

حضور نمایندگان شرکت های صادراتی در اعزام هیات های اقتصادی به کشورهای مختلف میتواند کارآفرینان، تولیدکنندگان و صادرکنندگان را به دنیای کسب و کار خارج آشنا کند. ضرورت دارد نهادهای ذیربط دولتی، هماهنگی و اطلاع رسانی لازم را از مسیرتشکل های صادراتی برای حضور شرکت های ایرانی در این کمیسیون ها فراهم کند.

در رابطه با حمایت دولت از شرکت های صادراتی بعنوان نمونه شرکت صابیر در سال ۲۰۱۴ در رقابتی تنکاتنگ با شرکتهای اروپایی و آسیایی در ۱۴ مناقصه برگزار شده در کشور عراق حضور یافته و حائزرتبه اول (عمدتاً) تا سوم شد. از آن زمان تاکنون هیچیک از مناقصات به بهانه عدم بودجه از طرف وزارت نیروی عراق به این شرکت ابلاغ نشد. جادارد که دولت محترم در خطوط اعتباری که برای چنین کشورهایی می گذارد واگذاری چنین پروژه هایی را به شرکت برنده ایرانی بعنوان یکی از شروط اعطای خط اعتباری لحاظ کند.



نگاهی ویژه
به دستاوردهای سندیکا
در حوزه تامین اجتماعی



سازمان تامین اجتماعی

گامی به

پیش

یکی از مشکلاتی که فعالان صنعت برق در کنار چالش‌های پرتعداد ناشی از اقتصاد نابسامان برق و نظام ناکارآمد حقوقی و قراردادهای این صنعت با آن دست به گریبان بوده اند، مساله بیمه قراردادهای پیمانی است. در حقیقت تعدد بخشنامه های سازمان تامین اجتماعی و نیز مبهم و قابل تفسیر بودن آنها در کنار ناآگاهی دو طرف نسبت به ضوابط و شرایط یکدیگر، تعیین حق بیمه قراردادهای پیمانی را به یک چالش جدی و هزینه ساز برای شرکت های فعال صنعت برق کشور تبدیل کرده بود. لذا پیگیری برای حل این مساله از سال ۱۳۹۷ در دستور کار سندیکا قرار گرفت. مشارکت سندیکای صنعت برق ایران با اتاق های بازرگانی ایران و تهران و برخی از تشکلهای فعال کارفرمایی، در نهایت به برگزاری نشستهای منظمی با سازمان تامین اجتماعی به منظور بررسی بخشنامه های مرتبط و رفع ابهامات و نقصانهای آن بود. تلاش و مشارکت بی سابقه و فرابخشی تشکلهای بخش خصوصی در کنار همراهی سازمان تامین اجتماعی به تدوین تلخیص و تنقیح بخشنامه حق بیمه مقاطعه کاران منجر شد که به گفته کارشناسان به نوعی شابلون بیمه ای قراردادهای محسوب شده و می تواند از تفسیرها و اعمال سلیقه های نادرست جلوگیری کرده و تا حدی دو طرف را به یک درک مشترک از شرایط برساند. در این مسیر مشارکت مستمر، جدی و موثر سندیکا در تدوین این بخشنامه که به تایید تشکلهای و سازمان تامین اجتماعی رسیده و به زودی ابلاغ خواهد شد، این اقدام را به یکی از دستاوردهای سندیکای صنعت برق ایران تبدیل کرده است.

با شرط اجرای صحیح بخشنامه در شعب؛

واکاوی تجربه موفق بخش خصوصی و تامین اجتماعی



طیبه‌سادات میرحسینی | روزنامه نگار

صفحه

۴۰ | **ستبران ۴** | زمستان ۹۹، دوره جدید

و مدیریت تضارب آراء توانستند با یک نظر واحد، منافع کلان همه این بخش ها را به درستی تامین کنند. نتیجه این رویکرد، حذف بخشنامه های متعدد و متمرکز کردن آنها بر روی یک بخشنامه واحد است که کلیات آن مورد تایید بخش خصوصی است.

البته رضا اردکانیان، وزیر نیرو هم به تازگی و در روزهای پایانی بهمن ماه طی نامه ای به دکتر شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ضمن اشاره به ضرورت بازنگری ضوابط بیمه پیمانکاری صنعت برق و رفع برخی از ابهامات مندرج در بخشنامه شماره ۱۴/۵ درآمد مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۸ سازمان تامین اجتماعی، عنوان کرده بود: «با توجه به ضرورت بازنگری این بخشنامه، تعیین راهکارهای بهبود آنها در قالب جلسات مشترک کارشناسی با همکاران سازمان تامین اجتماعی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، سندیکای صنعت برق و شرکت توانیر، صورت پذیرفت، لیکن پس از پایان جلسات فوق، پیش نویس بخشنامه تنقیح و تلخیص حق بیمه مقاطعه کاران بدون لحاظ نظر نمایندگان صنعت برق تدوین گردید.»

وزیر نیرو در بخش دیگری از این نامه که رونوشت آن برای رییس سازمان برنامه و بودجه و معاون حقوقی رییس جمهور هم ارسال شده، تاکید کرده بود: «در این خصوص بازنگری و یکسان سازی ضوابط بیمه قراردادهای عمرانی و غیرعمرانی صنعت برق، با اعمال ضرایب مشخص به بخش اجرایی قراردادهای EPC و PC (شامل طراحی، اجرا، نصب، آزمون و حمل) براساس آنالیز کارسنجی فهارس بهای پایه رسته نیرو ابلاغی سازمان برنامه و بودجه کشور مورد تاکید است.»

اردکانیان در پایان این نامه از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواسته بود که پیش از تصویب و ابلاغ بخشنامه جدید، هماهنگی های لازم به منظور بررسی موارد فوق الذکر با حضور نمایندگان مطلع وزارت نیرو صورت گیرد.

نکته بسیار مهم در این نامه ایجاد حساسیت در خصوص موضوعی است که بیشترین آسیب را به بخش خصوصی وارد می کند. ورود وزارت نیرو برای اعمال نظر بخش کارفرمایی صنعت برق در بخشنامه تلخیص و تنقیح نه تنها به تکمیل پروسه مشارکت ها و اثربخشی های تعاملات مستمر منجر می شود، بلکه می تواند در قالب همین اعمال نظرها منافع کلان صنعت برق در بخش های دولتی و خصوصی را نیز تامین کند.

تجربه سندیکا در خصوص یکپارچه سازی بخشنامه های تامین اجتماعی از دو جهت یک تجربه موفق و ارزشمند است. از یک سوا این اقدام در قالب مشارکتی بی نظیر در همه بخش ها اعم از تشکل های بخش خصوصی، دولت و سازمان تامین اجتماعی شکل گرفت و از سوی دیگر حاصل آن می تواند حداقل بخشی از بلا تکلیفی ها و ابهامات در حوزه حق بیمه قراردادها را رفع کرده و فضا را برای فعالیت شرکت های سازنده، پیمانکار و مشاور تا اندازه ای مساعدتر کند. اگرچه وزارت نیرو خیلی دیر به موضوع عکس العمل نشان داد ولی امیدوار هستیم ورود وزارت نیرو با همراهی سازمان تامین اجتماعی و در عمل پاسخ داده شود. آنچه مسلم است بایستی وزیر محترم نیرو شخصا این موضوع را با وزیر کار و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی ریل گذاری نماید و گرنه بعید است تغییری حاصل گردد و از این عدم توفیق، قطعاً در ابتدا بخش خصوصی و در ادامه دولت متضرر خواهد شد. به علاوه این دستاورد زمانی موثر واقع خواهد شد که شعب تامین اجتماعی در اجرای درست و دقیق آن اهتمام ورزند. •

فعالان صنعت برق در کنار چالش های پرتعداد ناشی از ساختارهای اقتصادی و حقوقی صنعت برق، با مشکلات عمومی حاکم بر فضای کسب و کار کشور هم دست به گریبان هستند. شرکت های سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین کننده این صنعت هم مانند فعالان سایر بخش های اقتصادی کشور، در حوزه بیمه تامین اجتماعی، مالیات، گمرک و سیستم بانکی با مشکلات عدیده ای مواجهند که عمدتاً برآمده از رویکردهای سیاست های کلان اقتصادی است.

در این میان یکی از مسائلی که در طول دو سال اخیر به صورت جدی از سوی سندیکای صنعت برق ایران پیگیری شد و تا اندازه ای به نتیجه رسید، مساله شرکت های فعال این صنعت با بخشنامه های متعدد و گاهی مبهم سازمان تامین اجتماعی در خصوص قراردادهای پیمانی بود. این اقدام که طرح و بررسی ابتدایی آن طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ در کارگروه ارتقاء پیمانکاران، مشاوران و کارفرمایان شرکت توانیر و با دبیری برق منطقه ای اصفهان آغاز شده بود، به صورت جدی در ماه های پایانی سال ۹۷ در اتاق تهران، در دستور کار قرار گرفت.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در مسیر پیگیری موضوع حل مساله حق بیمه پیمان های قراردادی از دوم بهمن ماه ۱۳۹۷ با مشارکت تعدادی از تشکل های فعال حوزه کارفرمایی بررسی مشکلات و تدوین راهکارهای عملیاتی برای بخشنامه های حوزه پیمان ها را آغاز کرد.

پس از آن اولین نشست مشترک نمایندگان بخش خصوصی با تامین اجتماعی در نیمه اول اردیبهشت ماه ۹۸ برگزار شد. این جلسات تا بهمن ماه سال جاری ادامه یافت و در نهایت به یکپارچه سازی و اصلاح بخشنامه های سازمان تامین اجتماعی و تدوین بخشنامه تلخیص و تنقیح منجر شد. در این مسیر البته توانیر هم به نمایندگی از شرکت های کارفرمایی مشارکت ارزشمندی با تامین اجتماعی و سندیکا داشت. ایده مشارکت توانیر اوایل خرداد ۹۸ توسط مدیرکل دفتر بررسی های فنی بازرگانی، قراردادها و پشتیبانی توانیر مطرح و حضور این ارگان از اواسط همین ماه در جلسات و پیگیری ها قطعی شد.

در نهایت اولین جلسه بخشنامه تنقیح و تلخیص شهریور ماه سال جاری برگزار و تا روزهای پایانی سال نسخه نهایی به تایید طرفین رسید. مساله بسیار کلیدی و مثبتی که در تجربه پیگیری های سندیکا در حوزه تامین اجتماعی اهمیتی کلیدی دارد این است که سازمان تامین اجتماعی در یک فضای مساعد امکان گفتگو و تعامل با بخش خصوصی را فراهم کرد و در نهایت دو طرف در ساختاری تعریف شده و عقلایی به یک درک مناسب از شرایط یکدیگر رسیدند. واقعیت این است که تا پیش از این اقدامات دو ساله، سازمان تعاملی با این کیفیت و تاثیرگذاری با بخش خصوصی نداشت. به علاوه در قالب همین تعامل سازنده هم بخشنامه جدید به جای اینکه به یک ابهام تازه در قراردادها تبدیل شود، زمینه را برای شفاف شدن و تثبیت ضرایب حق بیمه پیمان های قراردادی فراهم می کند. البته بدون تردید نمی توان از این مساله چشم پوشید که ضرایبی که سازمان تامین اجتماعی در نظر گرفته، نسبت به سطح معقول آن، بالاتر است و این امر به افزایش قیمت تمام شده کالا و خدمات صنایع مرتبط از جمله برق منجر خواهد شد.

نکته بسیار مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت، شکل تعامل و همکاری تشکل های مختلف بخش خصوصی برای به نتیجه رساندن موضوع بخشنامه تلخیص و تنقیح و اتحاد ایجاد شده در بین آنها بود. در حقیقت بیش از ۵ تشکل به نمایندگی از اصناف و صنایع مختلف با تجمیع نظرات



مقصودآرویش | معاون سابق پیمان اداره کل وصول حق بیمه سازمان تامین اجتماعی

دستِ همکاری؛ تامین اجتماعی، بخش خصوصی

مسئله تعیین حق بیمه قراردادهای مقاطعه‌کاری، تعدد بخشنامه‌های سازمان تامین اجتماعی در این حوزه و نیز ساختار قابل تفسیر و پرابهام این بخشنامه‌ها سال‌هاست به عنوان یکی از مهمترین مشکلات فعالان صنعت برق مطرح می‌شود.

به همین دلیل سندیکا پیگیری برای یکپارچه‌سازی بخشنامه‌های سازمان تامین اجتماعی را در دستور کار خود قرار داد. این اقدام که با همکاری و مشارکت جدی اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران و برخی از تشکل‌های حوزه احداث پیگیری شد، در نهایت به تدوین بخشنامه تلخیص و تنقیح حق بیمه مقاطعه‌کاران منجر شد که در مرحله صدور و ابلاغ قرار دارد.

«مقصود آرویش» معاون سابق پیمان اداره کل وصول حق بیمه سازمان تامین اجتماعی که به نمایندگی از این سازمان تا مراحل پایانی تدوین بخشنامه، به شکلی تأثیرگذار با بخش خصوصی همراهی کرد و تلاش بسیاری را صرف تدوین این بخشنامه نمود، در گفتگوی اختصاصی با ستبران، نبود درک متقابل بین فعالان اقتصادی و سازمان تامین اجتماعی و نیز عدم آشنایی کافی مقاطعه‌کاران از بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی را به عنوان اصلی‌ترین مشکلات این حوزه یاد کرده و اظهار امیدواری می‌کند که با ابلاغ بخشنامه تلخیص و تنقیح، بخش قابل توجهی از مشکلات جاری پیمانکاران صنعت برق حل شود. حاصل این گفتگو را می‌خوانید:

-
-
-
-
-
-
-
-
-
-

با توجه به اینکه برخی از تشکل‌های بخش خصوصی با راهبری اتاق بازرگانی تهران، موضوع تلخیص و تنقیح بخشنامه حق بیمه مقاطعه‌کاران را پیگیری کردند و در بخش اعظم این پیگیری‌ها، جنابعالی به عنوان یکی از نمایندگان سازمان همکاری قابل توجهی با بخش خصوصی داشتید، ابتدا این مساله را بررسی کنیم که این اقدام تا چه حد چالش‌ها و مشکلات فی‌مابین بخش خصوصی و سازمان تامین اجتماعی را در خصوص حق بیمه کارکنان شاغل در قراردادهای حل خواهد کرد؟

به نظر می‌رسد برداشت‌های سلیقه‌ای از بخشنامه ۱۴،۵ سازمان به عنوان یکی از مهمترین بخشنامه‌ها در حوزه قراردادهای صنعت برق، اصلی‌ترین چالش فعالان این حوزه بوده است؟

پیرو مباحثی که در جلسات کارگروه مشترک بررسی بخشنامه اتخاذ گردید، مقرر شد که برای قراردادهای شرکت‌های ملی نفت و گاز ایران، توانیر، برق منطقه‌ای، آب و فاضلاب، مخابرات ایران و شرکت‌های تابعه که با مقاطعه کاران بصورت PC /EPC منعقد می‌شود، نرخ مقطوع حق بیمه در نظر گرفته شود. با توجه به مذاکرات صورت گرفته پیشنهاد اخذ مصوبه از مراجع قانونی مربوطه به میزان ثابت ۴،۵ درصد نسبت به ناخالص کارکرد از طرف سازمان تامین اجتماعی ارسال شد. استحضار دارید این پیشنهاد در راستای ماده ۴۱ قانون تامین اجتماعی صورت گرفته است و با توجه به نرخ حق بیمه موضوع ماده ۲۸ در واقع تقریباً ۱۷ درصد کارکرد به صورت مقطوع به عنوان دستمزد کارکنان قرارداد لحاظ شده و ۸۳ درصد از کل کارکرد نیز بابت خرید تجهیزات خارجی و داخلی پروژه، مصالح مصرفی، کارکرد ماشین‌آلات، سود پیمانکار و خواب سرمایه از محاسبه حق بیمه معاف شده است، که در صورت اخذ مصوبه رویه‌های فعلی مطابق بخشنامه ۱۴،۵ بطور کامل تغییر پیدا کرده و کنار گذاشته خواهد شد.

با ابلاغ بخشنامه تلخیص و تنقیح، قطعاً اعمال سلیقه‌ها ناشی از برداشت‌های متفاوت توسط کارشناسان کاهش خواهد یافت و به لحاظ اینکه ناخالص کارکرد پیمان ملاک محاسبه حق بیمه و براساس موضوع و تعهدات طرفین در قرارداد ضریب حق بیمه تعیین خواهد شد، فرآیند مربوطه شفاف شده و صدور مفاصاحساب نیز که اخیراً توسط سازمان به صورت مکانیزه طراحی شده و صادر می‌شود در اسرع وقت فراهم خواهد شد و به نظر دیگر نیاز به مکاتبات مکرر بین سازمان و واگذارندگان کار نخواهد بود چرا که با ابلاغ بخشنامه تلخیص و تنقیح حق بیمه مقاطعه‌کاران، بخشنامه ۱۴،۵ به طور کامل کنار گذاشته می‌شود. البته ضوابط اعلام شده در حوزه پروژه‌های غیر عمرانی شرکت توانیر و برق‌های منطقه‌ای قابل اعمال هست و فعالان صنعت برق مساله حق بیمه قراردادهای حوزه توزیع را باید به صورت جداگانه پیگیری کنند.

بله؛ هر چند این بخشنامه با مشارکت فعالان حوزه صنعت برق و در راستای مساعدت بیشتر به این بخش تهیه شده بود، اما متأسفانه در اجرا به مشکل برخورد به همین دلیل کارگروهی که با مشارکت اتاق بازرگانی تهران، توانیر، سندیکای برق و اداره کل وصول حق بیمه سازمان بیش از یک سال پیش تشکیل شد، موضوع مشکلات اجرایی بخشنامه ۱۴/۵ و دلایل عدم پذیرش گواهی‌های واگذارندگان کار توسط شعب سازمان و ارائه الگوی مناسب حق بیمه را نیز در دستور کار قرار دادیم تا راهکار قانونی مشخصی برای آن ارائه کنیم. به این ترتیب بر مبنای بررسی‌های صورت گرفته و نیز اخذ فهرست تجهیزات برقی از شرکت توانیر، پیش نویس بخشنامه‌ای نیز تهیه و مشکلات ناشی از عنوان «کلید در دست» در بخشنامه ۱۴،۵ مرتفع و برای قراردادهای حوزه توزیع نیز در چارچوب بخشنامه‌ای که در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ ابلاغ شده بود با اصلاحاتی راهکار مناسبی ارایه شد که بنظر من، چون که این بخشنامه با مشارکت همه طرف‌های ذی نفع تهیه شده بود می‌توانست بسیاری از مشکلات فعلی پیمانکاران حوزه برق با شعب سازمان را برطرف کند که متأسفانه بدلیل تغییرات مدیریتی که اتفاق افتاد و متعاقب آن مطرح شدن بخشنامه تلخیص و تنقیح قبل از صدور بخشنامه تهیه شده، منجر به این شد که پیشنهاد جدید برای اخذ مصوبه ارائه شود و به نظر می‌رسد موضوع قراردادهای شرکت‌های توزیع در تنقیح لحاظ نشده و کماکان نیاز به پیگیری از طریق سندیکا وجود دارد.

افزایش حق بیمه قراردادهای پیمانی در قالب بخشنامه تلخیص و تنقیح آیا امتیازاتی هم برای بخش خصوصی دارد؟

نکته بسیار مهمی که در خصوص پیشنهاد ارائه شده وجود دارد نرخ مقطوع حق بیمه همانند قراردادهای طرح‌های عمرانی هست فلذا مقاطعه کاران برآورد دقیقی از میزان هزینه حق بیمه قراردادهای پیمانکاری خود دارند و برای نهایی کردن این حق بیمه نیازی به مراجعه دائمی به هیات‌های تشخیص مطالبات بدوی و تجدید نظر و در نهایت دیوان عدالت اداری ندارند؛ بنابراین اصلی‌ترین امتیازی که برای این موضوع می‌توان برای هردو طرف قائل شد، تسهیل و تسریع ارتباط بین ذینفعان در قالب بخشنامه‌ای شفاف و غیرقابل تفسیر و اعمال سلیقه است. پیش از این از مرحله تعیین تا پرداخت حق بیمه پروسه‌ای بود که به دلیل مراجعات متعدد به هیات‌های تشخیص و دیوان گاه‌تا دو سال هم به طول می‌انجامید. در این مدت نه تنها پول پیمانکار نزد کارفرما باقی می‌ماند و گاهی با مساله مسدود شدن حساب‌های بانکی اش مواجه می‌شد و سازمان تامین اجتماعی هم نمی‌توانست در موعد مقرر درآمدهای خود را وصول کند و به نوعی برای هردو طرف هزینه‌هایی را تحمیل می‌کرد که مناسب نیست و انتظار داریم با ابلاغ بخشنامه، پیمانکاران بتوانند مفاصا حساب قراردادهای خود را حتی ظرف مدت یک هفته کاری اخذ کرده و مطالباتشان را از کارفرما دریافت کنند.

بله؛ متأسفانه کاملاً درست است. دید حمایتی که در قانونگذار و دولت نسبت به سازمان وجود دارد این قضیه را در سنوات اخیر بیشتر دامن زده است. در ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی نرخ حق بیمه مشخص شده و در قبال آن نیز در ماده ۳ همان قانون تعهداتی که سازمان تامین اجتماعی بایستی به بیمه پردازان خود ارائه کند، معین شده است و شرایط قانونی احراز نیز برای برخورداری از این مزایا اعم از شرط سنی و ... تعریف شده، با اینحال وقتی قسمتی از حق بیمه از قشری از بیمه پردازان وصول نمی‌شود و یا با شرایط احراز بازی می‌شود قطعاً محاسبات و معادلات بیمه‌ای به هم می‌خورد و تامین منابع برای پرداخت تعهدات قانونی با مشکل مواجه می‌شود. استحضار دارید، سازمان تأمین اجتماعی تحت نظریک شورای عالی با حضور نمایندگان کارفرما، کارگر، دولت و سازمان اداره می‌شد که ترکیبی کاملاً متفاوت از هیات امنای کنونی سازمان داشت، اما از زمان دولت نهم شکل اداره سازمان از شورای عالی به هیات امنّا تغییر کرد. به این ترتیب تناسب در راس سازمان به هم خورد و سهم نمایندگان دولت در هسته اصلی سیاستگذاری بیشتر شد.

البته این مساله مطرح شده که باز هم کار با احیاء مجدد شورای عالی تامین اجتماعی و حذف هیات امنّا ادامه یابد، اما مساله‌ای که حائز اهمیت است این است که سازمان تامین اجتماعی با وجود مطالبات چند ده هزار میلیارد تومانی از دولت و نیز تعهدات گسترده‌ای که بدون پشتوانه مالی مشخصی ایجاد شده، قادر نیست بدون حمایت و کمک دولت به این تعهدات عمل کند؛ لذا به نظر می‌رسد صلاح کار در این است که حداقل تا زمانی که قوانین حمایتی اصلاح نشده و دولت بدهی خود به سازمان را پرداخت نکرده، تامین اجتماعی با همین ترکیب هیات امنایی اداره و دولت مکلف به حمایت شود. چرا که تغییر این ساختار ممکن است زمینه را برای شانه خالی کردن دولت از مشارکت در انجام تعهداتی که ایجاد شده، فراهم کند.

پیش از هر چیز تاکید می‌کنم که مبهم و قابل تفسیر بودن بخشنامه‌های سازمان هرگز موضوعی نبوده که مدیران تامین اجتماعی در هر سطحی از آن استقبال کرده و یا آن را یک ابزار مناسب برای افزایش سطح درآمدها بدانند. نکته اینجاست که حتی در خصوص بخشنامه‌ای مانند ۱۴/۵ که ابهامات زیادی داشت و برای پیمانکاران مشکلات جدی ایجاد کرده بود هم کار با

اجرایی شدن بخشنامه تلخیص و تنقیح حق بیمه مقاطعه‌کاران را تا چه حد در رفع مشکلات جاری پیمانکاران با سازمان تامین اجتماعی موثر می‌دانید؟

به نظر می‌رسد پیمانکاران در خصوص حق بیمه پروژه‌های عمرانی هم به دلیل بدعهدی کارفرما با نشان با مشکل مواجه شده‌اند. اینطور نیست؟

مشارکت بخش خصوصی انجام شده بود و احتمالاً به دلیل عدم اشراف دو طرف به نیازها و الزامات صدور این بخشنامه، دچار ابهامات زیاد شده بود؛ لذا از دیدگاه من مهمترین مساله‌ای که در خصوص مشکلات فی‌مابین سازمان تامین اجتماعی مطرح است، عدم اشراف و آگاهی کامل دو طرف نسبت به مسائل همدیگراست. علی‌ایحال اکنون هم الزامات قانونی وجود دارد که برای تدوین دستورالعمل‌های اجرایی نظرات تخصصی تشکل‌های صنف مربوطه حتماً اخذ و از نظرات کارشناسی آنان استفاده شود و هم خوشبختانه این دیدگاه در مدیران و کارشناسان سازمان نیز وجود دارد تا بخشنامه‌ای که صادر می‌گردد کامل و جامع باشد و در اجرا با مشکل مواجه نشود و امید است طرفین از این فرصتی که ایجاد شده به نحو مطلوب و سازنده بهره‌مند شوند.

گلایه‌ای که فعالان اقتصادی همواره داشتند تعدد بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌های اجرایی و رویه‌های داخلی و عدم اطلاع آنان از مفاد آن‌ها بود. فلذا همه آن‌ها در قالب بخشنامه تلخیص و تنقیح گردآوری، اصلاح و جمع‌بندی شده است و تلاش شده در این بخشنامه همه مواردی که ابهام داشته و در اجرا قابل تفسیر بوده را احصا و شفاف‌سازی کنیم و قطعاً بعد از صدور در اختیار عموم قرار خواهد گرفت همچنانکه تمامی بخشنامه‌هایی که قالب تنقیح صادر شده جهت بهره‌برداری عموم در سایت معاونت بیمه‌ای سازمان قرار داده شده است.

بله متأسفانه طی چند سال اخیر ذیحسابی‌ها به دلیل کمبود منابع مالی و علیرغم اینکه پروژه به اتمام رسیده و پیمانکار صورت وضعیت را تحویل کارفرما نموده و لیست کارکنان خود را نیز به سازمان ارائه داده، حق بیمه را برغم اینکه قسمت عمده آن مربوط به دولت است پرداخت نمی‌کنند و این مساله صدور مفاصا حساب برای پیمانکاران طرح‌های عمرانی را به تعویق انداخته و گاه‌آ منجر به جریمه آنان می‌شد.

البته توافقی بین سازمان و وزارت اقتصاد صورت گرفت که به جای وجه نقد، سازمان اسناد خزانه اسلامی را بابت حق بیمه طرح‌های عمرانی قبول کرد؛ بنابراین عمده مشکل حل و فصل شده و پیمانکاران فوق هم می‌توانند لیست کارکنان خود را برای برخورداری از مزایای قانونی ارائه کنند و هم مفاصا حساب خود را به موقع و بدون پرداخت جریمه از سازمان دریافت دارند.

تشکل‌ها بیشترین نقش را در حل این مشکل دارند، چرا که آن‌ها به واسطه دسترسی گسترده به فعالان صنعتی و همچنین ابزارهایی که در اختیار دارند، می‌توانند اطلاع‌رسانی‌های مربوط به بخشنامه و ظرفیت‌ها و روش اجرایی آن را به اعضای خود انجام دهند. البته این آگاهی بخشی باید در سطح کارشناسان تامین اجتماعی هم به درستی انجام شود، اما به هر حال آشنایی پیمانکاران با این بخشنامه می‌تواند برای آن‌ها کارساز واقع شده و جلوی هرگونه تفسیر یا اجرای نادرست را بگیرد.●

صفحه

صفحه

قدم‌ها ای بلند

میزگردی تحلیلی درباره
چالش‌های تامین اجتماعی

بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مبهم و غیرشفاف سازمان تامین اجتماعی در مسیر فعالیت بخش خصوصی چالش‌ها و مشکلات زیادی ایجاد کرده و حتی در برخی موارد منجر به تعطیلی و واگذاری برخی بنگاه‌های اقتصادی شده است. بخش خصوصی طی چند سال اخیر با احصاء و شناسایی این چالش‌ها در صدد شفاف‌سازی و رفع این مشکلات بوده و در برخی موارد به نتایج خوبی هم رسیده است. نتایجی که حاصل همفکری، همکاری و هم‌صدایی بخش خصوصی است. نمونه این مورد بخشنامه تنقیح و تلخیص مقاطعه‌کاران است که اخیراً در روند بررسی اصلاح شده و قرار است به زودی تصویب و ابلاغ شود. در میزگردی که با حضور:

«اصغر آهنی‌ها» نایب رئیس کمیسیون مالیات، کار و تامین اجتماعی اتاق ایران، «محمد تکی» کارشناس ارشد حقوقی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران، «مسعود سعادت» عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران و «مهدی مسائلی» عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

به تشریح روند بررسی چالش‌های بخش خصوصی با سازمان تامین اجتماعی و نتایج به دست آمده از جلسات برگزار شده و تاثیر آن بر فعالیت شرکت‌ها پرداخته‌ایم. مشروح این میزگرد را در ادامه می‌خوانید.

ستبران: روند پیگیری‌های بخش خصوصی درباره بخشنامه‌های سازمان تامین اجتماعی از چه زمانی و چرا در دستور کار قرار گرفته است؟ با نهایي شدن اصلاحات بخشنامه تنقیح و تلخیص مقاطعه‌کاران چه میزان از انتظارات بخش خصوصی برآورده می‌شود؟



اصغر آهنی‌ها

پیگیری مشکلات بخش خصوصی با سازمان تامین اجتماعی با هدف شفاف‌سازی بخشنامه‌ها و روشن شدن زوایای آن از سوی اتاق‌های ایران، اصناف و تعاون کانون عالی کارفرمایان و همچنین نمایندگان تشکلهای بخش خصوصی در چند سال اخیر با طرح مسائل در جلسات مشترک با تامین اجتماعی آغاز شده است. تنقیح و تلخیص بخشنامه مقاطعه‌کاران که اخیراً در حال نهایی شدن است و به زودی ابلاغ خواهد شد، نتیجه پیگیری‌های مستمری است که در راستای یکپارچه‌سازی و شفافیت بخشنامه‌ها صورت گرفته و قطعاً در حل مشکلات مقاطعه‌کاران نقش خواهد داشت.

یکی از محورهایی که در جلسات مشترک با نمایندگان سازمان تامین اجتماعی بررسی و به نتیجه رسید، تنقیح و تلخیص بخشنامه‌های ۱۱ تامین اجتماعی بود. بررسی این بخشنامه از سال گذشته آغاز و تمام موارد بخشنامه پس از جمع‌بندی در یک بخشنامه تدوین شد. مورد دوم بررسی بخشنامه‌های سری ۱۴ تامین اجتماعی بود که جامعه بزرگی از فعالان اقتصادی با آن سروکار دارند. در بررسی این بخشنامه هر سه اتاق ایران، تعاون و اصناف، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران و نمایندگان تشکلهای به صورت یک تشکل واحد درآمدیم، در واقع به نوعی یک پارلمان بخش خصوصی از همه طرف‌های ذی نفع در بررسی این بخشنامه نقش داشتند و موثر بودند. تنقیح و تلخیص این بخشنامه یکی از موثرترین و موفق‌ترین کارهایی است که در حال انجام است. همه طرف‌های حاضر و ذی نفع در بخشنامه به صورت یک تیم واحد بر تمامی بندهای بخشنامه متمرکز شده و موارد لازم را از طریق اتاق ایران به اطلاع سازمان تامین اجتماعی رساندند. در آخرین جلسه‌ای که به این منظور برگزار شده بود، ۳۰ مورد درباره بخشنامه مطرح شد که ۲۷ مورد آن تایید، ۲ مورد اصلاح و یک مورد محل اختلاف سلیقه قرار گرفت که این مورد مربوط به محاسبه نرخ ارز در پروژه‌های ارزی بود. در این مورد سازمان تامین اجتماعی به دنبال مشارکت در سود بود و طبیعتاً ما مخالفت کرده و دلایل فنی و منطقی خود را اعلام کردیم. تیم ما با داشتن دلایل محکم عقب‌نشینی نکرد و نهایتاً نامه‌ای خطاب به اتاق ایران تهیه و تدوین شد تا از طرف ریاست اتاق ایران و به منظور اصلاح، برای رئیس سازمان تامین اجتماعی ارسال شود. فارغ از نتایجی که در تنقیح و تلخیص بخشنامه‌ها به دست آمده و می‌تواند گره‌ای از مشکلات

فعالان بخش خصوصی را باز کند، دستاورد مهم‌تری حاصل شده و آن یکدستی و یکپارچگی تشکلهای بخش خصوصی است. نمایندگان اتاق‌ها و تشکلهای در این مسیر هم راستا و هماهنگ حرکت کردند و مسیر اختلافی باز نشد. این دستاورد در مراحل بعدی کار با سازمان تامین اجتماعی نیز ادامه خواهد داشت.

ما به دنبال حل مشکلاتی هستیم که از قبل بخشنامه‌های سازمان تامین اجتماعی برای بخش خصوصی ایجاد شده است اما باید بدانیم که دخل و خرج این سازمان با توجه به سیاست‌های خاصی که دولت برای بازنشستگان تعریف کرده، باهم همخوانی ندارد و در این شرایط مذاکره کردن و به توافق عادلانه رسیدن کار بسیار دشواری است. ولی ما این راه را شروع کرده‌ایم و به لطف خدا تا حذف موانع فعالان اقتصادی ادامه خواهیم داد. امروز سازمان تامین اجتماعی بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از دولت طلب دارد و سیاست‌های دولت این سازمان را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

ستبران: بخشنامه‌های سری ۱۴ چه مشکلاتی برای پیمانکاران ایجاد کرده‌اند؟ سندی‌کای صنعت برق ایران که در جلسات بررسی بخشنامه‌های مذکور مشارکت داشته، تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟



مهدی مسائلی

تشکیل یک تیم قوی و منسجم برای بررسی بخشنامه‌های سری ۱۴ با سازمان تامین اجتماعی یکی از نقاط قوت است. در مقابل در سازمان تامین اجتماعی نیز سیاست درهای باز حاکم است، سیاستی که در گذشته وجود نداشت و مکانیسمی برای پاسخگویی نبود. مشکل ساختاری ما با سازمان تامین اجتماعی در بدنه کارشناسی و اجراست. با ریاست آقای سالاری در سازمان تامین اجتماعی، مدیران این مجموعه امروز موظف به پاسخگویی هستند. در واقع هم تغییر مدیریت در سازمان و هم رویکرد بخش خصوصی باعث شده که تعامل با شرکای اجتماعی در دستور بوده و بررسی مسائل و مشکلات به صورت مشترک در جریان باشد و نتایج مثبتی به بار آورد.

یکی از مشکلات ما عدم همسویی قوانین و حاکمیت است. در سازمان تامین اجتماعی چه در سطح مرکز و چه در سطح شعب هیچ همسویی وجود ندارد و همیشه به صورت جزیره‌ای عمل شده است. همکاری با سازمان تامین اجتماعی در مورد بخشنامه‌ها از دو سال پیش شروع شده و گام‌هایی برداشته شده است. تاکید ما از همان روز اول بر این بوده است که حرف‌ها باید به عمل تبدیل شوند و گرنه نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. مسئولیتی که بردوش سازمان تامین اجتماعی نهاده شده یک مسئولیت حاکمیتی است و این سازمان باید پاسخگویی مسئولیتی که پذیرفته، باشد. این مسئولیت مربوط به امروز و امسال نیست

بلکه تمام ادوار را شامل می‌شود. متأسفانه امروز دخل و خرج تامین اجتماعی نمی‌خواند و این سازمان برای اینکه از عهده مسئولیتش برآید، مجبور است که به شرکای اجتماعی خود فشار آورد. بیش از ۸۰ درصد درآمد سازمان ناشی از لیست‌های فعالان کسب و کار و حدود ۲۰ درصد آن از درآمدهای سازمان از محل قراردادهاست. حال باید به این سوال پاسخ داد که با این حساب چرا در بخش قراردادها با این حجم از مشکلات روبرو هستیم؟ بخشی از این مشکلات ناشی از قراردادهای مسمومی است که دستگاه‌های اجرایی به ما تحمیل می‌کنند و تا به امروز وزارت نیرو برای این مسئله هیچ جلسه و نشست با وزارت کار نداشته است. طبق پیشنهادات مطرح شده که مورد تایید بخش خصوصی و سازمان تامین اجتماعی هم قرار گرفته، ضریب مقطوع قراردادهای خرید و فروش حدود ۱،۵ درصد و ضریب مقطوع قراردادهای PC و EPC غیرعمرانی با سهم حداقلی ۶۰ درصدی تجهیزات (که به عهده و هزینه پیمانکار هستند) معادل ۴،۵ درصد به علاوه بیمه بیکاری (جمعاً ۵،۲ درصد) تعیین شدند، این دو ضریب پس از ابلاغ سازمان اجرایی خواهند شد. تا امروز دستگاه‌های اجرایی ما با سازمان تامین اجتماعی به تفاهم نرسیده‌اند و یا اگر تفاهمی بوده مثل بخشنامه ۱۴/۵ تفسیر پذیر شده است و این تفسیر پذیری ما را به جایی رسانده که طرح استانداردسازی را روی میز بگذاریم. امروز فلسفه شابلون بیمه صنعت برق هم در ذهن توانیر شکل گرفته و هم به نوعی توانستیم آن را در تامین اجتماعی نهادینه کنیم.

یکی دیگر از دستاوردهای مهمی که در بخشنامه تنقیح و تلخیص مقاطعه‌کاران به دست آمده، تشکیل کمیته وحدت رویه است که نمایندگان اتاق‌های ایران، تعاون، اصناف، کانون عالی کارفرمایی و تشکل مربوطه (با توجه به موضوع مورد بحث) در این کمیته حضور دارند. ما امروز یک کرسی درست کردیم تا اگر در بخشنامه جدید اختلافی حاصل شد، بخش خصوصی بتواند نظرات و پیشنهادات خود را ارائه دهد. هر چند این بخشنامه به نتایجی رسیده اما داستان ما با تامین اجتماعی به پایان نرسیده است چرا که ابهاماتی باقی است و ما مسیر خود را برای شفاف سازی ادامه می‌دهیم.

ستبران: به نظر شما مسیری طی شده بین بخش خصوصی و سازمان تامین اجتماعی در بررسی بخشنامه‌ها تا چه حد موثر و مثرتر خواهد بود؟



مسعود سعادت‌تی

ما برای حل مشکلات خود راه دیگری جز مذاکره و توافق نداریم، برای این مذاکره نیز باید اصولی تعریف شود و معیارهایی تعیین شود که بتوان از آن دفاع کرد، این معیارها وقتی قابل دفاع باشد قابلیت اجرایی بیشتری پیدا می‌کند. توافق بین طرفین نباید بر مبنای زور باشد چرا که چنین توافقی پایدار نیست. مسیری طی شده برای اصلاح و یکپارچه‌سازی بخشنامه‌ها تنها راه ممکن بوده است. رابطه بین تامین اجتماعی و فعالان بخش خصوصی یک رابطه دوطرفه است، تامین اجتماعی به درآمد ناشی از فعالیت بخش خصوصی نیاز دارند و بخش خصوصی نیز برای

حمایت از نیروی انسانی و آینده آنها باید با این سازمان در تعامل باشد لذا نمی‌توان این به هم پیوستگی دو طرفه را نادیده گرفت. تامین اجتماعی باید متمرکز بر صیانت از نیروی کار باشد و این صیانت باید متمرکز بر مبنای مزد باشد. اگر تامین اجتماعی وقت خود را صرف مسائل دیگری مانند منابع و درآمد شرکت‌ها (که ذاتاً وظیفه دارایی است) کند، از کار اصلی خود باز می‌ماند. تامین اجتماعی باید به جایگاه خود که تمرکز بر مزد است برگردد و با این تمرکز بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. رویه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی از سوی سازمان تامین اجتماعی باید شفاف باشد، این شفافیت باعث می‌شود هر شرکتی از اول قرارداد تکلیف و وظیفه خود را در برابر تامین اجتماعی بدانند. همین شفافیت است که از فساد جلوگیری خواهد کرد اما وقتی رویه‌ها یکسان نباشد و قابل تفسیر باشد عده‌ای ممکن است سوءاستفاده کنند و مشکل از همین جا آغاز می‌شود.

یکی از مسائل اصلی ما با سازمان تامین اجتماعی، مربوط به منابع است. این سازمان به بهانه کمبود منابع، فعالان اقتصادی را تحت فشار قرار می‌دهد در حالی که مشکل این سازمان کمبود منابع نیست، مدیریت منابع است. در واقع سازمان تامین اجتماعی مدیریت منابع ندارد. از طرفی سازمان مذکور طلب چند هزار میلیاردی از دولت دارد و از طرف دیگر برای تامین منابع به فعال اقتصادی فشار بیاورد. مدیران این سازمان به جای این فشار باید برای بازگرداندن منابع تلاش کنند. وقتی ۸۰ درصد درآمد سازمان از لیست‌ها تامین می‌شود یعنی نقش فعالان اقتصادی در تامین درآمد این سازمان بسیار پررنگ است. زمانی که این سازمان شرکت‌ها را تحت فشار قرار دهد، حتی تعطیلی یک شرکت و بیکاری کارگران، هزینه و بار اضافی بردوش سازمان تحمیل می‌کند. سازمان نباید ما را رقیب خود بداند، ما در کنار هم هستیم. ایجاد اشتغال در کنار جذب نیروی کار بیشتر، منابع درآمدی بیشتری هم برای سازمان ایجاد خواهد کرد. لذا رویه‌ها و دستورالعمل‌ها باید منطبق بر یک منطق روشن و شفاف باشد. اگر همه بندهای بخشنامه‌ها روشن باشد هیچ شرکتی در مسیر فعالیت خود به مشکل نخواهد خورد و نیازی به صرف زمان برای حل مسئله و رسیدگی نخواهد بود. راه حل همه این مشکلات این است که به جای اینکه هنگام بروز هر مشکل به دنبال حل موردی آن باشیم، مسائل را ریشه‌ای بررسی کرده و راه حل پیدا کنیم تا از تکرار دوباره مشکل جلوگیری شود. شفافیت تکلیف همه را روشن کرده و از بروز بسیاری از مسائل جلوگیری خواهد کرد.

ستبران: بخشنامه مقاطعه‌کاران چه مشکلاتی برای فعالان اقتصادی بخش خصوصی ایجاد کرده و تاکنون چه اصلاحی روی این بخشنامه صورت گرفته است؟



محمدتکلی

صندوق تامین اجتماعی یک صندوق بیمه‌گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزد و حقوق بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است اما با توجه به عدم تشکیل یک سازمان فراگیر مدنظر قانون اساسی، امروز سازمان تامین اجتماعی با حدود ۹ قانون حمایتی عهده‌دار اصل قانون اساسی و پوشش‌دهنده آحاد مردم جامعه شده و با حذف شورای عالی به صورت هیات امنایی اداره می‌شود و تحت نظر دولت قرار گرفته است. سازمان تامین اجتماعی امروز مسئولیت بزرگی دارد اما دو بخش کارگری و کارفرمایی منابع آن را تامین می‌کنند. کارگر و کارفرما ۳۰ درصد حق بیمه پرداخت می‌کنند، با این وضعیت منابع و مصارف این سازمان چندان همخوانی ندارد و با مدیریت ضعیف و عدم چابکی سیستم اداری و اجرایی که وجود دارد، بار سنگینی را بردوش فعالان اقتصادی بخش خصوصی قرار دادند که خود تامین‌کننده بخش عمده‌ای از منابع صندوق است.

نظام تامین اجتماعی در ایران نیازمند اصلاحات ساختاری و پارامتریک است. در حوزه اصلاحات ساختاری «احیای شورای عالی تامین اجتماعی» خواسته بخش خصوصی است و این موضوع در کمیسیون اجتماعی مجلس، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و تمامی جلسات مرتبط با موضوع مطرح شده و طرح و لایحه هم آماده شده اما هنوز به نتیجه نرسیده است. تا این ساختار اصلاح نشود، مشکلات همچنان پابرجاست. با حذف شورای عالی تامین اجتماعی و تعیین مدیرعامل سازمان توسط دولت، کار از دست بخش خصوصی در رفته است در حالی که این بخش نیز یکی از شرکای اجتماعی سازمان است. حضور و نفوذ بخش خصوصی در قوانین و بخشنامه‌های سازمان لازم است لذا بهتر است سازمان شرکای اجتماعی را هم به بازی بگیرد و از آنها نظرخواهی کند. این تعامل دو سویه هم به نفع بخش خصوصی است و هم باری از دوش سازمان برخواهد داشت. باید بدانیم که تا مشکلات موجود حل نشود، نه تنها کاری از پیش نخواهد رفت بلکه مشکلات جدیدی نیز اضافه خواهد شد. بسیاری از موارد بخشنامه‌های تامین اجتماعی طبق کارشناسی‌های انجام شده خلاف قانون است. با اضافه کردن سهم فعالان اقتصادی کرکره فعالیت بخش خصوصی پایین کشیده می‌شود که اولین زیان‌ده این موضوع، خود تامین اجتماعی است چرا که دیگر نه کارفرمایی وجود دارد و نه بیمه شده‌ای.

یکی دیگر از مشکلات بخش خصوصی با سازمان تامین اجتماعی عدم اجرای قانون و بخشنامه‌هاست. به طور مثال آیین‌نامه نحوه تسلیم صورت‌مزد، میزان و نحوه پرداخت حق بیمه کارکنان شاغل در طرح‌های عمرانی یکی از مواردی است که اجرای آن به درستی انجام نمی‌شود در صورتیکه حق بیمه پیمان بر عهده کارفرمای اصلی است و باید پرداخت کند و اخذ مفاصاحساب هم با پرداخت حق بیمه دیگر موضوعیتی ندارد. با این حال هم از پیمانکار مفاصاحساب می‌خواهند و هم حق بیمه مازاد بر ضریب پیمان و هم حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور آن را بعد از سال‌ها تسویه حساب کردند. یا مثلاً نحوه تعیین ضریب در قراردادهای مشمول ماده ۴۱ که کارشناسان تامین اجتماعی در خیلی از موارد علیرغم صراحت بخشنامه، ضرایب حداکثری تعیین و پیمانکار را برای اعتراض به هیات‌ها و دیوان عدالت اداری ارجاع و با صرف هزینه و اتلاف وقت در نهایت به ضرر سازمان و بخش خصوصی اقدام می‌کنند.

عدم رویه واحد در شعب تامین اجتماعی، عدم شفافیت در برخورد سازمانی، عدم آگاهی و به روز نبودن واحدهای اجرایی مختلف در شعب از دیگر مشکلاتی است که برای بخش خصوصی

چالش‌هایی ایجاد کرده است. همه هم و غم ما این است که بخشنامه‌های سازمان بر مبنای روشن و شفاف‌ی تدوین و ابلاغ شود، وقتی شفافیت بر بخشنامه‌ها حاکم شد مشکل زیادی در روند کار پیش نخواهد آمد و زوایای بخشنامه برای طرفین واضح و مبرهن خواهد بود. سازمان تامین اجتماعی باید عدم اعتماد بین شرکای اجتماعی را از میان بردارد، اگر سازمان تامین اجتماعی بخش خصوصی و شرکای اجتماعی را از خود بداند و بخش خصوصی نیز همین رویکرد را داشته باشد، نگاه مثبتی شکل خواهد گرفت و این نگاه مثبت باعث افزایش تفاهم بین آنها خواهد شد. دخالت دادن شرکای اجتماعی در بخشنامه‌ها و دریافت نظرات آنها کمک بزرگی به رفع مشکلات خواهد کرد. بخش خصوصی خواسته غیرمنطقی و غیرمعقولی از سازمان ندارد و در راستای منافع همه تلاش می‌کند.



اصغراهنی‌ها

یکی از مشکلات عمده‌ای که در کشور ما وجود دارد این است که هیچ بخشی وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهد و مسائل مرتبط با حوزه خود را کارشناسی نمی‌کند. کار مجلس شورای اسلامی قانون‌گذاری و ریل‌گذاری است، اگر فرایند قانون‌گذاری در این قوه درست انجام نشود قطعاً کارآمدی لازم را نخواهد داشت و چالش‌هایی ایجاد خواهد کرد. اگر در مرحله اجرا هم شفافیت و درستی نباشد، باز مشکلاتی به وجود خواهد آمد. در رابطه با سازمان تامین اجتماعی اگر شورای عالی تامین اجتماعی احیا شود و شرکای اجتماعی هم در امور دخیل باشند، می‌توان به رفع مشکلات امیدوار بود. ما نیز به عنوان پارلمان بخش خصوصی پیگیر ایرادات بخشنامه‌های سازمان تامین اجتماعی بوده و هستیم و در این مسیر نگاه تک بعدی را کنار گذاشته و با رویکردی همه جانبه مسائل را دنبال می‌کنیم. اگر بخواهیم موضوع را نگاه تک بعدی جلو ببریم یقیناً بلایی به سرمان خواهد آمد که بر سر سازمان آمده است.

البته باید گفت که در همه این مشکلات فقط سازمان تامین اجتماعی مقصر نیست، ما هم به معنای عام تا اندازه‌ای مقصر هستیم. از طرف دیگر بخشنامه مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور، منابع سازمان تامین اجتماعی را به تاراج برد. اجرای این مصوبه که نتیجه سیاسی بازی برخی نمایندگان مجلس بود، خارج از استانداردهای بین‌المللی بوده و سازمان را به گل نشاندۀ است. در واقع این مشکل زاییده قانون‌گذاری کارشناسی نشده است. در بسیاری از موارد دیگر به خاطر مشخص نبودن زیرساخت‌ها، مجریان مقصر هستند و اموال سازمان را هدر داده‌اند. نبود زیرساخت مناسب هم به خود تامین اجتماعی ضربه زده و هم ساختار دستمزدی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعضی از بخشنامه‌هایی که در پی قوانین تدوین می‌شود اجحاف در حق سازمان است و باید متناسب‌سازی شود. دولت نباید برای حمایت از آحاد جامعه، از تامین اجتماعی بهره‌برداری کند. این صندوق متعلق به عده‌ای خاص است نه عام مردم، اما متأسفانه ترکیب دستوری این سازمان به نفع دولت تغییر یافته و مشکلاتی را ایجاد کرده است. تنقیح و تلخیص بخشنامه مقاطعة کاران نشان داد که اگر فعالان اقتصادی کار تیمی و فنی مستمری انجام دهند، موفق خواهند بود. ما در این بخشنامه زیرساخت‌های گفتمان را ایجاد کردیم و کار را با وحدت، همدلی و بدون منیت پیش بردیم. ما در این موضع با طرح، پیشنهاد و برنامه وارد عمل شدیم و درباره سایر موضوعات هم به همین صورت و حتی قوی‌تر ادامه خواهیم داد. اگر منافذ

سوءاستفاده را از سازمان تامین اجتماعی و برخی کارفرمایان بگیریم، یقیناً شرایط برای ما بهتر و راحت‌تر خواهد بود.

بیش از ۳۵ درصد اقتصاد کشور زیرزمینی است که منشاء بیشتر آن قوانین است. متأسفانه ما برای همه فعالیت‌های اقتصادی کشور فقط یک پیمانۀ داریم و از بقال تا فولادساز را با همان پیمانۀ اندازه می‌کنیم. هزینه ارگان‌های دولتی علیرغم دارا بودن پول نفت و مالیات ارزان تمام می‌شود اما درصد مالیات و حق بیمه‌ای که بخش دولتی و خصوصی پرداخت می‌کنند، یکسان است. پایه عمده قوانین ما، با توجه به ساختار فکری و قدیمی، دلال محور و بازرگانی است. تولید در کشور ما با وجود نفت، هنوز ارزش نیست و تولیدکننده و کارآفرین ارزشمند نشده است، البته در حرف و ظاهراً ارزش به شمار می‌روند اما در عمل چنین نیست. با توجه به اینکه نفت پاشنه آشیل اقتصاد کشور است و نشان داده بخش تولید غیرنفتی می‌تواند ارزش بسیاری ایجاد کند، اما با قوانین فعلی نمی‌توانیم به نتیجه برسیم. امروز بخش اعظم اقتصاد کشور با قوانین دست به گریبان است. با توسعه تکنولوژی و فناوری لازم است قوانین نیز به روز شوند. بخش خصوصی باید برای بازنگری قوانین مربوط به خود، پیشنهادات مرتبط را ارائه دهد، برای این منظور باید تشکل‌های این بخش را تقویت کنیم تا بتوان شرایط بهتری را برای فعالان اقتصادی این بخش رقم زد. به روزرسانی و بازنگری در قوانین به نخبگان و افراد توانمندی نیاز دارد که از این افراد در بخش خصوصی کم نداریم.

ستبران: بخشنامه تنقیح و تلخیص مقاطعة کاران در چه مرحله‌ای است و چه زمانی ابلاغ می‌شود؟



مهدی مسائلی

یکی از نکاتی که در روند بررسی بخشنامه‌ها مهم بود، اشراف ما به خود بخشنامه مقاطعة کاران و خواسته بخش خصوصی از این بخشنامه بود، ما در این مسیر بخشنامه و طرف مقابل را به خوبی می‌شناختیم. این بخشنامه هنوز ابلاغ نشده است اما به زودی ابلاغ می‌شود. ضریب قید شده در این بخشنامه که با احتساب بیمه بیکاری ۵٫۲ درصد است، در واقع به ما تحمیل شده است. اگر بخشنامه ۱۴/۵ اجرایی می‌شد ما عملاً در قراردادها حدود دو درصد پرداخت می‌کردیم. شرکت توانیر برای بررسی این موضوع حدوداً ۹ جلسه با سازمان تامین اجتماعی برگزار کرده است و سازمان مذکور اذعان کرده که تحلیل‌های سازمان برنامه را قبول ندارد. متأسفانه سازمان برنامه و بودجه ورود درستی به موضوع ندارد و فقط در حال تولید عدد است. قطعاً اگر وزارت نیرو در این مورد پای کار می‌آمد، کار قراردادها به دو درصد ختم می‌شد. تعیین ۵ درصد برای قراردادها نیز در پی توافق وزارت نفت با سازمان تامین اجتماعی متولد شده لذا لازم است در این موارد همگرایی لازم در بخش خصوصی صورت بگیرد و با ایجاد نقطه کانونی در مسیر اهداف قدم برداشت.



مسعود سعادت‌نی

احصاء مشکلات پیش از برگزاری جلسات دارای اهمیت است، بخش خصوصی باید جنس و نوع مشکلات خود را شناخته و طبقه‌بندی کند تا با اولویت‌بندی آنها را در دستور کار قرار دهد و پیگیری کند. یکی از مشکلات ما مربوط به ارائه لیست است، طبق بخشنامه پرسنل دفتر مرکزی باید به صورت جدا احراز هویت شوند، در حالی که خواسته ما این است که این پرسنل نیز زیرمجموعه پروژه باشند. واقعیت این است که برخی موارد از حیثه تصمیم‌گیری و اختیارات ما خارج است. در برخی موارد عده‌ای خلاف قانون عمل می‌کنند و برای جلوگیری از این بحث، مردم را تحت فشار قرار می‌دهند. مجلس به عنوان مرجع قانونگذاری کشور باید توجه داشته باشد که تامین اجتماعی ربطی به دولت و منابع عمومی ندارد. نمایندگان مجلس هم نباید به خاطر احساس مسئولیت یا جمع‌آوری رای با تصویب برخی قوانین، بار جدیدی روی دوش تامین اجتماعی که اهداف مشخصی دارد، قرار دهند و برایش هزینه‌تراشی کنند و این سازمان را برای تامین منابع مورد نیاز مجبور به فشار بر فعالان اقتصادی کنند. تامین اجتماعی باید از منطقی بودن ضرایب مقطوع در بخشنامه‌های خود بر مبنای دستمزد اطمینان حاصل کند و بدون کار کارشناسی و فنی، هیچ بخشنامه‌ای را تدوین نکند.



مهدی مسائلی

اگر می‌خواهیم تکلیف خود را با تامین اجتماعی مشخص کنیم باید از حرف به عمل و از جمله به عدد برسیم، هر زمانی که به یک عدد مشخص رسیدیم تکلیف نیز مشخص خواهد شد. در حوزه صنعت برق تا زمانی که وزارت نیرو و توانیر در متن قرارداد و در مواجهه صنعت برق با تامین اجتماعی به چارچوب و تفاهم درستی نرسند، کارها درست پیش نخواهد رفت. اولین و آخرین پاشنه آشیل ما در مواجهه با تامین اجتماعی از قراردادهای مسموم شروع می‌شود.

یکی دیگر از گام‌های عملیاتی که باید برداشته شود، درباره متن قراردادهاست. صنعت برق بابت متن قراردادها تاوان زیادی داده است، متن قراردادها باید با هماهنگی سازمان تامین اجتماعی تیپ‌سازی شود. هر دستگاه باید متولی ماده ۲۳ قانون بهبود محیط کسب و کار که مربوط به تیپ‌سازی قراردادست، باشد و این مورد را از کانال تامین اجتماعی هم بگذرانند و گرنه هر قراردادی ممکن است تله اول و آخر یک شرکت باشد. متأسفانه امروز تعدادی از کارخانه‌ها توسط تامین اجتماعی ضبط شدند و با توجه به شرایط آنها کسی حاضر به پذیرش واگذاری نیست، ضبط بزرگترین گاوداری کشور در اصفهان نمونه‌ای از این مورد است. در صحبت‌های دوستان به نبود مدیریت در سازمان تامین اجتماعی اشاره شد که نکته قابل توجهی است، تامین اجتماعی باید درباره سرمایه‌گذاری‌های خود، درست‌ترین و مناسب‌ترین مورد را در نظر بگیرد.



محمد تگلی

همانطور که پیشتر هم اشاره کردم، اساسی‌ترین مشکل تامین اجتماعی ساختار آن است که باید اصلاح و شورای عالی این سازمان احیا شود. بخش خصوصی در رابطه با بخشنامه‌ها همگام و هماهنگ پیش رفته و تا حدی مواضع خود را پیاده کرده است. با نگاهی به ویرایش بخشنامه تنقیح و تلخیص مقاطعه‌کاران به تاریخ ۱۹ بهمن ۹۹ و مقایسه آن با ویرایش قبلی که رتاریخ ۱۱ شهریور ۹۹ انجام شده بود، می‌توان دریافت که بسیاری از ایرادات آن رفع شده است. هر چند همین اصلاحات انجام شده هم همه مشکلات بخش خصوصی را حل و فصل نمی‌کند اما بسیاری از مسائل برطرف شده است. بسیاری از بخشنامه‌های مربوط به مقاطعه‌کاران و آخرین اصلاح ضریب آنها مربوط به ۲۴ فروردین سال ۷۰ است، این بخشنامه‌ها باید از لحاظ فنی و کارشناسی بررسی و متناسب با شرایط قراردادهای بازنگری و اصلاح شود. حذف بند بازرسی تحقیقی و الزامی یکی از مواردی است که با پیگیری نمایندگان بخش خصوصی در ویرایش نهایی بخشنامه تنقیح محقق شده است. طبق این بخشنامه برای قراردادهای ذیل ماده ۴۱ و ۴۷ دو مدل طراحی شده بود. شرکت‌های مشمول ماده ۴۷ باید بر مبنای لیست حقی بیمه داده و بازرسی می‌شدند اما مشمولان ماده ۴۱ فقط تعیین ضریب شده و نیازی به بازرسی نداشتند در حالی که در ویرایش اول بخشنامه به نوعی بود که بازرسی تحقیقی و الزامی شامل هر دو بخش می‌شد.

یکی از موارد مهم اصلاح شده در این بخشنامه بند مربوط به قراردادهایی است که فسخ یا خاتمه می‌شدند و چالش فراوانی در بحث مفاصاحساب این نوع از قراردادها داشتیم که با پیشنهادات مطرح شده از سوی بخش خصوصی در تطبیق ویرایش اول با ویرایش چهارم در بندی مفصل این مشکل رفع شد.

در برخی بخشنامه‌ها دچار خلاء هستیم و تا این خلاء‌ها پر نشود، نمی‌توان انتظار شفافیت داشت. در نهایت خواست بخش خصوصی احیای شورای عالی تامین اجتماعی است به شرطی که اعضا این رکن درست تعریف شود. در پایان ذی نفعان فکر نکنند بخشنامه مقاطعه‌کاران غایت هدف ما بوده است اما تلاش کردیم از وضع موجود به سمت شرایط اثبات‌تری حرکت کنیم و برخی بندهای بخشنامه را تا حد امکان اصلاح کنیم و با پیش‌بینی تعیین کمیته وحدت رویه بر اصلاح مستمر و رفع ابهام از بخشنامه در تفسیر و اجرا اقدام کردیم.

قوانین دیروز مشکلات امروز



حق بیمه قراردادهای پیمانکاری و خرید یکی از چالش‌های اصلی فعالان بخش خصوصی و شرکت‌های عضو سندیکاى صنعت برق ایران با سازمان تأمین اجتماعی و بخشنامه‌های این سازمان است. سندیکا سال گذشته به منظور شناسایی مهمترین چالش‌های شرکت‌های عضو، نظرسنجی جامعی انجام داد و از همان زمان که موضوع حق بیمه به عنوان یکی از مشکلات جدی از سوی شرکت‌ها اعلام شد، کار بررسی این مشکلات و پیگیری اقدامات لازم برای حل آنها را در دستور کار قرار داده است. یکی از این موارد مربوط به بخشنامه تنقیح و تلخیص مقاطعه‌کاران است که فعالان اقتصادی زیادی به خصوص در حوزه صنعت برق با آن سروکار دارند. بررسی این بخشنامه که توسط نمایندگان اتاق‌های ایران، تهران، کانون عالی کارفرمایان، اتاق تعاون، اتاق اصناف، تشکل‌های بخش خصوصی و سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفته است، نتایج خوبی برای فعالان اقتصادی بخش خصوصی داشته است. در گفتگو با سرکار خانم علی‌آبادی، مشاور بیمه و تأمین اجتماعی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران که به عنوان نماینده اتاق در جریان بررسی بخشنامه‌های سری ۱۴ هستند، به گفتگو نشستیم. مشروح گفتگو به شرح زیر است:

صفری علی‌آبادی | مشاور بیمه و تأمین اجتماعی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

کار بررسی تنقیح، تلخیص و تجميع بخشنامه‌های سری ۱۴ سازمان تأمین اجتماعی از چه زمانی آغاز شده و تاکنون به چه نتایجی رسیده است؟

بررسی تنقیح، تلخیص و تجميع بخشنامه‌های سری ۱۴ سازمان تأمین اجتماعی که مربوط به مقاطعه‌کاران و نحوه وصول حق بیمه قراردادهای پیمانکاری است، از شهریور ۹۹ آغاز شده است، در این جلسات که نمایندگان اتاق‌های ایران، تهران، کانون عالی کارفرمایان، اتاق تعاون، اتاق اصناف، تشکل‌های بخش خصوصی، اداره کل وصول حق بیمه، اداره حقوقی و موسسه پژوهشی سازمان تأمین اجتماعی و در برخی موارد حتی ریاست سازمان مذکور هم حضور داشتند، پیش‌نویس تهیه شده از سوی سازمان درباره بخشنامه مقاطعه‌کاران مورد بررسی قرار گرفت. یکی از موارد بررسی در این جلسات مربوط به اجرای ماده ۱۱ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ است. مفاد این ماده بدین شرح است: سازمان تأمین اجتماعی موظف است حق بیمه قراردادهای و پیمان‌های غیرعمرانی (غیرتملک‌دارایی سرمایه‌ای) پیمانکاران و یا پیمانکاران طراحی و ساخت دارای کارگاه‌های صنعتی، خدماتی، تولیدی و یا فنی و مهندسی ثابت را که موضوع پیمان (با مصالح یا بدون مصالح) در کارگاه‌های ثابت پیمانکار و توسط کارکنان شاغل در آن کارگاه‌ها انجام می‌شود را بر مبنای صورت‌مزد یا حقوق ماهیانه کارکنان یا بازرسی انجام شده محاسبه و وصول نموده و مفصاحساب قرارداد یا پیمان را صادر کند. در مواردی که در این گونه قراردادهای و پیمان‌ها عملیات اجرائی شامل ساخت توأم با یکپارچه‌سازی، سرهم‌بندی (مونتاژ)، نصب، نظارت، بازرسی، آزمون و راه‌اندازی، آموزش، نگهداری و تعمیر و خدمات پس از فروش توسط کارکنان شاغل همان کارگاه در کل طرح (پروژه) کارفرما انجام شود، به طریق فوق اقدام و مفصاحساب قرارداد (پیمان) را صادر کند. محاسبه و مطالبه حق بیمه براساس روش «نسبت مزد به کل کار انجام یافته» در این قراردادهای و پیمان‌ها ممنوع است. از آغاز روند جلسات بررسی بخشنامه، ایرادات بسیاری رفع شده اما هنوز در دست تدوین است و امیدواریم با تصویب این بخشنامه بخش عمده‌ای از مشکلات پیمانکاران حل و فصل شود.

از اردیبهشت سال ۱۳۹۸ جلساتی درباره شفاف‌سازی و استانداردسازی حق بیمه قراردادهای صنعت برق به منظور جلوگیری از اعمال سلیقه در اجرای بخشنامه‌های سازمان با حضور فعال نماینده سندیکا و نماینده اتاق تهران آغاز شده بود، اما این جلسات با تحولات مدیریتی که در سازمان اتفاق افتاد، مسکوت ماند و تصمیم‌گیری درباره آن به جریان بررسی بخشنامه مقاطعه‌کاران موکول شد. در آن جلسات مهندس دقت از شرکت توانیر نیز حضور داشته و بر مبنای قرار دادن فهرست بهای سازمان برنامه در خصوص تجهیزات تأکید داشتند تا حق بیمه واقعی که به پروژه‌های صنعت برق تعلق می‌گیرد، استخراج و بخشنامه ۱۴/۵ اصلاح شود. بعد از بررسی‌های فنی و کارشناسی صورت گرفته، این بخشنامه به اداره حقوقی سازمان ارسال شد اما با توجه به اینکه به تصویب شورای عالی تأمین اجتماعی سابق و یا هیات امنای جایگزین نرسیده بود، به علت نداشتن مبنا و وجهات قانونی، رد و قرار شد در بخشنامه تنقیح دیده شود.

فعالان اقتصادی بخش خصوصی در مسیر اجرای قراردادهای خود با چه موانعی از قِبل بخشنامه‌های تأمین اجتماعی مواجه هستند؟

متأسفانه شعب سازمان تأمین اجتماعی با اعمال سلیقه زیادی درباره قراردادهای برخورد می‌کنند. قراردادهای مشارکتی، خرید و فروش، EPC و PC از جمله این قراردادها هستند. به عنوان مثال برخی شعب در قراردادهای خرید و یا قراردادهای خارجی ضرایب متفاوتی را لحاظ می‌کنند. اساس بخشنامه تنقیح و تلخیص این است که ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی که تکالیف واگذارندگان کار و پیمانکاران در قراردادهای پیمانکاری و چگونگی وصول حق بیمه قراردادهای مذکور را بدین ترتیب تعیین کرده: یا باید در کنار ماده ۴۱ با اعمال ضریب اجرا شود و یا در کنار ماده ۴۷ و بدون اعمال ضریب اجرا شود. براین اساس مبنای مطالبه حق بیمه قراردادهای پیمانکاری که مشمول ضریب و ماده ۴۱ نمی‌شوند. طبق ماده ۱۱ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی که جایگزین ماده ۴۰ رفع موانع تولید شده، فعالان اقتصادی که کارگاه ثابت دارند و در دسترس بازرسی هستند، طبقه‌بندی شوند. درباره این پیمان‌ها اعمال ضریب لحاظ نمی‌شود و مشمول ماده ۴۷ هستند، یعنی مبنای مطالبه حق بیمه قراردادهای لیست‌های ارسالی پیمانکار و بازرسی است که دو نوع بازرسی کارگاهی و دفاتر قانونی داریم. درباره اشخاص حقیقی فقط بازرسی کارگاهی انجام می‌شود اما اشخاص حقوقی مشمول هر دو نوع بازرسی خواهند بود. گروه دیگری نیز هستند که اغلب پیمان‌های صنعت برق را شامل می‌شوند و ماده ۳۸ در خصوص تکالیف پیمانکار و نحوه محاسبه حق بیمه قراردادهای پیمانی براساس ضریب یعنی اعمال ماده ۴۱ و مصوبه شورای عالی تأمین اجتماعی ۲۴ فروردین ۱۳۷۰ مورد مطالبه قرار می‌گیرد.

درباره استاندارد کردن حق بیمه قراردادهای EPC و PC و تجهیزات هنوز اتفاق نظری صورت نگرفته است اما پیشنهاد شده به منظور جلوگیری از اعمال سلیقه در واحدهای اجرایی سازمان، حق بیمه این قراردادها مقطوع‌سازی شود. پیمانکار قبل از اینکه وارد مناقصه شود باید بداند هزینه سربار بیمه‌اش چقدر است و این آگاهی حق طبیعی پیمانکار است. آقای دکتر سالاری، رئیس سازمان تأمین اجتماعی هم در جلساتی که حضور داشت، بر اطلاع پیمانکار از هزینه سربار بیمه قبل از شرکت در مناقصه تأکید و این موضوع را حق قانونی پیمانکار تلقی کرد و پیشنهاد داد که پیمانکار قبل از اینکه وارد مناقصه شود، مدارک و اسناد قرارداد خود را به سازمان تحویل تا از هزینه سربار بیمه اطلاع داشته باشد و با اشراف به هزینه حق بیمه وارد مناقصه شود. اگر این موضوع اجرایی شود، پیمانکار ضرر نمی‌کند. مد نظر بسیاری از پیمانکارانی که مشمول ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی می‌شوند، همین استانداردسازی است تا از برخوردهای سلیقه‌ای جلوگیری شود. این موضوع در دست بررسی است و نگاه سازمان هم به آن مثبت است، اما اینکه شیوه‌های اجرایی به چه صورت باشد، جای تأمل دارد و هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. پیشنهاد مربوط به قراردادهای EPC با ضریب ۴٫۵ درصد به انضمام بیمه بیکاری، بعد از طی روند قانونی تصویب می‌شود اما هنوز به این مرحله نرسیده و تا پایان سال جلسه‌ای برای نهایی کردن این موضوع برگزار خواهد شد.

یکپارچگی تشکل‌ها و بخش خصوصی در روند طی شده و پیشرفت تنقیح و تلخیص بخشنامه مقاطعه‌کاران چه قدر موثر بوده است؟

خوشبختانه هماهنگی و تعامل بخش خصوصی در روند بررسی بخشنامه‌های مربوط به پیمانکاران بسیار موثر بوده است. شاید اتفاق نظر درباره مباحث و موضوعات مختلف به صد درصد نرسیده باشد، اما ۸۰ درصد هماهنگی را داشتند و همدل حرکت کردند. ناگفته نماند که نقش سازمان تأمین اجتماعی نیز در خصوص این اجماع تأثیر بسزایی داشته است.

تفسیرپذیر بودن دستورالعمل‌های اجرایی قوانین و به روز نبودن قوانین سازمان تأمین اجتماعی، ریشه بسیاری از چالش‌های فعالان اقتصادی با این سازمان است. قوانین این سازمان مصوب سال ۱۳۵۴ بوده و باید بازنگری شود. با مقایسه‌ای ساده می‌توان دریافت که حجم قراردادهای برون‌سپاری در سال ۵۴ با امروز خیلی متفاوت است و به کار بردن قوانین آن سالها برای قراردادهای این دوره مشکل‌ساز خواهد بود لذا ضرورت دارد این قوانین با توجه به شرایط و قراردادهای امروز بازنگری شده و به روز شود تا شفاف‌سازی صورت پذیرد و مردم و فعالان اقتصادی کمتر دچار مشکل شوند. قوانین مصوب سال ۵۴ پاسخگوی شرایط فعلی جامعه نیست و برداشت‌های ناصواب از دستورالعمل‌ها نیز چالش‌ساز شده است. اولین جایی که فعالان اقتصادی مراجعه می‌کنند، واحدهایی اجرایی است. لذا اگر بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها منطبق با قوانین و شفاف باشند قطعاً چالش‌ها و مشکلات کاهش پیدا خواهد کرد. یکی دیگر از مواردی که تشکل‌های کارفرمایی مطرح می‌کنند، مربوط به ترکیب هیات‌های بدوی و تجدیدنظر تشخیص مطالبات سازمان است، دو مرجع شبه قضایی که مسئول رسیدگی به اعتراض کارفرمایان در خصوص مطالبات سازمان هستند. به استناد ماده ۴۵ قانون تأمین اجتماعی، وابستگی دبیرخانه هیات‌های تشخیص مطالبات به سازمان تأمین اجتماعی از یک سو و تفویض اختیار نمایندگان وزیر و هیات امنای به کارکنان سازمان یاد شده از سوی دیگر، نقش نمایندگان کارفرمایان را در هیات‌های مذکور کمرنگ می‌کند و در نتیجه نمایندگان کارفرمایان در این هیات‌ها در اقلیت مطلق هستند لذا انتظار می‌رود ترکیب هیات‌ها به سمت و سوی عادلانه‌تری تغییر یابد..

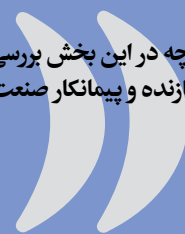


درس

بخش توزیع نیروی برق که آخرین حلقه زنجیره تامین برق محسوب می شود، به دلایل مختلف از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بسیاری از شرکت های سازنده تجهیزات و پیمانکاران به ویژه SMEها تامین کننده کالا و خدمات برای شرکت های توزیع محسوب می شوند. چالش های این شرکت ها پرتعدادند اما اساسا ریشه در دو مساله واحد دارند که شاید بتوان آنها را مهمترین چالش های این بخش برشمرد:

مهمترین چالش این شرکت ها، ساختار حقوقی. قراردادی بین شرکت های توزیع و تامین کنندگان کالا و خدمات است. شرکت های توزیع به عنوان کارفرمایان این حوزه از الگوی قراردادی متحدالشکل و یکپارچه ای که منافع دوسویه طرفین قرارداد را به صورت منصفانه تامین کند، پیروی نمی کنند. نبود یک الگوی قرارداد تیپ قانونی و الزام آور برای شرکت های کارفرمایی، علاوه بر اینکه زمینه فعالیت را برای شرکت های سازنده یا پیمانکار دشوار می کند، مشکلات دیگری را هم به دنبال دارد. مساله ای که نباید فراموش شود این است که در شرایط نامناسب اقتصادی صنعت برق، قراردادهای فاقد تعدیل و عدم جبران خسارات ناشی از افزایش قیمت ارز و مواد اولیه، توقف صدها قرارداد در حوزه توزیع را به دنبال داشته است. تنها راهکار پیش رو ابلاغ و لازم الاجرا کردن قرارداد تیپ و نیز بخشنامه جبران خسارات ناشی از افزایش قیمت ارز در قراردادهای فاقد تعدیل است که به نظر می رسد در معاونت توزیع شرکت توانیر اراده ای برای پیاده سازی این دو راهکار وجود ندارد. فعالان صنعت توزیع مانند بسیاری از بخش های صنعت برق روزهای بسیار دشواری را می گذرانند و عدم تدوین و عملیاتی کردن یک راهکار عقلایی و البته جسورانه می تواند خساراتی جبران ناپذیر برای این صنعت و اقتصاد کشور به دنبال داشته باشد.

آنچه در این بخش بررسی شده، بازخوانی چالش های پرشمار شرکت های سازنده و پیمانکار صنعت توزیع و راهکارهای مواجهه با آنهاست...



راشپ صنعت توزیع





سمیه کاظم زاده

دبیر تحریریه



توزیع برق آخرین حلقه زنجیره صنعت برق کشور و عملاً ویتروینی است که حاصل پروسه پرچالش تولید و انتقال برق را به دست مشترکین می‌رساند. صنعت توزیع برق به دلایل مختلف از لحاظ ساختاری تفاوت‌های معناداری با سایر بخش‌های این صنعت دارد. چرا که از یک سو شرکت‌های توزیع نیروی برق از یک سو به دلیل سازوکار مستقلى که برایشان تعریف شده عملاً از بودجه‌های دولتی سهمی نمی‌برند و بر مبنای بودجه شرکتی خود اداره می‌شوند و از سوی دیگر مدیران این شرکت‌ها به دلیل ترکیب سهامداران و مجامعشان، در نهایت از سوی وزارت نیرو منصوب می‌شوند.

این شکل از مالکیت و بنگاه داری، عملاً شرکت‌های توزیع را با نوعی بلاتکلیفی خسارت بار مواجه کرده و آنها را از نظر مالی به شرکت‌هایی زیان ده تبدیل کرده است. این مساله تا حدی عمیق و بغرنج شده که روند واگذاری شرکت‌های توزیع به عنوان یکی از اقدامات راهبردی برای تغییر ساختار صنعت برق همواره به دلیل زیان ده بودن این شرکت‌ها در میانه راه متوقف شده است.

به هر حال شرکت‌های توزیع نیروی برق که شاهراه‌های اصلی برق‌رسانی به مشترکین محسوب می‌شوند، گرفتار چالش‌های بسیاری هستند که عمده آنها از ساختار نامشخص حقوقی این شرکت‌ها ناشی می‌شود. البته تکثیر مشکلات ناشی از اقتصاد برق و جریان یافتن پیامدهای منفی آن در همه بازیگران این صنعت، شرکت‌های توزیع را هم بی‌نصیب نگذاشته و عملاً آنها را نیز در مسیر یک رکود مستمر قرار داده است.

در این بین، بدون تردید بخش قابل توجهی از مشکلات مالی و ساختاری شرکت‌های توزیع به عنوان پرتعدادترین کارفرمایان صنعت برق به صورت مستقیم سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و تامین کنندگانی را درگیر می‌کند که اجرای پروژه‌های این حوزه را بر عهده دارند.

گرفتاری‌های صنعت توزیع

عمده ترین مشکلات شرکت‌های سازنده تجهیزات و پیمانکاران بخش توزیع نیروی برق ناشی از چند مساله است که مشکلات حکمرانی، عدم اجرای تعهدات شرکت‌های توزیع نیروی برق در پرداخت مطالبات و کمبود منابع مالی کارفرمایان از جمله مهمترین آنها هستند. البته بدون تردید نمی‌توان از تاثیر عدم تعدیل نرخ ارز و فلزات در قراردادها، نبود داور بی طرف در اختلافات فنی تخصصی و نبود وحدت رویه بین شرکت‌های توزیع در اجرای مناقصات هم چشم پوشید. به این فهرست می‌توان مشکلات آزمون استاندارد محصول (گواهینامه) و خرید محصولات خارجی دارای مشابه داخلی را هم افزود.

نکته بسیار کلیدی در خصوص این مشکلات که به صورت اجمالی به آن اشاره شد و در این نگاشت به شکلی مفصل تر هم به آن پرداخته خواهد شد، این است که بسیاری از این چالش‌ها در قالب راهبردهایی عملیاتی قابل کنترل و مدیریت هستند. به عنوان مثال مساله تعدیل‌ها، نبود وحدت رویه و حتی بخشی از مشکلات مالی را در قالب یک قرارداد تیپ منصفانه مدیریت کرد.

در حقیقت قرارداد تیپی که مدل‌ها و فرمول‌های مشخص و منصفانه ای برای پرداخت، تعدیل، تضامین و حل اختلاف داشته باشد، به طور قطع بخش قابل توجهی از چالش‌های کارفرمایان و سازندگان/پیمانکاران صنعت توزیع برق را حل خواهد کرد.

نکته کلیدی دیگری که در آسیب شناسی حوزه توزیع نباید از آن چشم پوشید این است که عدم تعریف یک سازوکار مشخص برای مدیریت کمبود نقدینگی و پرداخت مطالبات مالی بخش خصوصی علاوه بر اینکه بیکاری و تعطیلی واحدها و همچنین بروز مشکلات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، عملاً امکان توسعه شبکه را از میان برده و احتمال بروز خاموشی‌ها و تاثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن را افزایش می‌دهند.

معاونت پژوهش و برنامه ریزی سندیکای صنعت برق ایران در سال ۱۳۹۷ طی یک بررسی آماری را نشان داد از کل ۳۹ مناقصه مورد بررسی در حوزه توزیع برق، ۷۴ درصد بدون پیش پرداخت و ۸۴ درصد بدون در نظر گرفتن تعدیل‌ها برگزار شده است. نکته کلیدی دیگری که در این پژوهش باید به آن توجه شود، این است که کل مناقصات مورد بررسی علیرغم بدعهدی دیرینه بسیاری از شرکت‌های توزیع در پرداخت مطالبات بخش خصوصی، بدون جریمه تاخیر بوده اند.

به هر حال مشکلات پرتعداد حوزه توزیع را نمی‌توان بدون انضباط مالی و تعهد به تامین مالی طرح‌ها و پرداخت منظم تعهدات مالی، اجرای قرارداد تیپ و تعدیل قراردادها، ایجاد وحدت رویه در نظام بازرگانی و مدیریت پروژه‌های شرکت‌های توزیع و استقرار نظام صلاحیت حرفه ای توسط تشکل‌های تخصصی حل کرد.

به علاوه اصلاح نظام استانداردها، شفاف شدن ساختار شرکت‌های توزیع، اصلاح نظام ارزیابی و تعیین صلاحیت سازندگان و نیز یکپارچه سازی سیستم خرید تجهیزات شرکت‌های توزیع هم اقداماتی کلیدی برای رفع چالش‌های این حوزه محسوب می‌شوند.

گره خورد قرارداد تیپ

امسال به طور قطع برای همه فعالان صنعت برق سالی بسیار دشوار و سرشار از رخداد‌های غیرقابل پیش بینی بود. شیوع بیماری کرونا و چند برابر شدن نرخ ارز به مشکلاتی که پیش از این گریبانگیر شرکت‌ها بود دامن زد و سال ۹۹ را به یکی از سخت ترین مقاطع زمانی برای فعالان صنعت برق بدل کرد.

براین اساس پیامدهای ناشی از مشکلات پنهان و آشکار حوزه توزیع در طول سال جاری به شکلی عمیق تر اثرات خود را نشان دادند. به عنوان مثال نوسانات جهشی نرخ ارز، در طول سال‌های اخیر و البته اوج گیری آن در سال جاری، به یک ابرچالش برای فعالان

صنعت توزیع بدل شده که حل آنها تنها از مسیر قرارداد تیپ، تعدیل قراردادها و فهارس بها امکان پذیر است.

کلیدی بودن این راهکارها برای حل مشکلات شرکت های سازنده، پیمانکار، مهندسی مشاور و مهندسی بازرگانی فعال در حوزه صنعت توزیع، سندیکای صنعت برق ایران را برآن داشت تا پیگیری این موضوعات را در دستور کار خود قرار دهد.

بر همین اساس موضوع تدوین و ابلاغ قرارداد تیپ از سال ۱۳۸۰ در دستور کار سندیکای صنعت برق ایران قرار گرفت. دلیل این پیگیری ها کاملاً مشخص بود. از آنجا که متن قرارداد بین کارفرمایان دولتی (شرکت‌های توزیع، برق منطقه‌ای) با شرکت‌های سازنده و پیمانکار و تأمین کننده تجهیزات و خدمات بخش خصوصی، به صورت یکجانبه تنظیم می شد و تمامی ریسک‌های تغییرات محیطی مانند نوسانات نرخ ارز، فلزات و ... به پیمانکاران می کرد و فاقد تعدیل‌های متعارف سایر بخش‌ها هم بود، سندیکا تلاش کرد به نمایندگی از بخش خصوصی ایجاد تغییرات اصولی و بنیادی در متن قراردادها را به نحوی که منافع دو طرف تأمین شده و ریسک ها به شکل منصفانه ای بین طرفین قرارداد توزیع شود، پیگیری کند.

در همین راستا پس از طرح موضوع قرارداد تیپ، علاوه بر مکاتبات گسترده با مقامات و مسئولین به منظور انعکاس موضوع اصلاح قرارداد و یکپارچه شدن قراردادهای فی مابین به صورت قرارداد تیپ، به عنوان یک خواسته صنفی، مساله تشریح و راهکارهای پیشنهادی ارائه شد. در حقیقت طی دوران طولانی این پیگیری ها، موضوع قرارداد تیپ به شکل کارشناسی توسط سندیکای صنعت برق تشریح و عواقب و پیامدها از طریق برگزاری پنل های تخصصی، مطالعات کارشناسی و مقالات تخصصی مطرح شد. پس از آن در طول قریب به دودهه از طرح این موضوع بارها کارگروه های تخصصی بین نمایندگان صنفی و وزارت نیرو در سطوح

مختلف و در دولت های مختلف تشکیل شد. در نهایت حاصل کار این کارگروه ها که در ادوار مختلف افراد متعددی را در خود جای داده بود، تدوین پیش نویس قرارداد تیپ بود. البته ذکر این نکته ضروری است که پیش نویس قرارداد تیپ در حوزه های انتقال و توزیع چندین بار تهیه و به تایید نمایندگان و کارشناسان سندیکا و وزارت نیرو و توانیر رسید اما متأسفانه کار در مرحله ابلاغ متوقف ماند.

اما در نهایت تلاش ها و پیگیری‌های مجدانه سندیکا در سال ۱۳۹۸ به ثمر نشست و بالاخره متن قرارداد تیپ مورد توافق سندیکا و وزارت نیرو، به تصویب هیات مدیره توانیر رسیده و دوبار ابلاغ شد.

آنچه که حاصل تلاش های ارزشمند سال های طولانی بخش خصوصی را عملایی تأثیر کرد اول رویکرد معاونت توزیع توانیر در مقابل راهکارهای پیشنهادی بود. این مساله همچنین ناشی از ساختار نامشخص حقوقی شرکت‌های توزیع است که عملاً به آنها این اجازه را می دهد که با استناد به استقلال و عدم بهره مندی از بودجه های دولتی می توانند از پذیرش یک مصوبه ابلاغ شده، سرباز زنند. بیش از ۶۰۰ قرارداد متوقف و بلا تکلیف در حوزه توزیع حاصل روشن همین رویکرد است.

این در حالی است که ابلاغ قرارداد تیپ مورد توافق طرفین و الزام شرکت های توزیع نیروی برق برای بکارگیری این قرارداد در مناقصات با مشارکت مستقیم وزارت نیرو، توانیر و شرکت های برق منطقه ای و توزیع نیروی برق می تواند از تکرار این مشکل طی سنوات آتی جلوگیری کند.

سقوط در جریان تلاطمات ارزی

فعالان صنعت توزیع به دلیل نبود قراردادهای هوشمند و جامعی که قابلیت مدیریت ریسک های حاکم بر فضای کسب و کار را دارد، از محل نوسانات قیمت ها هم خسارات جبران ناپذیری را متحمل شدند. در این میان

سهام نوسانات ارزی در ایجاد این خسارات بیش از سایر عوامل بوده است. در حقیقت از سال ۱۳۹۰ با بروز تحریم های مالی علیه ایران، نرخ ارز در دو مرحله افزایش چند برابری داشته است به نحوی که در طی ۷ سال تقریباً ۱۰ برابر شده است. این افزایش موجب شد هزینه ریالی تأمین تجهیزات وارداتی مورد نیاز پروژه ها به قدری افزایش یابد که عملاً امکان اجرای آن در چارچوب قراردادی ممکن نباشد. بنابراین این مشکل به عنوان یک مسئله کلان صنفی مطرح و درخواست جبران نوسانات ارزی در قرار دادها ارائه شد. این موضوع موجب گردید که اتمام پروژه‌های جاری این صنعت از اختیار پیمانکاران و سازندگان خارج شود.

گستردگی تأثیرات ناشی از تلاطمات ارزی سبب شد که سندیکای صنعت برق ایران به نمایندگی از بخش خصوصی ایجاد سازوکارهای قانونی برای جبران خسارات ناشی از افزایش نرخ ارز در قراردادهای فاقد تعدیل را در دستور کار خود قرار دهد. از آنجا که بخشنامه ارزی سازمان برنامه عمدتاً مشمول قراردادهای شرکت های برق منطقه‌ای شده و قراردادهای توزیع را به دلیل تأمین مالی از محل درآمدهای شرکت های توزیع نیروی برق پوشش نمی دهد، تدوین و ابلاغ بخشنامه جبرانی ارز حوزه توزیع به عنوان یک راهکار عملیاتی مد نظر قرار گرفت. این اقدامات در سال ۱۳۹۰ و پیش از اولین جهش ارزی سال های اخیر آغاز شد. پس از آن مکاتبه با دولت در سطوح و سازمان‌های مختلف، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس و وزارت نیرو به منظور تبیین آثار و پیامدهای منفی جهش‌های ارزی بر قراردادهای صنعت برق به شکل گسترده ای انجام شد.

در مرحله بعد کارگروه های تخصصی بین نمایندگان صنفی، شورای هماهنگی تشکل‌ها، سازمان برنامه و بودجه و وزارت نیرو در سطوح مختلف و در دولت‌های

مختلف تشکیل و راهکارهای پیشنهادی با همکاری دولت و سندیکا تدوین شد. حاصل این اقدامات که بیش از هشت سال به طول انجامید ابلاغ بخشنامه جبرانی ارز به شرکت‌های توزیع بود.

پیش از هر چیز ذکر این نکته ضروری است که تدوین و ابلاغ این بخشنامه و تعیین ضرایب تعدیل، با صرف ماه ها وقت و انجام ساعت کار کارشناسی بین معاونت توزیع توانیر، نمایندگان شرکت های توزیع و سندیکای صنعت برق ایران انجام شد. در نهایت اما باز هم این شرکت ها علیرغم تایید نهایی ضرایب توسط نمایندگان تعیین شده از سوی شرکت توانیر، از اجرای بخشنامه و جبران خسارات وارد شده به شرکت های سازنده، پیمانکار و مشاور از محل افزایش نرخ ارز خودداری کردند.

این بخشنامه به فاصله کوتاهی با تغییرات ایجاد شده در معاونت هماهنگی توزیع به طور کامل به دست فراموشی سپرده شد و عملاً قراردادهای توزیع با وجود جهش بی سابقه نرخ ارز در طول سال جاری و البته پیشتر از آن در سال ۹۷، به باتلاقی برای فعالان این صنعت بدل شدند. امروز تعداد قراردادهای متوقف تایید شده توانیر در حوزه توزیع به بیش از ۶۰۰ قرارداد می رسد که عدم تعیین تکلیف آنها به معنای امضای سند سقوط بسیاری از شرکت های کوچک و متوسط فعال در این حوزه خواهد بود.

تنها راهکار پیش رو برای مدیریت نوسانات اقتصاد کلان کشور در قراردادهای صنعت توزیع برق هم چیزی جز الزام شرکت های توزیع نیروی برق به اجرای دستورالعمل جبران اثار افزایش نرخ ارز با دخالت مستقیم سازمان برنامه و بودجه، وزارت نیرو و توانیر نیست.

نبود انضباط مالی در قراردادها

یکی دیگر از چالش های مستمر و حل نشده صنعت برق، انباشت مطالبات بخش خصوصی از کارفرمایان دولتی است.

داستانی قدیمی که ابعاد پیامدهایش تقریباً همه زوایای این صنعت را در بر گرفته است. مساله مطالبات البته از یک دوره زمانی خاص به چالشی با عوارض جبران ناپذیر تبدیل شد. وقتی که مطالبات تسویه نشده سازندگان و پیمانکاران، نظم گردش مالی آنها را به هم ریخت و موازنه درآمد و هزینه های شرکت های کارفرمایی به دلیل تثبیت قیمت برق و ناتوانی دولت در پرداخت مابه التفاوت بهای تمام شده و تکلیفی برق از بین رفت، عملاً مساله انباشت مطالبات به یک بحران جدید برای صنعت برق تبدیل شد. این موضوع از سال ۱۳۸۴ یکی از محورهای اصلی پیگیری های سندیکای صنعت برق ایران بوده است. این مساله که علاوه بر کسری بودجه وزارت نیرو، از نبود انضباط مالی در قراردادها ناشی می شود، هر ساله روند تضعیف فعالان صنعت برق را پرشتاب ترمی کند.

واقعیت این است که طی قریب به بیست سال اخیر، کارفرمایان بخش دولتی، فراتر از محدوده اعتبارات خود اقدام به اجرای طرح‌ها و خرید تجهیزات کرده و نتوانسته اند دیون خود را به تأمین کنندگان در چارچوب قراردادی پرداخت کنند. این مساله به صورت فراگیر و مکرر رخ داده، به طوری که عدم انضباط مالی دولت در بخش برق، تبدیل به یک رویه شده و انباشت بدهی وزارت نیرو و شرکت های تابعه به بخش خصوصی را به دنبال داشته است. این روند ضرر و زیان قابل توجه و غیر قابل جبرانی را به واحدهای تولیدی و پیمانکاری وارد کرده و موجب تضعیف جریان سرمایه گذاری و رشد صنعت شده است.

در همین راستا و به منظور حل مساله پرداخت به موقع مطالبات و خسارات دیرکرد آن، علاوه بر مکاتبه با ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، وزارت نیرو، توانیر و سازمان برنامه و بودجه و شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، عواقب و پیامدهای مطالبات معوق از طریق مصاحبه،

مکاتبه و کنفرانس های مطبوعاتی و جلسات متعدد با سطوح مختلف وزارت نیرو و شرکت در جلسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی توسط سندیکای صنعت برق ایران تشریح شد.

به همین منظور طی دودهه اخیر و در مقاطع مختلف زمانی کارگروه ها و کمیسیون‌های مختلفی در سطوح متفاوت با وزارت نیرو و توانیر ایجاد شد و راهکارهایی نظیر اصلاح قراردادها و پیش بینی جریمه دیرکرد پرداخت، گشایش اعتبار اسناد داخلی (LC ریالی)، نظارت و کنترل مدیران اجرایی، اصلاح نظام بازرگانی داخلی، مطرح شد. اگرچه در طول این سال ها وزارت نیرو و توانیر به تدریج و گاهی حتی به صورت قطره چکانی بخش هایی از مطالبات شرکت های عضو سندیکا را پرداخت کرده اند اما متأسفانه عدم تغییر رفتار مالی شرکت ها سبب شده، این مشکل هرگز به صورت بنیادی حل نشود و عملاً در برهه هایی، مساله مطالبات ابعاد گسترده ترو مخرب تری پیدا کند. در این میان سهم شرکت های سازنده و پیمانکار حوزه توزیع از این بحران مالی بیش از سایرین بود چراکه کمبود منابع مالی در این حوزه شرکت های کوچک و متوسط بیشتری را درگیر می کند.

در طول سال ۹۹ با وجود تلاش وزارت نیرو و توانیر برای تسویه مرحله ای بخشی از مطالبات شرکت ها اما همچنان بی انضباطی مالی حاکم بر شرکت ها، به تعریف پروژه های بدون پشتوانه مالی مشخص و انباشت بیشتر مطالبات و البته در مواردی توقف پروژه های بیشتر منجر شد.

راهکار این چالش هم بی تردید چیزی جز ایجاد انضباط مالی در تعریف طرح ها و اجرای تعهدات مالی کارفرمایان و پرداخت جریمه دیرکرد با نظارت مستقیم وزارت نیرو و شرکت توانیر بر عملکرد برق های منطقه ای و شرکت های توزیع نیست.●

چالش‌های حقوقی - قراردادی	مصاحبه‌مکتوب	{ در سراسیمپ صنعت توزیع }	چالش‌های حقوقی - قراردادی
۱. مشکلاتش شرکت‌های عضو سندیکا با شرکت‌های توزیع چیست و ریشه اصلی این مشکلات در چه مسائلی است؟	۲. با توجه به ابلاغ و تصویب فهارس بهای توزیع، انتظار می‌رفت بخشی از مشکلات فعالان این حوزه حل شود. اگر چنین نشده دلایل آن را چه می‌دانید؟	۳. سندیکا تقریباً در سال‌های اخیر به طور جدی موضوع بخشنامه جبرانی ارز را با توانیر پیگیری کرد. آیا این بخشنامه پیاده سازی شده؟ اگر خیر، چه آسیب‌هایی به شرکت‌ها رسانده و دلیل عدم پیاده‌سازی آن چیست؟	۵. راه‌کارهایی برای رفع مشکلات حوزه توزیع تدوین شد و در ظاهر نتیجه گرفته اما به درستی عملیاتی نشده است. مشکل از کجاست و سندیکا چطور می‌تواند آن را پیگیری کند؟

برنا برق اصفهان	فرج اصغری	عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران شعبه اصفهان و مدیر عامل شرکت برنا برق اصفهان
		

۱. در ابتدا اشاره‌ای می‌کنم به تقسیم بندی بازار؛ بازارهایی از نوع رقابتی، انحصار در فروش، انحصار در خرید و بازارهای انحصاری دوجانبه. در بازار رقابتی، فروشنده یا خریدار کالا و خدمات به بازار بزرگتری متصل است و قاعدتا هر فروشنده عضو کوچکی از این بازار است که قادر به تغییر قیمت‌های بازار

نیست. یادآور می‌شوم که تعادل در عرضه و تقاضا می‌تواند قیمت‌های بازار را به توازن برساند.

بخش توزیع صنعت برق به لحاظ تامین، تاسیس و نگهداری که توسط پیمانکاران این حوزه ارائه می‌شود به عنوان فروشنده کالا و خدمات و شرکت‌های توزیع برق خریدار خدمات ارائه شده محسوب می‌شوند که این خریداران در واقع انحصارگران این بازار هستند.

لازم به ذکر است که پیمانکاران یا همان متخصصین صنعت برق به طور میانگین در سطوح بالای علمی جامعه قرار دارند و عموماً افراد باهوش و توانمندی در حوزه علمی مربوط به خود هستند و قاعدتا دانش این صنعت را به صورت عمومی و تخصصی آموخته‌اند. ابزار و ماشین آلات و عوامل اجرایی آنها هم در دایره این صنعت طراحی و تنظیم شده و فقط در همین حوزه کارایی دارد.

شرکت‌های توزیع به خوبی به موضوع انحصار خود در این بازار آگاهند و به همین دلیل است که پیمانکاران با وجود متضرر شدن وارد قرارداد با این کارفرومایان می‌شوند و البته همواره هم متضرر هستند. بدین گونه که قراردادهای یک طرفه و عدم پرداخت به موقع مطالبات پیمانکار، علیرغم اینکه مشکلاتی از قبیل پرداخت به موقع مالیات ارزش افزوده خلق شده، مالیات تکلیفی و حق بیمه را ایجاد می‌کند اما پیمانکار هیچ زمانی مطالبات خود را از این کارفرمای انحصاری به موقع دریافت نمی‌کند و قاعدتا توان پرداخت به موقع این دیون را نیز نخواهد داشت.

با نیم نگاهی به میانگین رفاه جامعه روشن می‌شود که سطح رفاه اجتماعی عوامل این صنعت به رغم سختی و کار زیاد به مراتب کمتر از سایر مشاغل است و این واقعیتی است که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته. از طرف دیگر شرکت‌های توزیع که خود بخشی از دولت هستند باید نگاه کلان به اقتصاد داشته باشند نه خرد و بدنبال سود و زیان پروژه‌ای نباشند و از لحاظ اقتصادی فقط پای منافع شرکت توزیع را در نظر بگیرند.

شرکت توزیع دو وظیفه پیش روی خود دارد یکی در نظر گرفتن منافع اقتصادی کلان و دیگری منافع اجتماعی یعنی همان طور که جامعه توقع دارد که شرکت برق خدمات برق‌رسانی را به درستی انجام دهد بایستی در رفاه اجتماعی نیز نقش قابل توجهی ایفا کند و این موضوع همان ایجاد اشتغال و پایبندی به تعهدات پرداختی و ... به پیمانکاران است. و البته عملکرد این شرکت بیانگر آن است که هیچ یک از این وظایف توجه نمی‌کند.

اگر شرکت‌های توزیع به این رویه ادامه دهند و فقط منافع خود را در نظر بگیرند، هزینه آن از دست رفتن بخش اعظمی از پیمانکاران این صنعت است. بدین گونه که شرکت‌های فعال در صنعت برق

حکومت

ملوک الطوایفی

شرکت‌های توزیع بر

پیمانکاران برق

صنعت استراتژیک برق این روزها ناخوش احوال است و باید گفت که این احوال تقریباً دیگر از چشم کسی پوشیده نیست. شرایطی که رکود را بر این صنعت حاکم کرده و آن را به پرتگاه ورشکستگی کشانده؛ اما راه حل مشکلات این صنعت علیرغم پیگیری‌های مکرر سندیکای صنعت برق ایران و اعضای آن که زنجیره تامین‌کننده این صنعت هستند؛ بلا تکلیف مانده. بلا تکلیف از آن جهت که بعد از مذاکرات سندیکا و وزارت نیرو و البته توانیر و معاونت توزیع، راه حل‌ها مطرح و حتی به تایید نهایی رسیده است. از جمله راه حل‌ها و تصمیمات نهایی شده می‌توان به قرارداد تیپ، ابلاغ فهارس بهای رسته نیرو و بخشنامه جبران ارزی اشاره کرد که تقریباً هیچ‌کدام علیرغم وقت و انرژی صرف شده، اجرایی نشده‌اند. اما واقعا این مشکلات بهم تنیده و گره خورده را چه کسی باید حل کند؟ اینکه همواره سندیکا پای میز مذاکره توانیر و وزارت نیرو با تمام توان حاضر شده و دست پراز پای آن برخاسته، مذاکرات و تلاش‌ها در نهایت اجرایی نمی‌شود و مشکلات همچنان بر قوت خود پابرجاست را باید در واکاوی عملکرد، فقدان اختیار و ورود نهاد‌های نظارتی جستجو کرد. در این مجال به بررسی عملکرد معاونت توانیر از زبان برخی از شرکت‌های عضو سندیکا پرداخته‌ایم تا گامی در جهت شفافیت عدم رفع و رجوع مشکلات شرکت‌های عضو علیرغم تلاش‌های سندیکا برداشته باشیم.

- مشکلات شرکت‌های عضو سندیکا با شرکت‌های توزیع چیست و ریشه اصلی این مشکلات در چه مسائلی است؟
- با توجه به ابلاغ و تصویب فهارس بهای توزیع، انتظار می‌رفت بخشی از مشکلات فعالان این حوزه حل شود. اگر چنین نشده دلایل آن را چه می‌دانید؟
- سندیکا تقریباً در سال‌های اخیر به طور جدی موضوع بخشنامه جبرانی ارز را با توانیر پیگیری کرد. آیا این بخشنامه پیاده سازی شده؟ اگر خیر، چه آسیب‌هایی به شرکت‌ها رسانده و دلیل عدم پیاده‌سازی آن چیست؟
- قرارداد تیپ ابلاغ شد اما متأسفانه شرکت‌های توزیع به آن تمکین نکردند. آسیب‌های ناشی از این موضوع چیست و چرا این اتفاق افتاده است؟
- راه‌کارهایی برای رفع مشکلات حوزه توزیع تدوین شد و در ظاهر نتیجه گرفته اما به درستی عملیاتی نشده است. مشکل از کجاست و سندیکا چطور می‌تواند آن را پیگیری کند؟

چالش‌های حقوقی - قراردادی	مصاحبه‌مکتوب	{ در سراسیمپ صنعت توزیع }	چالش‌های حقوقی - قراردادی
اعضا؛ روی‌خ			
۱. مشکلات شرکت‌های عضو سندیکا با شرکت‌های توزیع چیست و ریشه اصلی این مشکلات در چه مسائلی است؟	۲. با توجه به ابلاغ و تصویب فهارس بهای توزیع، انتظار می‌رفت بخشی از مشکلات فعالان این حوزه حل شود. اگر چنین نشده دلایل آن را چه می‌دانید؟	۳. سندیکا تقریباً در سال‌های اخیر به‌طور جدی موضوع بخشنامه جبرانی آرز را با توانیر پیگیری کرد. آیا این بخشنامه پیاده‌سازی شده؟ اگر خیر، چه آسیب‌هایی به شرکت‌ها رسانده و دلیل عدم پیاده‌سازی آن چیست؟	۴. قرارداد تیپ ابلاغ شد اما متأسفانه شرکت‌های توزیع به آن تمکین نکردند. آسیب‌های ناشی از این موضوع چیست و چرا این اتفاق افتاده است؟
۵. راهکارهایی برای رفع مشکلات حوزه توزیع تدوین شد و در ظاهر نتیجه گرفته اما به درستی عملیاتی نشده است. مشکل از کجاست و سندیکا چطور می‌تواند آن را پیگیری کند؟			

نمی‌توانند زنجیره تامین در اقتصاد را ایجاد کنند لذا پیمانکار در فرایند فعالیت، سودی بدست نمی‌آورد پس قادر به پرداخت مالیات ناشی از سود نخواهد بود البته که کل زنجیره تامین به همین صورت نه سود قابل توجه دارند و نه توانایی پرداخت مالیات. در صورتی که اگر این دستگاه اجرایی درست عمل کند و عملکرد سازمان مالیاتی صحیح باشد شاید معادل بودجه اولیه تخصیص یافته به این صنعت در این زنجیره تامین به صورت مالیات مجدداً به خزانه دولت بازگردد.

یادآور می‌شوم به علت سلسله مشکلات همیشگی، صنعت برق نتوانسته پیمانکاران خوبی را تربیت کند. با وجود شرایط حاکم هرچه جلوتر می‌رویم پیمانکاران ضعیف‌تر و مستاصل‌تر و گرفتارتر می‌شوند. در شرایط خاص و سخت اجتماعی، اقتصادی و حتی مواقعی همچون سیل و زلزله به کدام بضاعت این بخش می‌توان تکیه کرد؟ پیشروی با این ضرب‌آهنگ روزی را رقم خواهد زد که دیگر هیچ پیمانکاری توان پذیرفتن و اجرای یک پروژه به‌طور صحیح و کامل نخواهد داشت.

۲. سال گذشته اقتصاد کشور وضعیت خوبی نداشت. بخش عمده‌ای از کالاهای جهش صد در صدی قیمت مواجه شدند. صنعت برق هم در این موضوع استثنا نبود. در نیمه دوم سال جاری تعدیل قیمت فهرست بهای سازمان مدیریت ابلاغ شد که خود منعکس کننده وضعیت بازار است. به صورت میانگین حدود ۷۰ الی ۸۰ درصد تغییر قیمت که در فهرست بها دیده شد اما تعدیل فهرست بهای بخش توزیع برق به صورت علی‌الحساب ابلاغ شد که فقط حدود سی درصد اختلاف قیمت پروژه را پوشش می‌دهد و این میزان، پاسخگوی مشکل نوسان قیمت‌های امسال نیست و اکنون هم تصمیم‌گیری درستی در این خصوص اتخاذ نشده است.

در حال حاضر بسیاری از شرکت‌ها، قالب قراردادهایشان را با این فهرست بهای موقتی تنظیم کرده‌اند. این فهرست بها پاسخگوی این افزایش قیمت‌های ۷۰ الی ۸۰ درصدی ـ بعضاً ۱۰۰ درصدی نیست. شاید پیمانکاریک پروژه کوچک به امید روزی که تعدیل اصلی ابلاغ خواهد شد، بتواند پروژه را تکمیل و تحویل دهد اما در پروژه‌های کلان‌تر پیمانکار قادر به اتمام کار نیست و کارفرما هم معطل تحویل پروژه است. کارفرمایی که از شرایط حاکم هم مطلع است و نمی‌تواند پیمانکار را به خاطر این تغییرات و جهش قیمت‌ها تحت فشار بگذارد.

اما معاونت محترم توانیر در امور توزیع مانع از محاسبه تعدیل تا کنون شده است. لذا کارکردن با چنین سازمانی مصداق آن است که پیمانکاران را به مرگ بگیرند تا به تب راضی شوند. شرکت در پروژه‌ها سرانجامی جز ورشکستگی برای پیمانکاران ندارد در صورتی که این بخش از فعالان اقتصادی می‌توانستند در مسیر سرمایه‌گذاری درستی قرار بگیرند.

از طرف دیگر با وجود فهرست بهای متعدد، باید بگوییم که همچنان با بازار چند قیمتی مواجه هستیم و همان‌طور که مستحضرید شرکت توزیع قراردادهای عمرانی را با یک فهرست بهای جدا و بخش دیگر پروژه‌ها را با فهرست بهای داخلی که شرکت توزیع هراستان برای خودش تهیه کرده پیش می‌برد! این

موضوع نیز مشکلات دیگری را رقم زده.

و بدتر از آن، در شرایط عمومی پیمان وقتی پیمانکار پروژه را تحویل می‌دهد کارفرما مکلف است در طول بیست روز بررسی‌های لازم را در خصوص پروژه انجام دهد و نسبت به پرداخت مطالبات پیمانکار اقدام کند اما متأسفانه این موضوع توسط شرکت‌های توزیع نادیده گرفته می‌شود و پیمانکار علیرغم تحویل پروژه بعضاً ماه‌ها و حتی سال‌ها مطالبات خود را دریافت نمی‌کند.

موضوع دیگر اینکه در این بازار و با این نرخ تورم پیمانکار با پیش‌بینی سود بین ۱۰ الی ۲۰ درصدی وارد قرارداد می‌شود، اما وقتی از پرداخت مطالبات آن یک سال کاری زمان بگذرد پیش‌بینی سود که نه تنها سودی عاید کارفرما نمی‌شود، بلکه باید از جیب خود نیز برای این پروژه هزینه کند، همچنین با عدم نقدینگی مواجه شده و نمی‌تواند پروژه جدیدی را آغاز کند.

به همین دلایل است که قدرت مالی پیمانکاران روز به روز بد و بدتر می‌شود. شرکت‌های توزیع در خصوص مسائل مالی و پرداخت‌هایشان نیز به پیمانکاران تصمیمات ملوک‌الطوایفی اتخاذ می‌کنند و تابع هیچ سازمانی از جمله سازمان مدیریت هم نیستند.

۴. اگر قرارداد تیپ پیاده می‌شد شاید وضع پیمانکاران بهتر از این بود اما به خاطر انحصاری بودن کارفرما، پیمانکار مجبور به پذیرفتن شرایط ایجاد شده برای اخذ پروژه و حفظ نیروی کار است. شاید با این سوال روبرو شده باشید که اگر قراردادهای شرکت توزیع عادلانه نیست چرا شرکت‌ها وارد قرارداد می‌شوند؟ باید بگویم که تنها دلیل این است که پیمانکاران راه دیگری ندارند. تمام زندگی و ساختار حاکم بر آنها در موضوع پروژه‌های این صنعت متمرکز شده است. پیمانکاران به این دلیل که تنها در این حوزه توانایی و تخصص دارند به چنین قراردادهایی تن می‌دهند.

۵. اتحادیه‌های زیادی در کشور مشغول به فعالیت هستند. در اغلب کسب و کارها، اتحادیه عرضه‌کننده کالا و خدمات، قیمت‌گذار خدمات صنف خود است؛ اما در این صنف استثنایی‌ترین حالت وجود دارد و انتخاب پیمانکاران توسط متقاضی خدمات که انحصاری هم هست، رقم می‌خورد. این مشکل زمانی قابل حل است که سندیکا در نقش انتخاب‌کننده وارد عمل شود و مصرف‌کننده خدمات که همان شرکت توزیع است به صورت مستقیم پیمانکار را انتخاب نکند و در مورد حداقل‌های قیمت‌گذاری تصمیم نگیرد و لااقل تابع قوانین سازمان مدیریت و برنامه کشور باشد. وقتی سندیکا به عنوان رابط بین شرکت‌های پیمانکار و کارفرما باشد، استانداردها و تعاریف برای پیمانکار واجد شرایط معنی پیدا می‌کند. در حال حاضر به علت غیررقابتی شدن پروژه سطح توانایی پیمانکار اصلاً مطرح نیست، پیمانکارانی هستند که با حداقل امکانات در برابر پیمانکاران با سطوح بالاتر وارد پروژه می‌شوند اما هر دوی آنها برای کارفرما در یک تراز قرار می‌گیرند و برای کارفرما فرقی نمی‌کند که با کدام یک پروژه را

اعضا؛ روی‌خ

۱. مشکلات شرکت‌های عضو سندیکا با شرکت‌های توزیع چیست و ریشه اصلی این مشکلات در چه مسائلی است؟

۲. با توجه به ابلاغ و تصویب فهرس بهای توزیع، انتظار می‌رفت بخشی از مشکلات فعالان این حوزه حل شود. اگر چنین نشده دلایل آن را چه می‌دانید؟

۳. سندیکا تقریباً در سال‌های اخیر به‌طور جدی موضوع بخشنامه جبرانی ارز را با توانیر پیگیری کرد. آیا این بخشنامه پیاده سازی شده؟ اگر خیر، چه آسیب‌هایی به شرکت‌ها رسانده و دلیل عدم پیاده‌سازی آن چیست؟

پیش ببرد.

کافی است کارفرما با شرکت‌های توانمند و با ساختار اداری درست دچار چالش شود ترجیح

می‌دهد با پیمانکاری که حتی دو کارگر بیشتر ندارد وارد قرارداد شود. در صورتی که شرایط پیمانکار

توسط سندیکا تعریف می‌شد دیگر چنین اتفاقی رقم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد نهاد تعدیل‌کننده

در این صنعت وجود ندارد و سندیکا درحاشیه قرار گرفته که برای این صنعت درد بسیار بزرگی است.

گاهی اوقات خدمات سندیکا قابل توجه است؛ اما متأسفانه به دلیل عدم تعهد به سندیکا،

کمبود دانش اجتماعی و نظام رابطه پیمانکار و کارفرما باعث شده خود پیمانکاران نیز قائل به

ساختار نباشند. به نظر می‌رسد پیمانکاران نیازمند آموزش هستند. نه به لحاظ فنی بلکه به لحاظ

اجتماعی. از این جهت که به درک درستی در الزام عضویت در تشکل‌ها دست یابند.

بایدار صنعت ماهان پارس | **علی ربوی** | مدیرعامل و رئیس هیات مدیره



۱. طیف گسترده‌ای از مشکلات بین کارفرمایان و پیمانکاران صنعت برق حاکم است که بیان جزئیات و تشریح آن در این گفت و گونی‌گنجد. لذا ایده ال این است که با توجه به تجربه اخیر این شرکت به منشأ و سرچشمه مشکلات موصوف پرداخته و نگریسته شود:

الف) ضعف و نقص نظارت (بازرسی درون سازمانی) و نیز ضعف مدیریت که خود یکی از وجوه نقص نظارت است:

از جمله وظایف و مسئولیت‌های خطیر دوایر بازرسی درون سازمانی، نظارت بر حسن انجام امور دستگاه و ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان، کشف تخلفات اداری و مالی، بازرسی‌های مستمر و دوره‌ای جهت سنجش میزان مطابقت عملکردها با برنامه‌ها و شاخص‌هاست. پرواضح و طبیعی‌ست که علیرغم این بازرسی‌ها و نظارت‌ها، مشکلات کماکان حل نشده باقی‌مانده است. یعنی اقدامات و تصمیمات اگر لازم هم بود کافی نبوده و سیستم بازرسی یا ارزیابی نشتی و نقصی دارد و فاقد اثربخشی است، لذا مهمترین گام جهت رفع اشکال مزبور بایستی در راستای تقویت یا توسعه نظارت یا بازرسی درون سازمانی از طریق اصلاح شیوه‌نامه یا پروتکل‌های بازرسی یا نظارتی و افزایش هزینه فسادهای اداری باشد.

به عنوان مثال وقتی در دستگاه اجرایی معاونت یا مدیریت آن مانع تراشی می‌کند قطعاً خود را از

ب) ضعف و نقص داوری (کمیته حل اختلافات قراردادی):

طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی و مواد ۱-۳ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگستری مرجع رسمی تظلمات عمومی است مازاد بر آن مرجع غیررسمی دیگری بنام داوری طبق ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان وجود دارد اما متأسفانه تصمیمات و مصوبات جلسات داوری ضمانت و پشتوانه اجرایی کافی ندارند. نمونه مصداقی آن بخشنامه ابلاغی تعدیل قراردادهاست که علیرغم توصیه و تصویب آن در معاونت توزیع توانیر، کارفرما از احتساب دقیق و صحیح آن علیرغم پیگیری‌ها و مراجعات و مکاتبات این شرکت استنکاف ورزید. آن هم از بخشنامه ابلاغی سازمان محترم مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که ضوابط و ضرایب مشخص و مبرهنی دارد.

۲. در واقع پایه انجام معامله در طرح‌های عمرانی قیمت‌هایی است که به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در قالب فهرست بها تهیه و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌شود اما به نظر می‌رسد مشکل اصلی در این حوزه ضعف در واقعی سازی هزینه‌ها است لذا شایسته است آنالیزهای سازمان برنامه و بودجه علاوه برآنکه منطبق بر اطلاعات مرکز آمار و مبتنی بر واقعیت‌های بازار باشند بایستی در فرایند آنالیز مجریان اصلی پروژه‌ها به‌ویژه مشاوران و پیمانکاران نیز جهت واقعی سازی هزینه‌ها مورد مشورت واقعی با سازمان برنامه و بودجه قرار گیرند.

۳. تخصیص تعدیل در راستای عدالت و تخفیف و ترمیم بخشی از هزینه‌ها وزخم‌های مضاعف پیمانکاران درطول اجرای پروژه است. با این حال علیرغم تصویب و توصیه بخشنامه مربوطه دستگاه‌های اجرایی از آن تبعیت نمی‌کنند یا نهایتاً براساس ضوابط و ضرایب ابلاغی آن را منظور و ملحوظ نمی‌کنند و جالب‌تر اینکه کارفرما ضمن اجرای ناقص دستورالعمل تعدیل با سوء استفاده از شرایط اقتصادی و قراردادی، پیمانکار را ملزم به ارائه تعهد عدم شکایت از محاکم حقوقی می‌کند در حالی‌که هیچ کارفرمایی در صورتی که محاسبات آن بر مبنای مصوبات باشد لزومی به اخذ تعهد اسقاط ادعا و اعتراض نمی‌بیند، چرا که در صورت صحت محاسبات دیگر هیچ دغدغه و نگرانی بابت بازخواست یا شکایت ندارد علاوه بر آن هرگونه توافق و تعهد

اعضا؛ روی‌خ

۱. مشکلات شرکت‌های عضو سندیکا با شرکت‌های توزیع چیست و ریشه اصلی این مشکلات در چه مسائلی است؟

۲. با توجه به ابلاغ و تصویب فهرس بهای توزیع، انتظار می‌رفت بخشی از مشکلات فعالان این حوزه حل شود. اگر چنین نشده دلایل آن را چه می‌دانید؟

۳. سندیکا تقریباً در سال‌های اخیر به‌طور جدی موضوع پخشنامه جبرانی ارز را با تأثیر پیگیری کرد. آیا این پخشنامه پیاده‌سازی شده؟ اگر خیر، چه آسیب‌هایی به شرکت‌ها رسانده و دلیل عدم پیاده‌سازی آن چیست؟

۴. قرارداد تیپ ابلاغ شد اما متأسفانه شرکت‌های توزیع به آن تمکین نکردند. آسیب‌های ناشی از این موضوع چیست و چرا این اتفاق افتاده است؟

۵. راهکارهایی برای رفع مشکلات حوزه توزیع تدوین شد و در ظاهر نتیجه گرفته اما به درستی عملیاتی نشده است. مشکل از کجاست و سندیکا چطور می‌تواند آن را پیگیری کند؟

آراد کاوش پی **احسان فکار** **نایب رئیس کمیته یراق آلات سندیکا و مدیرعامل شرکت آراد کاوش پی**



اراده‌ای برای جبران آسیب نوسانات اقتصادی بر پیکره بخش خصوصی نیست

۱. دغدغه و مشکلات مشاورین، تولیدکنندگان و پیمانکاران صنعت برق با تأثیر و شرکت‌های توزیع نیروی برق مسئله جدیدی نیست. تجمع مشکلات در سنوات گذشته تا کنون و نحوه برخورد کارفرما با شرکت‌های بخش خصوصی همواره چالش‌های جدی را پیش‌رو آورده است. اجرایی نکردن قرارداد تیپ، انباشت مطالبات و عدم ثبات رویه در شرکت‌های توزیع موضوعات تکراری و غیرقابل حل برای سیاستگذاران بالادستی است.

۲. متأسفانه در خصوص فهرس بهای توزیع علی‌رغم تلاش‌های کمیته‌های تخصصی سندیکای صنعت برق به منظور گردآوری ریز مشخصات مواد بری بر مبنای قیمت روز توسط نماینده حقوقی به شرکت تأنیر؛ مورد بی‌توجهی قرار گرفته و هیچ‌گونه دست‌آوردی در این زمینه حاصل نشده. پخشنامه‌ها و دستورالعمل نحوه جبران آثار ناشی از افزایش قیمت ارز در پیمان‌های ریالی نیز در اولویت و خواست حل مشکلات کارفرما نمی‌باشد.

۳. تلاش‌ها و زمان زیادی صرف این موضوع شده است اما از آنجا که خواست و اراده‌ای برای جبران آسیب نوسانات اقتصادی بر پیکره بخش خصوصی نبود پس نتیجه کار بایگانی مطالعات و مستندات تهیه شده در تأنیر است. آسیب‌های این عملکرد منجر به عدم ایفای تعهدات، قراردادهای ناتمام، ضبط ضمانت نامه‌ها، خارج شدن شرکت‌ها از چرخه فعالیت و زیان‌های غیرقابل جبران مربوط به انباشت مطالبات و از بین رفتن منابع مالی و انسانی شرکت‌ها بوده است.

۴. از فواید اصلی عدم اجرای قرارداد تیپ در شرکت‌های توزیع می‌توان به عدم شفافیت در پیش پرداخت، تسویه مطالبات، تعدیلات، محاسبه نوسانات نرخ ارز و سایر مسائل مالی و فنی را بیان کرد. نتیجه موضوعات فوق تقویت منابع مالی نداشته شرکت‌های توزیع و وام‌گیری از منابع مالی شرکت‌های بخش خصوصی بوده است. پرواضح که آسیب‌های وارده از دست دادن سرمایه مالی و انسانی فعالین بخش خصوصی است که زحمت پایداری این صنعت را با رنج به عهده دارند.

۵. ریاست و دبیر محترم سندیکا ضمن انعکاس قاطع و انتشار این موضوعات با استناد به مدارک و مکاتبات قابل ارجاع که در اختیار ایشان و تأنیر می‌باشد اقدامات لازم برای نمایان سازی بی‌توجهی به چالش‌های فوق را فراهم سازد. جلسات متعدد کارشناسی در کمیته‌های تخصصی و ارائه نقطه نظرات اجرایی که در حل بحران گذشته و حال موثر بود متأسفانه به دلیل عدم اولویت کارفرما و صلاحدید جز صرف وقت حاصل دیگری نداشته است. از این جهت لزوم صیانت از مجموعه فعالیت‌های صورت گرفته در اولویت اقدام می‌باشد. ملاقات حضوری با مقامات بالاتر در سازمان و درخواست نشست‌های مشترک جهت برون رفت از فضای موجود نیز ضروری و لازم است.

بایستی بر مبنای و در راستای قوانین و مقررات باشد به عنوان مثال مگر می‌توان کمتر از حداقل حقوق تعیین شده طبق قانون کار به کارگر حقوق داد و بعد با رفتار ملوک الطوایفی از وی تعهد گرفت؟ پس در آن صورت فلسفه وجودی سیستم قضایی و کارشناسی چیست؟ به‌طور مثال شرکت پایدار صنعت ماهان پارس با مساعدت سندیکا و با پیگیری‌های متعدد و مکرر در نهایت موفق به اخذ مصوبه اعمال تعدیل شد اما علیرغم مصوبه مزبور، کارفرما در ابتدا به بهانه‌های مختلف از پذیرش آن امتناع می‌کرد و نهایتاً با گذشت چند ماه آن را بر اساس سلیقه نه مصوبه و به‌طور ناقص اعمال کرد تا اینکه این شرکت علیرغم تمایل به تعامل در حل و فصل موضوع و بر اساس راهنمایی برخی مدیران جهت احقاق حق خود به سیستم قضایی متوسل شد که جلسه بدوی آن برگزار شده و موضوع توسط مقام محترم قضایی به کارشناسان دادگستری جهت ارزیابی و تعیین تکلیف ارجاع شده است.

به قول رئیس محترم قوه قضائیه در صفحه سفید خدمت ممکن است معدود کارمندان یا مدیران دستگاه‌ها باشند که نقطه‌های سیاهی را حک کنند اما مهم اینست که از طریق توسعه و تقویت نظارت و بازرسی اجازه ندهیم این نقاط سیاه افزایش و باهم ارتباط پیدا کنند. مسئله دیگر روش‌ها و سیاست‌های پوپولیستی است به‌طوری‌که در همایش‌ها و مناسبت‌ها از پیمانکاران به عنوان بازوی اجرایی کارفرما یاد می‌کنند که در شرایط بحران به کمک کارفرما می‌آید اما در مقام عمل مساعدت و معاضدت مقتضی با پیمانکار صورت نمی‌پذیرد. حال امروز پیمانکاران مصداق بارز یک قربانی است

۴. به‌طور مشخص عدم شفافیت متون باعث بروز اختلاف بین طرفین قرارداد می‌شود، لذا برای حل مشکلات قراردادی بایستی:

۱- شفافیت باشد یعنی: تعهدات و اقدامات طرفین شفاف باشد تا ضمن اثربخشی از کلی گویی و شبهه افکنی اجتناب شود -۲-: تعادل در ریسک (عدالت): توزیع ریسک به طرفین قرارداد یکسان باشد نه اینکه به شکل یک جانبه و غیرمنصفانه به یک طرف تحمیل شود چون بدون تمسک و توسل به شفافیت و عدالت، پیشرفت و موفقیت در امور قراردادی حاصل نمی‌شود.

۵. ارتباط سندیکا باید با بازرسی درون سازمانی و برون سازمانی، در واقع مراجعی که می‌توانند اجرایی شدن یک ابلاغیه را رصد و بررسی کنند؛ موثرتر و بیشتر شود تا برخی شرکت‌های توزیع به راحتی و بدون هیچ دغدغه‌ای نتوانند از اجرای دستورالعمل‌های ابلاغی و اساسی سر باز زنند و سندیکا اگر می‌خواهد پلی باشد بین پیمانکاران و کارفرمایان (یا دستگاه‌های ذیربط) بایستی جهت تقویت اثربخشی خود به تعامل جدی با کمیسیون‌های مربوطه مجلس محترم شورای اسلامی و سازمان بازرسی بیندیشد.



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

- کامیار تجهیزپویا
- پتروپارس قدرت
- مان اطلس دیبا (مادکو)
- ایمن مبدل آسیا
- سازه گهر کاوه ایرانیان
- آرمان نیروتیراژه
- گروه توسعه پروژه های نیرو
- واتوماسیون پاژ
- فرزاد فن اندیش فردا

خیرمقدم به اعضای جدید

۶۰

به گزارش کمیته عضویت سندیکای صنعت برق ایران با پیوستن ۸ شرکت جدید به سندیکا در زمستان سال جاری، در مجموع ۶۰ شرکت فعال در حوزه صنعت برق در سال ۹۹ به عضویت سندیکا درآمده اند. با این احتساب در طول سال جاری تعداد اعضای سندیکای صنعت برق ایران به ۵۶۹ شرکت رسید.

راهنمای اشتراک

از فعالان صنعت برق و انرژی کشور دعوت می شود در صورت تمایل به اشتراک نشریه ستبران، ضمن تکمیل فرم ذیل، بهای اشتراک را بر اساس تعرفه، به حساب شماره ۱۴۷۵۱۸۱۷/۰۸ بانک ملت جاری جام، شعبه امیراتابک به نام سندیکای صنعت واریزو رونوشت فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به شماره نمابر ۶۶۹۴۴۹۶۷ دبیرخانه سندیکا دورنگار نمایید.

هزینه اشتراک یک ساله:	پست عادی: ۱۰۰,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۱۲۰,۰۰۰ تومان
هزینه اشتراک دوساله:	پست عادی: ۲۰۰,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۲۴۰,۰۰۰ تومان

- دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه ها با ارسال کارت یا گواهی نامه معتبر از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می شوند.
- خواهشمند است، مشترکین محترم در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایند.
- با توجه به اینکه تنها عدم وصول مجلاتی که بصورت پیشتاز ارسال می شوند قابل پیگیری است لذا توصیه می شود از خدمات پست پیشتاز استفاده شود.



لطفاً در مستطیل روبه روی چیزی ننویسید

مشترک حقیقی	مشترک حقوقی
نام	نام شرکت/ سازمان
نام خانوادگی	نام متقاضی
شغل	نام خانوادگی متقاضی
تحصیلات	سمت
تعداد نسخه درخواستی از هر شماره:	
نوع اشتراک: ☐ اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک	
نشانی	محل امضا
تلفن	شماره فیش
استان	نمابر
شهر	موبایل
کد پستی	ایمیل
	تاریخ واریز هزینه اشتراک



جپ گروه پارسیان

فعالیت گروه پارسیان در بهمن ماه سال ۱۳۷۱ با تاسیس شرکت توسعه پست‌های فشارقوی پارسیان بعنوان اولین شرکت پیشگام ایرانی با هدف بومی سازی مهندسی و زمینه سازی برای انتقال دانش فنی و استفاده تجهیزات ساخت داخل، بعنوان پیمانکار عمومی در زمینه نیروگاه‌ها، پست‌های فشارقوی، حمل و نقل درون شهری، قطارهای سریع السیر و پروژه‌های خطوط انتقال انرژی، مخابرات، اسکادا و اتوماسیون، حفاظت و کنترل نیومتریک پست‌های فشارقوی با بیشترین سابقه در رشته انتقال و توزیع نیرو، دیسپاچینگ و مخابرات در صنعت برق می‌باشد. گروه پارسیان در زمینه‌های پروژه‌های انتقال نیرو، اولین و بزرگترین صادر کننده خدمات فنی-مهندسی و به عنوان اولین تولید کننده کلیدخانه‌های گازی فشار قوی (GIS) در کشور است که پروژه‌های متعددی در کشور سوریه، امارات متحده عربی، بنگلادش، افغانستان، بنین، یمن و نیجر را انجام داده یا در دست اجرا دارد و در سه دوره عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی و مهندسی را که افتخاری برای این مجموعه بوده را به دست آورده است.



PARSIAN GROUP is a group of companies which are well known as general contractors in the field of power plant, transmission and distribution of electric energy, supplying & execution of gas insulated substation and electrical and control panels, communication & scada systems, DCS of power plant, substation, industrial systems (oil, gas, petrochemical, cement, steel), electrical transport system & utility.

Our performance has been proven in than 300 EPC project in mentioned fields. Today Parsian is renowned for having an outstanding record of execution of AIS/GIS high voltage substations ranging from 63 to 400KV, Transmission lines, BOP of power plants, power supply of metro lines, railway electrification and a lot of other electrical projects in local and overseas.

Our business is not only restricted in Iran's market but also in countries Syria, UAE, Bangladesh, Afghanistan, Yemen, Benin and Niger.

تهران، بزرگراه همت، شهرک گلستان، تقاطع بلوار امیرکبیر و کاج، پلاک ۵، ساختمان کاج صندوق پستی: ۱۴۹۳۶۳۷۱۳۵ تلفن: ۰۲۱-۴۸۰۷۶۰۰۰ نمابر: ۰۲۱-۴۸۰۷۶۰۰۱

www.parsian.com

info@parsian.com



شرکت پارسیان توسعه پست‌های فشارقوی (PSS): پیمانکار عمومی (EPC) پروژه‌های انتقال برق و پست‌های فشارقوی در منطقه تاسیس شده است که علاوه بر پروژه‌های متعدد پست‌های ۴۰۰، ۲۳۰، ۱۳۲ و ۶۳ کیلوولت در داخل کشور، پروژه‌های متعددی در کشورهای سوریه، امارات متحده عربی، بنگلادش، افغانستان بنین، یمن و نیجر را اجرا یا در دست اجرا دارد و سه دوره عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی - مهندسی را که افتخاری برای این گروه می‌باشد به دست آورده است.



شرکت پارسیان توسعه نیروگاه‌ها و صنایع پارسیان (PPI): پیمانکار عمومی (EPC) در پروژه‌های تولید انرژی و صنایع نیروگاهی شامل نیروگاه‌های گازی، حرارتی، ژئوترمال، آبی، بادی، خورشیدی همچنین پیمانکار عمومی بخش بوتیلینی صنایع فولاد، سیمان، نفت - گاز - پتروشیمی، مس و ...



شرکت توسعه ریل نیروی پارسیان (PRP): پیمانکار عمومی (EPC) جهت برق رسانی صنایع در پروژه‌های نوسازی و ارتقاء سیستم موجود الکتریکی قطارهای برقی، در بخش حمل و نقل درون شهری، در قطارهای سریع السیر و برقی کردن خطوط راه آهن موجود، اتوبوس برقی، مونوریل

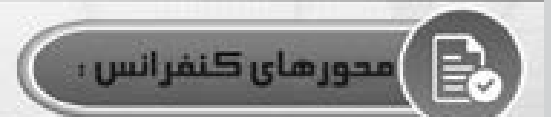


شرکت پیمان خطوط گستر (PKG): پیمانکار عمومی در پروژه‌های خطوط انتقال انرژی و سیستم‌های حفاظت و کنترل نیومتریک و طراحی و اجرای سیستم‌های اتوماسیون و ابزار دقیق، طراحی و ساخت و اجرای پست‌های فشار قوی، طراحی و ساخت و اجرای سیستم‌های مخابراتی، طراحی و اجرای مراکز دیسپاچینگ و اسکادا یا توافقنامه همکاری با شرکت‌های زیمنس، ABB، GE، NR، AREVA برای اجرای پروژه در ایران و خاورمیانه.



25th Electrical power
Distribution Network International conference
Alborz Province 18-19 May 2021

کنفرانس بین المللی شبکه‌های توزیع نیروی برق
استان البرز ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰



- ۱- شبکه‌های توزیع هوشمند
- ۲- بهره‌برداری و حفاظت شبکه‌های توزیع برق
- ۳- کیفیت توان
- ۴- خدمات مشترکین و مدیریت مصرف انرژی
- ۵- بازار برق
- ۶- تولیدپراکنده و انرژی‌های تجدیدپذیر
- ۷- صنعت برق در شرایط تحریم اقتصادی و کرونا
- ۸- فن آوری اطلاعات و ارتباطات و هوش تجاری
- ۹- مدیریت و بهره‌وری
- ۱۰- ایمنی، بهداشت و محیط زیست
- ۱۱- بحران و پدافند غیرعامل
- ۱۲- تاب آوری شبکه‌های توزیع برق
- ۱۳- برنامه ریزی، مطالعات و مهندسی توزیع برق

سخنرانان کلیدی:

دکتر فرهاد رشیدی -
دانشگاه EPFL سوئیس



دکتر کارلو آلبرتو نوجی
دانشگاه بولونیا ایتالیا



دکتر محمد شاهیده پور
دانشگاه اپلنویز آمریکا



دکتر علیرضا بخشایی
دانشگاه کوئینز کانادا



برگزارکنندگان:

انجمن مهندسين برق و الكترونيك ايران با
همكاري دانشگاه صنعتي اميرکبير و
شرکت توزیع نیروی برق استان البرز

ایمیل: info@epdc25.ir وب سایت: WWW.epdc25.ir



دریافت تندیس صادرکننده نمونه ملی کشور

